اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

شماره ۱۱۱ دوره سوم دوشنبه ۲۱ دی ماه ۱۳۶۰ برابر با ۱۵ ربیع‌الاول ۱۴۰۲ و ۱۱ ژانویه ۱۹۸۲ بها ۳۰ ریال

تروریست‌های اقتصادی کارگزاران امپریالیسم آمریکا

کوبیدن مواضع تروریست‌های اقتصادی شرط لازم برای نیل به استقلال و شکوفایی اقتصادی است

مسائل اقتصادی، نظیر گرانی و احتکار، فقر وبیکاری، مسئلهٔ مسکن واجاره‌بها، مشکل اراضی شهر وروستا

بقیه در صفحه ۳

درباره لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی

متن لایحه دولتی‌کردن بازرگانی خارجی، که کلیات آن درتاریخ هفتم آذرماه ۱۳۶۰ ازتصویب مجلس شورای اسلامی ایران گذشت، همراه با ضمائم، آن انتشار یافته‌است. متن‌اصلی لایحه شامل ۴۰ ماده وتعدادزیادی تبصره است، که اگر درکمیسیون بازرگانی خارجی مجلس و در شور دوم آن، از نقائص، زوائد و ابهامات پالوده‌گردد شالوده اطمینان بخشی برای دولتی کردن بازرگانی خارجی‌ریخته‌خواهد شد.

درآستانه‌برگزاری‌سومین سالگرد انقلاب‌بزرگ بهمن، هنوز بازرگانی خارجی، منبع سودورزی ومال اندوزی سرمایه‌داران بزرگ وابسته است، که با ایجاد کمبودوتشدیدگرانی و تورم، خون مردم محروم را در شیشه کرده و به بهای حرمان میلیونها زحمتکش، سودهای بادآورد به حیب ریخته‌اند.

قانون اساسی جمهوری‌اسلامی ایران، بازرگانی‌خارجی را جزء بخش دولتی اقتصاد شناخته است. زمانی‌که قرارشد این اصل از قانون‌اساسی به عمل درآید، لیبرالهای دولت موقت **"لایحهٔ قانونی‌مراکز تهیه‌وتوزیع کالا"** را، بعنوان گام‌نخست در راه دولتی کردن‌بازرگانی‌خارجی، بتصویب شورای انقلاب رساندند، که درهمان زمان از سوی بسیاری از احزاب، سازمان‌ها و مطبوعات مترقی و از جمله روزنامهٔ "جمهوری‌اسلامی" موردانتقاد قرار گرفت. زیرا این لایحه نه در جهت دولتی کردن‌بازرگانی‌خارجی، بلکه پوششی برای‌ادامه غارتگری بازرگانان بزرگ بود.

گذشت‌زمان وتجربه‌وعملکرد یک سال وهشت‌ماههٔ این‌لایحه، بروشنی برحقانیت مخالفان‌آن گواهی‌میدهد، زیرا **"مراکزتهیه‌وتوزیع کالا"** نتوانستند گامی بسوی‌کاهش قیمتهاوقطع دست سرمایه‌داران‌وابسته در رشته‌بازرگانی خارجی بردارند. حتی‌چندقلم‌کالائی که واردات آنها به **"مراکزتهیه‌و توزیع کالا"** سپرده‌شد، نظیرآهن‌وکاغذ و چوب، هیچ سامانی نگرفت و آهن وارداتی کیلوئی ۴۵ریال، تا بیش از کیلوئی ۲۵ تومان در بازاربه مصرف‌کننده عرضه شد وهم‌اکنون عرضه‌میشود.

"مراکزتهیه و توزیع کالا" در حقیقت "شرکت‌سهامی" چندسرمایه‌دار بزرگ وابسته شد، که‌کالا بخارج‌سفارش میدادند و نبض بازار داخلی راکماکان دراختیارداشتند.

بدنبال‌بی‌ثمری‌این‌مراکز بود که لایحهٔ جدیددولتی‌کردن‌بازرگانی خارجی‌تدوین‌شدوماده ۳۵آن انحلال این مراکز را پس از واگذاری‌کلیهٔ امور آن به‌مراکز دولتی، که براساس لایحهٔ جدیدتشکیل خواهند شد پیش بینی کرده‌است.

بموجب لایحهٔ جدیدقرار است

بقیه در صفحه ۷

بمناسبت زاد روز پیامبر اسلام ـ هفته وحدت

وحدت برای تحقق آرمان‌های مستضعفین

دراین هفته‌مسلمانان ایران وجهان زادروز پیامبر اسلام را جشن میگیرند. با پیام فقیه‌عالیقدر آیت‌الله‌منتظری‌مسلمانان‌ایران‌زادروزپیامبر اسلام راهفتهٔ وحدت همهٔ مسلمانان اعلام کرده‌اند.

درواقع نیز جهان‌اسلام بیش ازهرزمان دیگری‌نیازبه‌وحدت دارد. و درست به‌همین‌دلیل‌است‌که‌باید ماهیت این‌وحدت، احزاء این وحدت هدف‌این‌وحدت را به‌درستی شناخت.

زمانی که‌هفته‌وحدت به‌مناسبت‌زادروزپیامبر اسلام‌اعلام شد، بلا فاصله ازعربستان سعودی‌صدائی برخاست که‌جشن‌گرفتن زادروز پیامبر اسلام "شرک است"او به‌نظر مادرست همین صدای‌ناهنجارماهیت‌واقعی این وحدت، اجزاء واقعی‌این‌وحدت وهدف‌واقعی این وحدت راشناساند.

برعربستان‌سعودی یک‌گروه غاصب غارتگر حکومت‌میکند که‌دست‌نشانده‌امپریالیسم‌امریکاست وبرای حفظ سلطهٔ غارتگرانهٔ‌خود و اربابش علیه‌انقلاب اسلامی‌ایران‌وجمهوری‌اسلامی‌ایران‌توطئه‌میکند، ولی‌خود را نه فقط"مسلمان"، بلکه "مرکزجهان‌اسلام" میداند!

پس وحدت مسلمانان، وحدت‌مستضعفین مسلمان‌است‌علیه‌امپریالیسم بسرکردگی امریکاودست‌نشاندگانش، وحدت‌مسلمانان تحقق آرمان های مستضعفین‌مسلمان‌است‌که‌در اساس‌خودچیزی‌نیست‌جز رهائی از سلطه امپریالیسم، شرکت مردم در سرنوشت‌خویش وبرخورداری زحمتکشان از نتیجه‌دسترنج‌خویش.

چنین‌وحدتی‌واقعی است، لذاعملی است و میتوان وباید برای تحقق آن‌مبارزه‌کرد.

چنین‌نیروی‌واحدی‌میتواندوباید بانیروهای‌واحد دیگری، با ایده‌ئولوژی ها وسیاست‌ها ومذاهب‌گوناگون، که‌آنهاهم برضدامپریالیسم به سرکردگی‌امریکا ودست‌نشاندگانش، برضد غارتگران واستثمارگران‌وبرای تحقق آرمان‌های‌مستضعفین‌میرزمند، متحدشود.

چنین‌اتحادی هم‌واقعی‌است، لذاعملی است ومیتوان وباید برای تحقق‌آن‌مبارزه‌کرد.

هم‌آن‌وحدت، هم‌این‌اتحاد رمزپیروزی‌مستضعفین صرفنظرازتفاوت در عقاید سیاسی، مسلکی و مذهبی آنهااست. بویژه مردم میهن‌ماکه در جنگ مرگ و زندگی‌باامپریالیسم به‌سرکردگی‌امریکاوپایگاههای‌داخلی‌اش‌ـ‌وکلان‌سرمایه‌داران‌وبزرگ‌مالکان وهمهٔ عوامل‌گوناگون‌ضدانقلاب‌اند، به چنین وحدتی، به‌چنین‌اتحادی‌نیاز حیاتی دارند، زیرا فقط در اینصورت‌است که پیروزی‌نهائی‌انقلاب‌اسلامی‌ضدامپریالیستی ومردمی‌ایران‌تضمین‌خواهدشد.

زاد روز پیامبر اسلام رابه همهٔ مسلمانان، به‌ویژه‌مسلمانان‌میهن ما ن صمیمانه‌تبریک‌میگوئیم و وحدت واتحاد میان‌مردم ایران را در مبارزه‌برای دفاع ازانقلاب‌اسلامی ایران‌که‌به‌گفتهٔ امام‌خمینی‌رهبرانقلاب و بنیانگذار جمهوری‌اسلامی‌ایران، انقلاب مستضعفین‌است، در برابر امپریالیسم به سرکردگی‌امریکا آرزومندیم.

راه‌اندازی "مجتمع مس سرچشمه"

ضربه‌ای دیگر بر امپریالیسم آمریکا

چندی پیش اخبار امیدبخشی‌از "مجتمع مس سرچشمه" منتشرشد. وزیر معادن‌وفلزات کارخانهٔ تغلیظ مجتمع‌را افتتاح کرد واعلام داشت‌که‌طبق وعدهٔ کارکنان، کارخانهٔ‌ذوب مجتمع نیز تا آخر خرداد ماه ۶۱ شروع به‌کارخواهد کرد.

انتشار این‌قبیل اخبار نشان می‌دهد که، علی‌رغم تبلیغات ضد ـ انقلاب، که‌گویاکلیه‌فعالیت‌های‌صنعتی متوقف‌شده، و باوجود تمام نارسایی‌ها در کاربرخی مسئولین، مردم کشور ماو مسئولین‌دلسوز به‌کار و کوشش‌مشغولند و به‌خصوص برای اتمام‌واحدهای‌بزرگ و نیمه‌تمام، که شروع به‌کار آن‌ها در تامین استقلال اقتصادی کشور اثرات بسیارمهمی به‌جای خواهد گذاشت، از

بقیه در صفحه ۱۲

شهید مطهری و آزادیهای سیاسی

"امسال، سال قانون است"

امام خمینی

اکنون، نیروهای راستین پیرو خط امام‌خمینی و بویژه مسئولان مملکتی کشور برآنند، تا این فرمان رهبر انقلاب را اجرا کنند. کوشش همه‌جانبه‌ای برای استقرار قانون درجامعه آغازشده است، که بخشی از آن مربوط به اجرای قوانین جمهوری اسلامی ایران و نظریات رهبر انقلاب وبنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مسئولان درجهٔ اول کشور دربارهٔ‌آزادیهای سیاسی است.

ما برای آنکه، به سهم‌خود، دراین زمینه هم به استقرار قانون‌یاری رسانده باشیم، نظریات وقوانین موجود را دربارهٔ آزادی‌های سیاسی به ترتیب منتشرخواهیم کرد. دراین شماره به درج نظریات استاد شهید مرتضی مطهری اولین رئیس شورای انقلاب، اقدام می‌کنیم. همهٔ این

بقیه در صفحه ۱۴

انقلابی واقعی ـ ملاک تشخیص مشخص دارد

حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی، رئیس‌مجلس‌شورای‌اسلامی وامام‌جمعهٔ موقت تهران، درخطبه‌اول نماز جمعهٔ ۲۹ آبان‌ماه ۶۰ موضوع‌فوق‌العاده مهمی رادرزمینهٔ‌لزوم‌اجرای‌قانون، دربارهٔ دوستان نادان‌ودشمنان‌دوست‌نما مطرح کرد.

امام جمعه موقت‌تهران‌توضیح دادکه‌هرکس باعمل خودبی‌اعتمادی‌به وجودآورد، ناراضی‌تراشی کند، چه دوست نادان، وچه‌دشمن‌حیله‌بازومکار

بقیه در صفحه ۶

بمناسبت بازگشائی

مراکز تربیت معلم سراسر کشور

تربیت معلم شرط ضرور دگرگونی نظام آموزشی

در صفحه ۲

سیاست کشاورزی در راه رشد غیر سرمایه‌داری

بخش پنجم

تعاونی‌های روستایی

واحدهای دولتی تولید

کشاورزی و برنامه‌ریزی

توسعه اقتصادی

در صفحه ۱۱

"کارگران ستون فقرات انقلاب‌اند"

امام خمینی

اخراج بیرویه کارگران در شأن نظام انقلابی، نیست

** قانون‌کار انقلابی‌ومردمی، باشرکت‌کارگران، هرچه‌زودتر باید تدوین وتصویب شود.*

** ازاخراج‌بیرویهٔ کارگران باید جلوگیری‌شود وامنیت شغلی‌آنان تضمین گردد.*

انقلاب‌اسلامی‌ایران‌درآستانهٔ سومین‌سالروزپیروزی‌است. این‌انقلاب درمیان‌خون زاده‌شد و از آتش‌توطئه‌های‌مکرر امپریالیسم به‌سرکردگی آمریکا وضدانقلاب‌داخلی‌پروردهٔ آن پاک و سرفرازگذشت. آزمون‌های دشوار تر دیگری، اما، همچنان هست و در این نبرد مرگ وزندگی انقلاب ناگزیر باید همهٔ‌توشهٔ‌مردمی‌خویش را به‌کارگیرد.

تجاوز آمریکایی ـ صدامی درغرب وجنوب‌غربی‌میهن‌انقلابی‌ماادامه‌دارد فتنه‌انگیزی‌های‌شیوخ وسلاطین دست‌آموز آمریکا در منطقه و تدارک دسایس مرگبار ضدانقلابی در ترکیه و پاکستان علیه‌جمهوری‌جوان ما ازهرزمان‌شدیدتر

بقیه در صفحه ۱۳

آمریکا ایران را جلوی مگسک گرفته است

** رادیومسکودر برنامهٔ خود (۱۴دی ۶۰) مقاله‌ای‌از هفته‌نامه عصر جدیدچاپ‌اتحادشوروی‌را درباره دسیسه‌های‌امریکا علیه جمهوری اسلامی‌ایران‌پخش‌کرد، که‌ازنظر اهمیت، متن‌آن در زیربه اطلاع خوانندگان‌گرامی‌میرسد.*

هفته‌نامه‌**عصرجدید** می‌نویسد:

"درآمریکا دسیسه‌کاریها علیه جمهوری‌اسلامی‌ایران‌ادامه‌دارد و خط مشی خصمانه توام با چکاچاک اسلحه دنبال شده است. عملیات‌تخریبی علیه تهران در چند جهت‌صورت میگیرد:

محاصرهٔ‌اقتصادی، که‌با کوشش‌های مقامات رسمی‌واشنگتن بر قرار شده، یکی‌ازجهات‌اصلی است. در نتیجه‌مبادلهٔ‌کالامیان‌آمریکا و ایران تقریبا ۲۰ بار کمتر شده و به سطحی کاملا ناچیز تنزل‌کرده‌است. آمریکا بیش از ۱۰ میلیارد دلاری را که در رژیم شاه‌بابت‌جنگ‌افزارهای آمریکایی ـ که به‌ایران تحویل‌نشده ـ پرداخت گردیده، به‌ایران پس نداده و این مبلغ را جبران نکرده‌است.

جنگ روانی دامنه‌دار واشنگتن علیه تهران‌جهت دیگر اعمال ضدایرانی است. بدین‌مناسبت جا دارد

بقیه در صفحه ۷

MANCHESTER
1824
The University of Manchester

This object has been digitised and made available by The University of Manchester Library.

For further information and details about terms of use, see the Library's website -

www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing.

قابل توجه کاربران مجازی :

این سند توسط کتابخانه دانشگاه منچستر دیجیتال سازی و عرضه شده.

برای اطلاع بیشتر درباره شرایط استفاده از این منبع الکترونیک, لطفآ به لینک زیر مراجعه فرمایید:

http://www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing

بر اساس این مقررات, هر نو استفاده از این سند باید با ارجاع مناسبی به کتابخانه دانشگاه منچستر انجام بگیرد.

اتحاد مردم

شماره ۱۱۱ دوره سوم دوشنبه ۲۱ دی ماه ۱۳۶۰

بمناسبت بازگشایی مراکز تربیت معلم سراسر کشور

تربیت معلم

شرط ضرور دگرگونی نظام آموزشی

- بازگشایی مراکز تربیت معلم گامی است مثبت وضرور، ولی نحوه گزینش دانشجو در این مراکز دارای نقائص جدی است.
- معیار واقعی، اصولی و درست برای انتخاب معلم و تربیت معلم، تعهد به انقلاب است.

"تربیت وبازآموزی معلم" ازمهمترین ارکان یک سیستم آموزشی نوین وانقلابی است

بدون داشتن معلم ـ آنهم معلم کاردان ومجرب، متعهد و مسئول، پیشبرد امر آموزش در مدارس امکان‌پذیر نیست.

دررژیم پهلوی بسیاری ازفرزندان زحمتکشان، به دلیل نبودن کلاس و معلم ازتحصیل محروم می شدند. کمبود معلم یکی ازمعضلات همیشگی مدارس شهرهای دورافتاده وروستاهای کشورمان بود.

درجامعهٔ انقلابی امروز، که دگرگونی نظام آموزشی گذشته و برقراری یک سیستم نوی آموزشی در دستور روز قرار دارد، ضروراست که آموزش وپرورش، علاوه بر رفع هرچه سریعتر کمبود معلم مورد نیاز مدارس سراسر کشور، طی یک برنامه ریزی دقیق حساب شده، برای آن تعداد کودکان واجب التعلیم ۱۱ ـ ۶ ساله، که امکان تحصیل در مدارس را ندارند، معلم مجرب وکاردان تربیت کند.

درسال تحصیلی ۵۸ـ۵۷، در آغاز استقرار جمهوری اسلامی ایران، حدود یک میلیون ودویست هزار کودک واجب التعلیم در خارج ازمدارس به سر می بردند. این رقم امروز به یک میلیون وچهارصد هزارنفر رسیده است. جهت آموزش این تعداد از دانش آموزان حدود ۲۰۰ هزار معلم موردنیاز است، که باید تربیت واستخدام شوند.

کمبود معلم در سطح مدارس راهنمایی، دبیرستان ها وهنرستان های حرفه ای به مراتب بیشتر از دبستان ها است.

مسئولین امر نیزخود به مسئلهٔ کمبود معلم درآموزش وپرورش به خوبی واقفند.

چندی پیش آقای نجفی علمی مدیرکل تربیت معلم اعلام کرد:

"بطورکلی درسطح ابتدائی در شهرها هیچگونه کمبودی نداریم، ولی در روستاها این کمبود مشاهده میشود."

همچنین آقای مظفری نژاد، معاون پژوهش ورشد نیروی انسانی وزارت آموزش وپرورش، درمصاحبه خود باروزنامهٔ کیهان (۶۰/۶/۳۱) اظهارداشت که:

"امسال با مشکلات زیادی روبرو هستیم، بطوریکه درصورت بازشدن دانشگاهها معلمین حق التدریسی دانشگاهها بازمی گردند و ..."

آقای پرورش وزیرآموزش و پرورش نیزدرمصاحبهٔ خود با روزنامه اطلاعات درتاریخ ۱ دی ماه اظهارداشت که:

"باکمبود معلم زیادی روبروهستیم"

برای اینکه به تعداد دقیق معلمان مورد نیاز آموزش و پرورش در سطوح مختلف آموزشی واقف شدیم، کافیست نگاهی به آمارهای رسمی کشوربیندازیم:

درسال تحصیلی ۶۰ـ۵۹، حدود ۴میلیون و ۸۱۰هزارنفر در دبستان‌های کشورمان به تحصیل اشتغال داشتند. درصورتی که فرض شود هر سال ۳۰۰هزار نفراز کودکان ۱۱ـ۶ سالهٔ واجب التعلیم که درخارج ازمدارس به سرمی برند، جذب مدارس شوند و در طول سال نیز موجبات اشتغال به تحصیل کلیه ۱۱ ـ ۶ ساله ها فراهم شود، معلمان اضافی مورد نیاز آموزش ابتدائی درسال تحصیلی ۶۱ ـ ۶۰ به ۳۱۸۷۰ نفر می رسد.

در مدارس راهنمائی کل کشور، دبیران مورد نیازاین مدارس حدود ۱۷۹۳۰ نفر است. همچنین طبق بررسی آماری دبیرستان های عمومی کشور جمع دبیران مورد نیاز کشور حدود ۱۰۵۰۰ نفر است.

نظام آموزشی جدید باید عهده‌دار رفع سریع این کمبود معلم درسطوح مختلف آموزشی کشورباشد. اماکارتربیت معلم در همین جا خاتمه نمی‌یابد. معلمان کنونی، که امروز درمدارس مشغول بکارند، در سیستم آموزشی رژیم گذشته کار کرده اند وتجربیات آنان در امر آموزش نیز در همان محدودهٔ تنگ و منسوخ شدهٔ نظام آموزشی گذشته است.

لذا بازآموزی این عده از معلمان امری ضرور ومبرم است، که باید به عنوان بخش مهمی از برنامهٔ تربیت معلم، بدان بهای لازم داده شود.

پس از پیروزی انقلاب، مسئولین آموزش و پرورش، همواره به مسئله تربیت معلم وبازآموزی معلمان توجه داشته اند، چنانکه شهید رجائی وشهید باهنر، وزرای پیشین آموزش و پرورش، طی مصاحبه های متعدد خود در مطبوعات ورسانه های گروهی، بر ضرورت تربیت معلم تاکید میکردند و شهید باهنر در برنامهٔ کار خود، استخدام ۴۰ هزار معلم را درآیندهٔ اعلام کرده بود.

اما متاسفانه تاکنون برنامه یا طرحی عملی درباره "تربیت معلم و گسترش مراکز تربیت معلم" ازسوی وزارت آموزش وپرورش ارائه نشده است. همچنین ضرورت داشت که جهت تربیت معلم در کوتاه مدت، طرحی ضربتی ارائه میشد، تا با به اجراء گذاشتن آن و اعزام داوطلبین به نقاط دور افتاده، مسئلهٔ کمبود معلم دراین مناطق هرچه سریعتر رفع میگشت.

علاوه برتربیت معلم جدید وبازآموزی معلمان گذشته، آموزش و پرورش موظف است که محیط های آموزشی را از عناصر ضدانقلابی و وابستگان رژیم پهلوی پاکسازی نماید. باکمال تاسف، آموزش وپرورش به این مسئلهٔ حیاتی توجه کافی نداشته است و به ویژه با مخدوش شدن مرز میان معلمان انقلابی و متعهد وعناصر ضدانقلاب واخلالگر، تاکنون تعداد زیادی ازمعلمان متعهد به انقلاب وجمهوری اسلامی ایران، به ویژه درچند ماه اخیر، به ناحق از کار آموزشی کنارگذاشته شده اند. ونگرانی آورتر آنکه این تعداد از معلمان، جزء معلمان دلسوز و باتجربه ای بوده اند که به کار خود عشق می ورزیدند. فقدان این معلمان متعهد وکار آزموده، در کار آموزشی بسیاری از مدارس ضایعاتی ایجاد کرده و درمجموع مسئلهٔ کمبود معلم را شدت بخشیده است، درحالیکه هستند افراد ضدانقلابی، که فرصت‌طلبانه به ظاهری "اسلامی" و "مکتبی" درآمده اند و در مدارس، به خرابکاری و ایجاد نارضایتی وپخش نظریات ضد‌انقلابی در میان دانش آموزان ومعلمان مشغولند.

بازگشایی مراکز تربیت معلم گامی است مثبت

خوشبختانه، پس ازتعطیلی نسبتا طولانی مراکز تربیت معلم کشور ومتوقف شدن کار تربیت معلم، در تاریخ هفتم دیماه جاری، مراکز تربیت معلم کارخود را با ۱۷هزار دانشجو آغاز کردند. اقدام بسیار مثبت وضروری بازگشائی مراکز تربیت معلم سراسر کشورمورد استقبال فراوان مسئولین علاقمند و دلسوز آموزش و پرورش جوانان متعهد ودانش آموزان محروم شهرها و روستاهای کشورمان قرارگرفت. اما متاسفانه نحوهٔ گزینش دانشجو در این مراکز، براساس معیارهای واقعی، اصولی و درست انجام نپذیرفته است ودر مجموع دارای نقائص وایرادهای جدی است.

کنکور مراکزتربیت معلم، که در تاریخ ۲۷ مهرماه امسال برگزار شد، شامل ۲ آزمون بود، که درمرحلهٔ دوم پذیرش دانشجو، تحقیقات وسیعی در مورد داوطلبان به وسایل گوناگون: مصاحبه، تحقیقات محلی، دیدن سوابق افراد ازجنبه های "اخلاقی" "سیاسی" "عقیدتی" انجام گرفت. معیاراساسی برای گزینش دانشجو دراین آزمون ها، "مکتبی" بودن افراد تعیین شده بودو بر این اساس، پس از دوماه ونیم تحقیق و بررسی نزدیک به ۱۷هزار نفر دانشجو انتخاب شدند.

به نظر ما، عمده کردن معیار "مکتبی بودن" نمیتواند ضابطه صحیحی برای پذیرش دانشجو و انتخاب معلمان آیندهٔ کشورمان باشد، زیراچه بساافراد فرصت طلب ویا حتی ضدانقلابی، که در ظاهری "مکتبی" درآموزش وپرورش نفوذ کنند وآیندهٔ آموزشی مدارس را به تلاشی بکشانند.

معیارهای انتخاب معلم برای نونهالان و نوجوانان کشورمان باید واقعی اصولی ودرست باشد. از میان داوطلبان باید افرادی برگزیده شوند که متعهد ومومن به انقلاب باشند، به کار تعلیم تربیت علاقمند باشند، نسبت به آینده وسرنوشت آموزش و پرورش احساس مسئولیت کنند، به مسائل سیاسی و اجتماعی آگاه باشندو ... چنین افرادی میتوانند پیشرفت کارآموزشی مدارس رادرآینده تضمین کنند.

برای تأمین معلم مورد نیاز بایدفوراً وبطورجدی دست به کار شد

باتوجه به کمبود شدید معلم در شهرهای دورافتاده و روستاها همچنین مدارس راهنمایی ودبیرستان های کشور، ضروراست که آموزش و پرورش، با در نظر گرفتن نارسائی های موجود و نقائص اقدامات انجام شده، همچنین بانظرخواهی عمومی ازصاحبنظران واستفاده از تجربیات کشورهای انقلابی، طرح کلی تربیت معلم کشور را تنظیم کندوهر چه سریعتر به مرحلهٔ اجراء درآورد.

رفع پاکسازی های نابجا و ناروا

مسئولین آموزش وپرورش مسئلهٔ پاکسازی های نابجای معلمان را باید به طورجدی مورد تجدید نظر قرار دهند معلمان مومن ومتعهد به انقلاب را به مدارس بازگردانند، تاکمبود معلمی که از این طریق ایجاد شده است، هر چه سریعتر رفع شود.

در پاکسازی انقلابی مدارس، ابتدا باید کلیهٔ وابستگان به رژیم فاسد وضد مردمی پهلوی وعناصرضدانقلابی از محیط های آموزشی برکنار شوند. ملاک پاکسازی و بازسازی باید برپایهٔ تعهد نسبت به سرنوشت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران قرارداده شودودست افراد مغرض وتنگ نظر واحتمالا مشکوک ازامر حیاتی پاکسازی ها در آموزش وپرورش کوتاه گردد.

گسترش تربیت معلم

برای آنکه آموزش اجباری ورایگان هشت ساله امکان پذیر شود و بتوان مدارس فنی وحرفه ای را به تعداد مورد نیاز گسترش داد، باید به امر تربیت معلم شایسته به تعداد کافی درتمام سطوح آموزشی اهمیت ویژه ای داد.

به نظرما، به اشکال زیرین و در مراحل مختلف، کوتاه مدت ومیان مدت گسترش تربیت معلم امکان پذیراست.

* جهت تامین سریع کمبود معلم به ویژه برای اجرای برنامهٔ سواد آموزی دریک برنامهٔ ضربتی وکوتاه مدت باید به تربیت دیپلمه های بیکار پرداخت. این عده با گذراندن دوره های فشرده باید به شهرها وروستاها، آنجاکه به معلم نیاز مبرم وجود دارد، اعزام شوند.

* درشهرهای دورافتاده وروستاها که باکمبود معلم مواجهند، لازم است که ازنوجوانان وجوانان محل که دورهٔ راهنمایی را به پایان رسانده اند، جهت کارمعلمی درهمان منطقه استفاده کرد. این عده باگذراندن دوره های فشرده در دانشسراهای مقدماتی به تدریس در محل زندگی خود مشغول می شوند ودر طول خدمت به تدریج تحصیلات خود را تکمیل می کنند.

* در مرکز هرشهرستان یک یا چند "موسسه تربیت آموزگار" برای تربیت آموزگاران دبستان ها تاسیس شود. به این طریق خودکفائی آموزشی شهرستان‌ها تامین خواهد شد.

* در مرکزهر استان حداقل یک "موسسه تربیت دبیر" برای معلمان دوره های مختلف دبیرستانی، چه نظری وچه حرفه ای، تاسیس شود.

به تناسب گسترش آموزش و پرورش لازم است که موسسات تربیت معلم هم گسترش یابند. تعداد معلمین لازم برای مراحل مختلف وباتوجه به بسط فزایندهٔ دامنهٔ آموزش وپرورش، باید در یک برنامه دقیق پیش بینی شودواین تعداد، درمراکز تربیت معلم آموزش یابند.

* همانطور که اشاره شد، از آنجا که نظام آموزشی ما باید برشالوده جدیدی استوارشود وباتحولات جدید جامعه همگام باشد، اولا همهٔ معلمان کنونی، باید هرچه زودتر در دورهٔ کوتاه مدت بازآموزی شرکت کنند. ثانیا در آینده همهٔ معلمان در فواصل مناسب باید بازآموزی شوند وبا آموزش های تازه، در جریان تکامل علوم وفنون وشیوه های آموزشی نوظهور قرارگیرند.

انتخابات ریاست جمهوری در فنلاند و نامزدهای آن

از هنگامیکه **دکتر اورهوککونن**، رئیس جمهور فنلاند درآذرماه ۶۰ (اوایل نوامبر ۸۱) پس ازبیست و پنج سال، به دلیل کهولت سن و بیماری از این مقام کناره گرفت، تدارکات انتخاب جانشین او آغاز شد. همهٔ احزابی که درمجلس فنلاند نماینده دارند، نامزد خود را معرفی کرده اند.

نامزد "حزب کمونیست فنلاند" و "اتحادیهٔ دمکراتیک مردم فنلاند" (SKDL) صدرحزب اخیر، **کالوی کی ویستو** (Kalevi Kivisto) پروفسور چهل سالهٔ علوم سیاسی که نه سال است نمایندهٔ پارلمان است (ازسال ۱۹۷۲) و در شش سال اخیر (از سال ۱۹۷۵) در دولت های گوناگون سمت "وزیردوم آموزش و پرورش" را بعهده داشته است.

"حزب سوسیالیست فنلاند" **دکتر مائونو کوویستو** (Mauno Kovisto) را به عنوان نامزدخود معرفی کرده است، که ازبهار ۶۰ (مه ۸۱) تاکنون نخست وزیر فنلاند است. وی که پنجاه وهشت سال دارد، نخستین بار در اواخر سال های ۶۰ (۷۰ـ ۱۹۶۸) به عضویت کابینه درآمد و سپس نخست وزیر شد. **دکتر کوویستو** پس از آن ریاست "بانک فنلاند" را بعهده داشت.

"حزب مرکز"، که **اورهو ککونن** نیز عضو آن بود، **دکتر یوهانس ویرولاینن** (Johannes Virolainen) قائم مقام کنونی رئیس جمهور، را به عنوان نامزد خود برگزیده است. وی که ۶۷ سال دارد، شانزده سال صدر این حزب بود (۸۰ـ ۱۹۶۴). وی نخستین بار سی ویکسال پیش (۱۹۵۰) وارد کابینه شد و دوسال هم نخست وزیر بود (۶۶ـ ۱۹۶۴).

"حزب ائتلاف ملی"، که حزبی بورژوایی است و پس از "حزب سوسیالیست فنلاند" دومین فراکسیون بزرگ را درپارلمان دارد، **هاری هولکری** (Harri Holkeri) را نامزد کرده است. وی هشت سال (۷۹ـ ۱۹۷۱) صدر این حزب بود.

نامزد "حزب لیبرال خلق" **هلوی سی پیله** (Helvi Sipila) نام دارد. این بانوی ۶۶ ساله ۱۵ سال است (از ۱۹۶۶) که عضو هیئت نمایندگی فنلاند درسازمان ملل متحد است. وی نه سال پیش به عنوان معاون دبیرکل سازمان ملل متحد برای مسائل اجتماعی وانسانی برگزیده شد.

"حزب مناطق روستایی فنلاند"، که یک حزب راست افراطی است، صدرسابق خود (۷۹ـ ۱۹۷۰) **ویکو ونامو** (Veikko Vennamo) را کاندیدا کرده است.

نامزد "حزب خلق سوئد"، که نمایندهٔ بورژوازی و خرده بورژوازی سوئدی زبان فنلاند است، **یان ماگنوس** (Jan Magnus) سردبیر روزنامهٔ "Hufvudstadsbladet" چاپ هلسینکی است.

"جامعهٔ مسیحیان فنلاند"، که حزبی محافظه کار است صدر خود **راینووست هولم** (Raino Westholm) را نامزدکرده است.

درفنلاند رئیس جمهور را مجمعی مرکب از ۳۰۱ تن برمی گزینند. افراد این مجمع در روزهای ۲۸ـ ۲۷ دی ۶۰ (۱۸ـ ۱۷ ژانویهٔ ۸۲) درحوزه‌های انتخاباتی انتخاب خواهند شد.

تروریست‌های ...

بقیه از صفحه ۱

و... چنان حاد است که بحق هم اذهان مردم زحمتکش و محروم- که بارعمدهٔ این مسائل بردوش آنها است- وهم توجه خاص مسئولان کشور را بخــود مشغول داشته است. عواقب جنایات تروریست‌هـــای اقتصادی چنان شوم است (و اگر جلوی آن گرفته نشود، دردرازمدت چنان فاجعه‌آمیز خواهدبود) که‌بحق این سئوال را برای همگان مطرح میکنند که:

"چرا درسرکوب قاطع وقانونی تروریست‌های اقتصادی تاخیـــر میشود؟"

دربارهٔ علل بروز این مسائل و مشکلات وراه‌حل آنها سخن بسیار گفته شده است. ولی اهمیت موضوع ازنظر سرنوشت انقلاب چنان‌است که هرچه‌دراین زمینه‌گفته شود، هنوز کافی‌نیست. گفته‌ها هم برای این نیست که حرفی گفته شود، بلکه برای آنست- و برای آن بایدباشد- که رهنمودی برای **عمل** باشد وبه **تسریع عمل منطقی** درجهت حل مسائل ومشکلات اقتصادی کمک کند.

امام خمینی، بویژه پس از استقرار نهادهای دولتی- ریاست جمهوری و دولت- بارها تاکید کرده‌اند که موقع **عمل** بسود مستضعفان است و دیگر هیچگونه بهانه‌ای و مانعی در این زمینه وجود ندارد. از اینجاست که ماهم‌باز دراین زمینه سخـــن می‌گوئیم.

* * +

از ارثیه شوم رژیم پهلوی کـــه بگذریم، بدون تردید ۱۵ ماه‌جنگ تحمیلی منشاء دشواریهای فراوان درحیات جامعه بوده وسبب تاخیر درحل مشکلات اقتصادی کشورشده است. جنگ بخش قابل توجهی از نیروهای جوان وفعال و مولد را از عرصهٔ تولید بیرون کشیده و به جبهه‌ها اعزام داشته و درنتیجه کمبود کالای صنعتی وکشاورزی را تشدید کرده است. جنگ بخش عظیمی از درآمد ملی کشور را به‌جای سرمایه‌گذاری‌های صنعتی وکشاورزی وعمرانی، به‌تامین هزینه‌های‌نظامی وجنگی تخصیص داده است. و بالاخره جنگ عامل موثری درنرسیدن موادخام واولیه به موسسات تولیدی و تشدید بیکاری شده است. اینها همه واقعیاتی انکارناپذیرند. اما این واقعیت هم انکارناپذیر است که کارگزاران داخلی امپریالیسم بـــه سرکردگی آمریکا، یعنی کلان‌سرمایه‌داران و بزرگ زمین‌داران، وبه‌تعبیر گویای رئیس مجلس شورای اسلامی، **"تروریست‌های اقتصادی"**، درتشدید این پیامدهای زیانبار، بسود خود و بسود امپریالیسم، نقش اساسی ایفا کرده‌اند. مردم کمبود و نبودوگرانی وبیکاری را تحمل‌کرده‌اند و غارتگران ازجیب بی‌رمق همین مردم‌محروم، زراندوزی کرده‌اند، دست به احتکار زده‌اند، قحطی مصنوعی بوجود آورده‌اند. اگر باید درجنگ پیروزشد و به استقلال و شکوفائی‌اقتصادی و تعمیم عدالت اجتماعی دست یافت، باید اهرم‌های اقتصادی را که‌همچنان دردست کلان سرمایه‌داران و بزرگ زمین‌داران باقی‌است، از آنان‌گرفت و قدرت ویرانگری اقتصادی علیـــه انقلاب را از آنان سلب نمود.

همانطور که رزمندگان مادرجبهه‌ها هرتهاجم دشمن را با تهاجم‌متقابل پاسخ می‌گویند، درعرصهٔ اقتصادی هم باید هرحملهٔ امپریالیسم را با ضدحمله پاسخ گفت و هرعمل‌تخریبی او را باتدابیرجدی ومنطقی، بی‌اثر وکم‌اثر ساخت.

رئیس جمهور با توجه به اقدامات ویرانگرانه‌کارگزاران‌داخلی‌امپریالیسم است که می‌گوید:

"... **خباثت. تنگ‌نظری وکوردلی بعضی از مردم، که از رفـــاه برخوردارهستند و مشغول سوءاستفاده هستند، دراین عمل (یعنی بیکاری، گرانی و کمبود ارزاق) موثراست.** این مشخص است که چنین چیزی وجود دارد".

رئیس جمهور تاکید می‌کند که در مبارزه با این **"سوءاستفاده‌چی‌ها"** ما می‌خواهیم **"شیوه‌های اسلامی را پیاده کنیم"**.

و امام‌خمینی در پیاده‌کردن "شیوه‌های اسلامی" رهنمودمدبرانه و روشنی دارند:

"طریق‌اسلامی‌اینست‌که مستضعفین را حمایت کنید بیشتر توجه‌تان بـــه آنها باشد."

و نخستین گام برای حمایت از مستضعفین و توجه به آنها کوتـــاه کردن دست غارتگران ازجیب آنان وجلوگیری از بهره‌کشی مستکبران‌از محرومان جامعه است، که باید با تصویب قوانین انقلابی درزمینهٔ واگذاری زمین به دهقانان، دولتی کردن بازرگانی خارجی، تعدیـــل حدود مالکیت، تقلیل نرخ استثمار و غیره وغیره تحقق یابد.

هیچ عمل وهیچ قدمی که بسود مستضعفان جامعه وبهبود شرایط زندگی آنان باشد، منطقا نمی‌تواندبا قسط اسلامی درتضاد قرار گیرد. با حرکت از این مبداءاست که فقهای عالیقدری نظیر شهید آیت‌اله بهشتی، آیت‌اله منتظری و آیت‌اله مشگینی قانون اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب راتائید و از دولتی‌کردن بازرگانی خارجی، که به معنای قطع غارتگری سرمایه‌داران وابسته است، پشتیبانـــی کرده‌اند.

هرگام‌به سود محرومان جامعه، که به گفتهٔ‌رئیس جمهور **"والاترین مقام را دراسلام دارند"**، مسلما و بدون کم‌ترین تردید با روح‌عدالت اسلامی هماهنگی کامل دارد. بگفتهٔ امام علی:

"هیچ بینوائی گرسنه نمی‌ماند، مگر این که درمقابل آن ثروتمندی بهره‌کشی می‌کند."

وجود میلیون‌ها کارگر و دهقان زحمتکش گرسنه و محروم و بیسواد خود روشنترین دلیل ستم‌مستکبران بر مستضعفان جامعه است، که نظام جمهوری اسلامی ایران وظیفه‌دارد از آنان رفع ظلم وتبعیض کند.

اگر اختلاف طبقاتی درجامعه وجوددارد- که دارد- اسلام علی و اسلام‌خمینی حکم می‌کند. که بدون تعلل و تاخیر این تفاوت‌فاحش طبقاتی، که با روح عدالتخواه‌اسلام سازگار نیست، ازمیان برداشته‌شود.

فقیه عالیقدر آیت‌اله‌منتظری، در مخالفت اسلام با امتیازات طبقاتی، می‌گوید:

"اسلام باهرگونه اختلاف‌طبقاتی، که موجب شود درکنار کاخ‌های شما، کوخ نشین، وجودداشته باشد، مخالف است."

وهم‌اکنون چه بسیار کوخ‌ها که در کنار کاخ‌های غارتگران، محرومان جامعه را در دل خود جای داده‌اند و میلیونها کوخ نشین به بهای زندگی پرتحمل و رفاه یک اقلیت استثمارگر فاقد ابتدائی‌ترین شرایط زندگـــی هستند.

حکم اسلام واقعی را از زبان **امام خمینی** بشنویم که‌ میگویند:

"باید همه دست بدست هـــم بدهید که انشاءالله برای اینهـــا (مستضعفین) یک زندگی مرفهـــی درست بشود."

تحقق خواست **امام‌خمینی** و تامین رفاه برای میلیونها انســـان زحمتکش، هرگز درشرایط ادامهٔ غارتگری مستکبران میسرنیست. در همین ۱۵ ماهه دوران جنگ، در حالیکه قدرت خرید زحمتکشان هر روز کاهش یافته، بر ثروت سرمایه‌داران بزرگ هردم افزوده شده‌است. محرومان درجنگ جان باخته‌اند و غارتگران ازجنگ سود برده‌اند، وهر زمان که صحبت از ضرورت واگذاری زمین به دهقان، دولتی کردن بازرگانی خارجی و تعیین حدود مالکیت شده است. حامیان آنان فریاد "وااسلاما" سر داده‌اند واز "مشروعیت مالکیت" دفاع‌کرده‌اند.

امام‌خمینی در دیدار با اعضاء شورای نگهبان میگویند:

"... **ببینید این ثروتهای‌بزرگ چطور انباشته شده است. من‌احتمال این راکه این‌ها حقوق شرعی خودرا پرداخته باشند. حتی درمورد یک نفرشان هم نمی‌دهم. درمواردی اگر تمام اموالشان هم گرفته شود، باز بابت حقوق شرعی بدهکارند."**

امام‌خمینی می‌افزایند:

"... **شما بیائید احکام الهی را اجرا کنید. باید قوانینی وضع بشود که حقوق محرومین و فقرا به آنهـــا بازگردانده شود."**

امام‌خمینی بازگرداندن حقوق

بقیه‌درصفحه ۱۳

سرگذشت رنج و رزم خلق قهرمان فلسطین (۹)

خیزش توده‌ای خلق فلسطین در سالهای ۱۳۱۵-۱۳۱۸

(۱۹۳۶-۱۹۳۹)

امپریالیسم بریتانیا، پس از انقلاب ۱۳۱۲ (۱۹۳۳) وعده داد که خواستهای اعراب‌فلسطینی رابرآورده خواهد ساخت. ولی‌این وعده‌هاجامهٔ عمل بخودنپوشید. نه‌تنها مجلـــس قانونگذاری گشایش نیافت، بلکه‌سیل توقف‌ناپذیرمهاجرت ازهرسوجاری‌شد. بطوری که درسال۱۳۱۵ (۱۹۳۶) شمار یهودیان ماندگار درفلسطین، برپایه آمار "نمایندگی یهودی"، به ۴۰۴ هزار، یا به دیگرسخن، به بیش از ۵۰ درصد کل جمعیت فلسطین رسید و دست‌اندازی برزمین‌های کشاورزان عرب همچنان دنبال شد.

در اسفندماه ۱۳۱۵ (ماه مارس ۱۹۳۶)، درپیامد عدم‌تصویب‌قانون شالوده‌ریزی حکومت پارلمانی در فلسطین وبی‌اعتنایی به حقـــوق کشاورزان عرب، خرمن انقلاب به آتش نشست. امواج توفندهٔ‌انقلاب ضدامپریالیستی سربرداشت و به‌رغم فروکش‌های گهگاهی، تا سال۱۳۱۸ (۱۹۳۹) سرزمین فلسطین را درکام داشت.

روز ۲۴ فروردین‌ماه ۱۳۱۵ (۱۷ ماه آوریل ۱۹۳۶)، **"کمیتهٔ عالی عرب"** (۱) اعراب فلسطینی را به اعتصاب سراسری فراخواند. مردم دست ازکارکشیدند. صدهاهزارتن ازکارگران، کشاورزان، پیشه‌وران، بازرگانان، دانشجویان، دانش‌آموزان و روشنفکران دراین‌اعتصاب شرکت جستند وازپرداخت‌مالیات تن زدند. تظاهرات گسترده‌ای، همراه با درگیری با نیروهای‌نظامی بریتانیا و صهیونیستها، آغازشد. شهر **یافا** بیش ازدیگر شهرهاشعله‌ور بود. اعتصاب وزدوخورد شش ماه ادامه داشت.

احزاب کمونیست فلسطین و بریتانیا درسنگر پشتیبانی ازاعراب فلسطینی بپاخاستند. هردو حزب خواستار پایان بخشیدن به‌سرپرستی وخروج نیروهای نظامی بریتانیا از سرزمین فلسطین گردیدند. ولـــی امپریالیسم بریتانیا این نداهای‌حق‌طلبانه را بافراخواندن نیروهای‌کمکی تازه پاسخ گفت. نیروی اشغالگـــر بریتانیا از ۱۰۰۰۰ تن به ۳۰۰۰۰تن افزایش یافت. استثمارگران لشگری به فرماندهی **فیلدمارشال ویول** را برای سرکوب رزمندگان فلسطینـــی روانه ساختند. دراین لشگر چندین گروهان مسلح صهیونیستی نیـــز می‌جنگیدند. این لشکر "تادیبی" روستاهای عرب‌نشین رابه‌آتش می‌کشید، کشاورزان رامی‌کشت ومیهن‌دوستان را اعدام می‌کرد.



فلسطینی‌ها درکنارمبارزهٔ مسلحانه برای استقلال وآزادی‌خود، بکار تولیدی نیزمشغولند.

دراین زمان، نیروهای سرکوبگر بریتانیا، همدوش با تروریست‌های صهیونیست، به گونه‌ای حیوانی پیکارگران فلسطینی را، که درراه‌استقلال وآزادی میهن خویش می‌رزمیدنـــد، کشتارمی‌کردند. درواقع این کشتارها را می‌توان‌سرآغازسیاست‌نابودکردن خلق فلسطین بدست‌صهیونیستهـــا بشمارآورد. ازاین‌پس، نابودساختن و آواره‌کردن مردم فلسطین وچنگ‌اندازی برزمین‌های آن‌ها، ازیکسو، و کوچاندن یهودیان و برپایی کوچ نشین (کلنی) ازسوی دیگر، به سیاست پیگیر صهیونیست‌هاتبدیل شد. از این رو شگفتی‌برانگیزنیست که تنها درجریان خیزش انقلابـــی توده‌های فلسطینی‌در۱۳۱۵ (۱۹۳۶) ۲۴۰۰ رزمندهٔ‌فلسطینی‌کشته، ۵۰۰۰ زخمی و۸۰۰۰ تن زن‌وکودک‌و پیرمرد بدست صهیونیستها وسربازان‌اشغالگر انگلیس ناپدید گردیدند.

چهار پادشاه عرب (عـــراق، عربستان‌سعودی، یمن، اردن‌خاوری) که‌در **"نیک‌اندیشی اعلیحضـــرت پادشاه بریتانیا!"** کوچک‌ترین تردید روانمی‌داشتند، نیز **"کمیتهٔ عـــالی عرب"** را درتنگنا گذاردند. **"کمیتهٔ عالی‌عرب"** نیز درمهرماه ۱۳۱۵ (ماه اکتبر ۱۹۳۶) توده‌های عرب را به برزمین‌گذاردن سلاح فراخواند. بدین ترتیب، آتش پیکار به خواست‌وپیش‌گامی پادشاهان سرسپردهٔ‌عرب فرونشست. دولت بریتانیا، بابهره‌جویی ازفرصت بدست آمده، **"کـــمیسیـــون سلطنتی"** را برای بررسی وضع‌آیندهٔ فلسطین به این کشوراعزام‌داشت.

"کمیسیون‌سلطنتی" به ریاست **لردپیل** در ۲۴ آبان‌ماه ۱۳۱۵ (۱۵ ماه نوامبر ۱۹۳۶) وارد فلسطین‌شد.

چکیدهٔ گزارش **"کمیسیون‌سلطنتی"** چنین بود که: پایه‌های حکومـــت "سرپرستی" بریتانیا در فلسطین رو به تلاشی وفروپاشی می‌رود. براین بنیان، اگربریتانیاخواهان نجات "سرپرستی"خود درفلسطین است، باید به‌شیوه‌های ارعاب ارتشـــی‌پلیسی متوسل شود. یا اگرقصدعدم دخالت درسرنوشت‌مردم فلسطین را دارد، بهتراست که کشوررا به چنـــد منطقهٔ خودمختار (البته تحـــت سرپرستی بین‌المللی) تقسیم‌کند. بدین‌ترتیب، که خود فلسطین را از خاک اصلی جداسازد، دولتی‌یهودی درمناطق یهودنشین تشکیل دهد، بیت‌المقدس وبیت‌اللحم رابیطرف سازد ودیگر قسمت‌ها را به اردن خاوری ضمیمه کند.

گزارش **"کمیسیون‌سلطنتی"** در تیرماه ۱۳۱۶ (ماه ژوئیهٔ ۱۹۳۷) در "کتاب سفید" انتشاریافت، که خود خشم وکینهٔ نه‌تنها مردم فلسطین، بلکه همچنین خلق‌های همهٔ کشورهای عربی را برانگیخت. خرمن‌خشم مردم برافروخته شد وتوده‌های مردم دگربار پیکارمسلحانه راآغاز کردند. صهیونیست‌ها و سربازان انگلیسی ۶۰۰۰ تن فلسطینی راکشتند، **"کمیته عالی عرب"** راازکار برکنار ساختندو اعضای رهبری‌کنندهٔ "کمیتهٔ عالی عرب" را به خارج از کشورروانه‌کردند. دادگاه‌های نظامی، تحـــت عنوان "دادگاه‌های دفاعی"، نیز حکم تیرباران صدهاتن از میهن‌دوستان‌عرب را صادرکردند. هرخروشی با گلوله پاسخ داده می‌شد. اگر از روستایی، یک فدایی سربه عصیان برمی‌داشت. آن روستا شعله‌ور می‌شد.

ولی امپریالیسم بریتانیا باوجود همهٔ خونخواریهای بی‌حساب، برای فرونشاندن پیکارآزادیبخش ملی‌وحفظ سرپل پراهمیت خود، موفق نشد. بریتانیا، که درچشم‌انداز نزدیـــک شراره‌های جنگ را در اروپا می‌دید، برآن بود که در زیرسایهٔ شوم جنگ موقعیت خود را درخاورنزدیک‌استوار سازد. حال آنکه‌سیاست‌امپریالیستی حکومت بریتانیا درهمهٔ کشورهـــای عرب مورد نکوهش قرارگرفت.

امپریالیسم بریتانیا، درســـال ۱۳۱۷ (۱۹۳۸) کمیتهٔ‌دولتی تازه‌ای را به ریاست **وایت‌هد** روانهٔ‌فلسطین ساخت. این "کمیته" وظیفه داشت که طرح "پیل" را دربارهٔ جداسازی [illegible]



ولی دراین کار باناکامی روبروشد. پس از آن که دولت بریتانیاراهی برای پیاده‌کردن طرح تقسیم‌نیافت، دربهمن‌ماه ۱۳۱۷ (ماه فوریهٔ ۱۹۳۹) **"همایش میزگرد"**، شناخته بنـــام **"همایش سنت‌جیمز"**، کارخود را آغازکرد. دراین همایش گذشته از **تنی‌چند از سیاستمداران بریتانیایی، رهبران احزاب سیاسی فلسطین**، نمایندگان**مصر** (علی‌ماهر)، **عراق** (نوری سعید)، **عربستان سعودی** (امیرفیصل)، **یمن** (امیرحسین) و **اردن خاوری** و نیز فرستادگـــان **"نمایندگی یهودی"** شرکت کردند. ولی هیچ یک از نمایندگان عرب، فرستادگان **"نمایندگی یهودی"** رابه رسمیت نشناختند و درنتیجه دو نشست جداگانه با اعراب و یهودیان ترتیب داده شد.

ادامه‌دارد

---

(۱)- "کمیتهٔ عالی‌عرب"، در ۵ اردیبهشت‌ماه ۱۳۱۵ (۱۵ آوریل ۱۹۳۶) تحت رهبری **حاج امین‌الحسینی** برپـــا گردید.

متحدان بنی‌صدر - سرمایه‌داری لیبرال ایران (۱۱)

سرمایه‌داری لیبرال ایران، درجریان تعمیق انقلاب اسلامی ضد — امپریالیستی ومردمی ایران، به‌شیوه‌های گوناگونی کوشید، تا انقلاب را مسخ کند. درشماره‌های گذشته ابعاد این کوشش‌ها را درجهت مسخ انقلاب شکوهمند مردم ایران، از طریق خارج‌کردن دشمن اصلی آن، یعنی آمریکای امپریالیستی از زیر ضربه وجانشین ساختن اتحاد شوروی به‌جای آن، ونهایتا اتصال مجدد ایران به‌چرخ جهانی سرمایه، موردبررسی قرارداديم. در این راستا وبه‌منظور تصویر سایه‌روشنهای سرمایه‌داری لیبرال ایران برای مقابله با انقلاب، به‌یکی از عوام‌فریبانه‌ترین ترفندهای سرمایه‌داری لیبرال ایران یعنی توسل به‌کلمهٔ زیبای "آزادی" واستتار اهداف طبقاتی سرمایه‌داری لیبرال ایران در پس این شعار، میرسیم. این مبحث بویژه از آن‌جهت حائز اهمیت است که این حاده‌صاف‌کن های آمریکا توانستند زیرپرچم "آزادی" (با استفاده از انحصارطلبی قشریون وتمایلات انحصار طلبانه در برخی از محافل حاکمیت) گروهی از عناصر آزادیخواه، لیکن ناآگاه را به‌سوی خود جلب کنند. در واقع این بار لیبرال‌ها نشان دادندکه پرچم اصلی آنها "آزادی" است وبه‌خوبی هم فاش‌کردند که‌منظورشان کدام "آزادی" است.

"آزادی" - پرچم اصلی لیبرالها برای مسخ انقلاب

ای آزادی! چه جنایت‌هائی که به نام تو نمی‌کنند

ازهمان روزهائی که‌نطفهٔ انقلاب اسلامی ایران، درخون شهیدان و در بستر آرزوهای مردم مبارز وستمدیدهٔ ما بسته می‌شدو فریاداستقلال‌طلبانه و آزادیخواهانه‌خلق‌های ما می‌رفت تا گوش امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکارا کرکند و ارکان‌حکومت سرمایه‌را به‌لرزه‌درآورد، ازهمان روزها، صدای ضعیف سرمایه‌داری لیبرال ایران، چیزی جز خواست مشارکت در غارت دربار پهلوی و وابستگان این‌پادوهای امپریالیسم جهانی رامنعکس نمی‌کرد. آقایان "آزادیخواه" بودند، اما خواهان آزادی حکومت سرمایه‌غم شان نه غم محرومان، که‌حسرت "بخور بخور — های" سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم جهانی بود. از همین رو "آزادی" موردنظر سرمایه‌داری‌لیبرال ایران، ماهیتا و زمین تا آسمان، با آزادی مورد توجه توده‌های میلیونی مردم میهن ما تفاوت داشت. ودرست به‌همین دلیل بودکه‌انقلاب‌ازنظرآنان در شعار "شاه باید سلطنت کند و نه حکومت" خلاصه‌می‌شد، و وقتی هم‌که زیر فشار جنبش انقلابی مردم جلو رفتند، فقط‌آن را خروج شاه و سرنگونی استبداد می‌دانستند واز تعمیق آن ناراضی ونگران بودند:

"... **انقلاب را که تا سررسید ... به اخراج شاه وسرنگونی استبداد توجه‌اصلی داشت. .. توسعه‌به‌خواسته‌های فوری دیگر دادند** ..." (۳ اسفند ۵۹ — میزان)

درچارچوب همین تفکر بود که شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" توسط جبهه متحد ضدانقلاب به‌رهبری **بنی‌صدر** وسرمایه‌داری‌لیبرال ایران‌تحریف واز میان‌آن تنها "آزادی" برجسته‌شد، زیرا که‌اینان هرگز نه خواستار استقلال بودندو نه در جهت کسب استقلال قدمی برداشته‌بودند. سرمایه وطن نمی‌شناسد، لیک بدون "آزادی"، آزادی غارت، می‌میرد.

"... **دراین سه جزء (استقلال، آزادی، جمهوری‌اسلامی) یا سه پایه شعار کدامیک مهمتر از همه‌است؟ ... به‌عقیده‌ما آزادی** ..." (۱۶ اردیبهشت ۶۰ — میزان)

والبته به‌این "دلیل!" که: "... **استقلال ... امرقائم با لذات و دوام دارنیست** ..." (همانجا)

بنی‌صدر نیز، پوسته حرفش که شکافته می‌شد، همین را می‌گفت:

"... **با این تعریف از استقلال (تعریف بنی‌صدر) طبیعی است‌که خواننده خواهدگفت: پس دراین‌جهان هیچ کشورمستقلی‌وجودندارد؟ جوابم این‌است که: چنین‌است. چون هیچ کشورمستقلی‌وجود ندارد** ..." (۱۷ دی ۵۹ — انقلاب اسلامی — مقالهٔ بنی‌صدر دربارهٔ مفهوم استقلال)

وچنین بودکه از نظر لیبرالهادر شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی"، "آزادی" جای خود را با "استقلال" عوض کرد و می‌رفت که‌ازاین شعار تنها "آزادی"اش بماند، آن هم آزادی حکومت سرمایه.

باید تصدیق کرد که اعضای لیبرال‌دولت‌موقت‌تاپیش از سقوط این‌دولت، درتشریح مفهوم خود از "آزادی"، صداقت بیشتری بخرج می‌دادند. اینان به‌صراحت وبدفعات اعلام‌کردندکه‌مدافع آزادی‌کلان‌سرمایه‌داران، بزرگ‌مالکان، ساواکی ها و ... هستند (به‌شماره‌های ۱۰۳ — ۱۰۴ و ۱۰۵ "اتحادمردم" مراجعه‌کنید) درعوض‌بارهاوبارهادشمنی خود را با آزادی مستضعفان از بند استثمار و مشارکت فعالانه خلقها درتعیین سرنوشت خویش به اثبات رساندند. لیکن پس‌از سقوط دیگر این نوع "آزادی — خواهی" جرئت ابراز نداشت، لذا آقایان زیر پوششی دیگر و بمراتب خطرناکتر ودقیقا درمتن‌اجرای توطئه‌های رنگارنگ‌امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا علیه‌انقلاب‌اسلامی، ضدامپریالیستی ومردمی ایران وارد کارزار شدند.

هنگامیکه توطئه آمریکا مبنی‌بر تشکیل "ایران آزاد!" از طریق اشغال خوزستان توسط متجاوزان صدامی با شکست روبروشد، طرح پوساندن‌انقلاب ازدرون، به‌کمک‌لیبرالها، مائوئیستهای آمریکائی، رهبری خائن "مجاهدین خلق" وبطور خلاصه جبهه‌متحدضد — انقلاب به رهبری **ابوالحسن بنی‌صدر**، مجددا در دستور روز امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکاقرارگرفت. اجزای این طرح‌عبارت بودنداز: وارد آوردن فشار همه‌جانبه بر حاکمیت جمهوری‌اسلامی‌ایران، ایجاد تشنج، دامن زدن به اختلافات و درگیری‌ها، بزرگ جلوه‌دادن مشکلات موجودکشور ودریک‌کلام، گل‌آلودکردن‌آب، بمنظور براندازی‌دولت‌شهید**رجائی** و مجلس و جانشین کردن دولت میانه‌روی مورد نظر ریگان بجای آن.

بمنظوراجرای‌این‌طرح، عوامل آشکار وپنهان‌امپریالیسم جهانی مامور شدند، تابه صور گوناگون کشوررا به‌لبهٔ پرتگاه بکشانند وعاقبت، به‌خیال‌خود باطرح مسئله "رفراندوم"، ضربه آخر را برانقلاب واردآورندوبراریکه‌قدرت تکیه‌زنند. به‌این‌ترتیب بودکه سلاح "بحران" درجامعه انقلابی ایران در زرادخانه‌امپریالیسم تولیدشد ونسخهٔ "آزادی" توسط ضدانقلابیون به‌منظور "نجات‌انقلاب" پیچیده شد. اینان خود از یک سو تشنج می‌آفریدند و از سوی دیگر فریاد برمی‌آوردندکه:

"... جوسیاسی‌ایران انفجار — آمیز است ..." (۱۵ اردیبهشت ۵۹ — کیهان — سخنان بنی‌صدر)

وصدای**بنی‌صدر** دربلندگوی سرمایه‌داری لیبرال ایران‌انعکاس می‌یافت که:

"... **ابرهای تیره‌آسمان‌انقلاب را پوشانیده‌است** ..." (۱۸ آذر ۵۹ — میزان)

وهم‌اینان در سراسر کشور درگیری بوجود می‌آوردند و با ایراد سخنرانی‌های تفرقه‌انگیز وضدانقلابی هیزم به‌این آتش آمریکا برافروخته می‌افزودند وبعد هم فریادمی‌زدند که چراما آزادی هیزم کشی برای آمریکارا نداریم:

"... **انقلاب می‌باید به زبان سرخ ما امکان بدهدکه سر سبز ما را افراشته نگهدارد** ..." (۵ اردیبهشت ۶۰ — انقلاب‌اسلامی — بنی‌صدر)

توطئه "آزادی" آغاز می‌شود

این‌آتش افروزی ضدانقلابی، با دستگیری **صادق قطب‌زاده** (که بی‌نیاز از توصیف‌است) واردمرحله‌جدی تری شد وآقایان بااعلام‌این‌که: "... **اگر قطب زاده ... قابل‌توقیف‌باشند، دو سوم مردم ما به همان‌جرم قابل‌توقیف هستند** ..." (۱۸ آبان ۵۹ — میزان)

کوشیدندتا اولا "وجیه‌الملّه" بسازندو ثانیا زیر پرچم "آزادیخواهی" یارگیری کنند.

دراین‌دوران‌سرمایه‌داری‌لیبرال ایران، با استفاده از جومتشنجی‌که ساواکی‌ها، سلطنت طلبان، رهبری خائن "مجاهدین‌خلق" و مائوئیستهای آمریکایی، با راه‌اندازی درگیری‌های مختلف در سراسر کشور، بوجود آورده بودند، از سوئی، وبهره‌گیری‌از نطق‌های نفاق افکنانه و اقدامات خرابکارانه‌**ابوالحسن بنی‌صدر** از سوی دیگر، آشکارا از "اعمال‌ضد انقلابی علیه‌حاکمیت" جمهوری‌اسلامی‌ایران‌به دفاع پرداخت:

"... **مردم ... دربرابرهیولای بی‌شاخ‌ودم اختناق عاقلانه و منطقی عکس‌العمل‌نشان‌دادندو ... ثابت کردند که اگر ... متولیان انقلاب ... مردم را آزاد بگذارند، انقلاب ... تداوم می‌یابد** ..." (۲۰ آبان ۵۹ — میزان — ازسر مقاله "ریشه‌های‌اختناق رادریابید")

وآخرهم‌اینکه: "... **نهضت آزادی ... ضمن‌محکوم‌کردن دسایس فرصت طلبان ومغرضین ... از مردم دلیر ایران ... دعوت می‌کندکه‌برای حفظ‌ارکان جمهوری‌اسلامی‌ایران ... بکوشند** ..." (۱۶ آذر ۵۹ — میزان)

بنی‌صدر نیز ضدانقلاب را به مقاومت تشویق می‌کرد:

"... **به‌شما مردم می‌گویم‌اگر امروز نسبت به امور لاقید بمانیدو ... استقامت نکنید، برای شما هم فردا دیر خواهدشد، چون از نواستبداد حدیدی برقرارمی‌شود** ..." (کارنامهٔ بنی‌صدر — جلد ۵ — صفحه ۱۴۶)

چندان طول نکشید که روشن‌شد جو سازی سیاسی لیبرالها و بنی صدر ازسوئی وایجاد اغتشاش ودرگیری از جانب ساواکی‌ها، سلطنت‌طلبان، رهبری‌خائن **"مجاهدین‌خلق"، "پیکار"، "رنجبران"، "اقلیت"** و ... دو روی یک نقشه‌است: نقشه آمریکا برای‌سرنگونی دولت شهید**رجائی** و روی کار آوردن دولت "میانه‌رو". **ریگان** این نقشه را به صراحت اعلام کرد:

"... **من‌شک دارم که در ایران دولتی وجود داشته باشد. برقراری رابطه با ایران وقتی‌ممکن است که عناصر میانه‌روتری در ایران روی کار آیند** ..." (۲۲ دی ۵۹ — کیهان)

وجبههٔ متحدضدانقلاب، که طبق نقشه ارباب آمریکایی عمل‌میکرد بی‌پروا خود را برای اجرای‌آخرین صحنه این توطئهٔ ضدانقلابی آماده می‌کرد. دراجرای این توطئه بود که سرمایه‌داری لیبرال ایران نیز، دست خود را بازتر و بازترکرد والبته‌زیرعلم "آزادی":

"... **انتخاب درجامعهٔ ما در این‌مرحله دقیقا آنست که آیا باید به سوی جامعهٔ بازی برویم که‌درآن آزادی افراد واجتماعات‌تضمین‌شده‌است ... یااینکه جامعه بازگشت کند به‌سوی جامعهٔ بسته‌ای که درکلیات مشابهٔ جامعهٔ قبل از انقلاب است** ..." (۱۷ آذر ۵۹ — میزان)

وسپس اینکه:

آری، یا "جامعه‌باز" یا جامعهٔ آریامهری. جامعهٔ آریامهری که نه! یعنی می‌ترسیدند که‌دربرابر مردمی‌که جامعهٔ آریامهری را به زباله‌دان‌تاریخ فرستاده‌بودند، به‌این‌جامعه‌هم آشکارا آری بگویند، پس "جامعه‌باز"! این "جامعهٔ باز" هم‌البته‌جمهوری‌اسلامی نبود، زیرا منظور **ریگان** چیزی جز این بود. آمریکائی‌ها این جمهوری را نمی‌خواستند، رادیوبختیارهم.

"... **امروز روزی‌است که باید دولت به‌اصطلاح مکتبی‌رجائی ... حزب منفورجمهوری‌اسلامی، حزب وابسته توده، مجلس شعبده بازی آخوندها و خمینی ... از سر راه‌برداشته شوند** ..." (۲۵ آبان ۵۹)

"رنجبر" آمریکائی‌هم که‌همین را می‌گفت: "... **دولت‌رجائی بایدبرود** ..." (شماره ۱۷۷)

پس چرا **دکتریزدی**، وزیر امور خارجه دولت‌موقت و یکی از مذاکره‌کنندگان با **برژینسکی**، همین‌رانگوید:

"... **این‌دولت (رجائی) ... رابایدتغییر داد** ..." (۱۰ اسفند ۵۹ — انقلاب‌اسلامی).

پس روشن‌بود که آقایان "جامعه باز" یعنی "دولت‌میانه‌رو"، یعنی "مشروطه بدون‌سلطنت"، یعنی نظام سرمایه‌داری وابسته به‌امپریالیسم می‌خواستند. شکل‌آن‌هم که‌اصلا مهم نیست مگر رژیم ضیاءالحق در "جمهوری اسلامی‌پاکستان" چه بدی دارد؟!

کدام آزادی؟ آزادی سرمایه‌داران ...

انگار داریم به لب کلام دست می‌یابیم: "جامعهٔ‌باز" "آزادی" و ... لیبرالها باز هم به ما کمک می‌کنند، تااین "جامعه باز" واین "آزادی" را بهتربشناسیم:

"... **حالا در روسیه ... یک، حزب بیشتر نیست، که‌آنهم کارش دیکتاتوری است ... (ولی) در ممالک دمکراسی و به‌اصطلاح ممالک اروپای غربی ... احزاب‌مختلفی هم هست ... کاری که‌آنها نمی‌کننداین‌است که وقتی‌آمدند و قدرت را در دست گرفتند، هرکس راکه‌عضو حزب مخالف بوده از اداره بیرونش نمی‌کنند** ..." (۲۳ بهمن ۵۹ — میزان، نطق مهندس بازرگان)

لیبرالها به تلویح‌آمریکا را نیز دراین "جامعهٔ‌باز وآزاد" جای‌دادند.

"... **آیا ... واترگیت را به بهانه رفتن آبرو سرپوش‌نهادند و نیکسون وداروددسته‌اش را از محاکمه معذور داشتند** ..." (۱۱ بهمن ۵۹ — میزان)

حالا دیگر قضیه‌روشن میشود. ازکلماتی که بدست‌آورده‌ایم، جملهٔ واقعی را می‌سازیم:

"... **انتخاب درجامعهٔ ما ... آنست که ... بایدبسوی جامعهٔ بازی برویم ... (مانند) ممالک‌دمکراسی ... غربی ... و (آنجا) که واترگیت را سرپوش ... نهادند!**"

واین‌لب‌کلام است: جامعهٔ به اصطلاح‌بازغربی ممالک به اصطلاح دمکراسی‌غربی، یعنی سرمایه‌داری امپریالیستی! ولیبرالها دلشان برای این "جامعهٔ‌باز" واین "دمکراسی" لک زده‌بود. اگر با شاه آب‌شان دقیقا در یک‌جوی نمی‌رفت، ناشی‌ازاین بود که شاه سهم آنها را بالاکشیده بود. والا دعوای دیگری که با او نداشتند.

واین بود محتوی "آزادیخواهی" سرمایه‌داری‌لیبرال‌ایران، که "صدای آزادامریکا"هم، همزبان‌بالیبرال‌ها، به‌نبودن آن اعتراض می‌کرد:

"... **حکومت تهران ... می‌رود تا اختناق وسانسور کامل را برقرار کند** ..." (۱۹ فروردین ۶۰)

اما انقلاب ادامه داشت. خواست توده‌ها آزادی واقعی بود، آزادی از ظلم‌وستم واستثمارکلان‌سرمایه‌داران‌و بزرگ‌مالکان‌ولیبرالها ازهمین خشمگین بودند:

"... **روی‌هرصاحب زمین ... چون نمی‌خواهیم‌مالکی ومالکیتی در این‌سرزمین‌ببینیم، برچسب فئودالی زده از هستی و زندگی ساقطشان کنیم ... مدیران کارخانه‌هاو سهامداران شرکتها ... چون استثمارگران وابسته به‌استعمارواز‌سرمایه‌داران‌اند ... دیگر به‌موسسهٔ خودشان‌راه‌ندهیم ... و تولید مملکت را چون ... نظام سرمایه داری‌است‌فلج‌سازیم** ..." (همانجا)

آری، این چه‌مملکتی‌است که در آن‌آزادی "استثمارگر وابسته به استعمار" بودن‌ازانسان‌سلب‌می‌شود؟! بی‌جهت‌نبود که لیبرالهافریادمیزدند:

"... ابرهای تیره‌آسمان‌انقلاب راپوشانیده است ..." (۱۸ آذر ۵۹ — میزان) و متوحش می‌نالیدند که:

"... **وای حه دورنمای تیره‌ای در انتظار ... ماست** ..." (همانجا)

سخنگویان‌سرمایه‌داری لیبرال ایران دراجتماعاتشان ظاهرا "... **می‌خواستند بگویند آزادی درچنگال انحصارطلبی ... بزودی خفه خواهد شد** ..." (۹ اسفند ۵۹ — میزان) اما واقعا می‌نوشتند که: "... **کاربه‌جائی رسیده که‌ابوذر به نام‌اسطوره مبارزه با سرمایه‌دار معرفی‌میشود** ..." (۱۶ شهریور ۵۹ — میزان)

ویا: "... درخت‌ایدئولوژی‌شما (پیروان‌خط امام) میوه‌های‌مارکسیستی دارد ... عنادخاص با سودو مدیریت خصوصی داشته اگر دستتان برسد هر چه سرمایه و مالکیت ومعامله است از بین برده کشور را یکسره ملی یعنی دولتی می‌کنید ..." (۱۲ اردیبهشت ۶۰ — میزان)

و: "... **مستضعف به‌معنای‌فقیرو بیچاره‌ومسکین‌نیست** ..." (۳۰ آذر — میزان)

و: "**کارفرمایان ... مستکبر نیستند** ..." (همانجا)

آری، لیبرالها آزادی "را برای این می‌خواستندکه نظام‌سرمایه داری فلج" نشود، که "استثمارگر وابسته به استعمار" وجود داشته باشدکه "سود و مدیریت‌خصوصی" برقراربماند، که "سرمایه و مالکیت ومعامله" از بین نرود، که دستهای پینه‌بسته‌دهقانان سند نداشد، که کوخ نشینان و مستضعفان صاحب دسترنج خویش نشوند، که ...

وبرای نیل به‌این "آزادی" بود که لیبرالها درجبههٔ متحدضد انقلاب برهبری‌بنی‌صدر شرکت فعال‌داشتند.

(ادامه‌دارد)

تفسیر وقایع مهم جهان

سال گذشتهٔ مسیحی

سال ۱۹۸۱ میلادی گذشت وسالی نوآغاز شد. سال نو میلادی را صدها میلیون نفر در سراسر جهان باامیدها وآرزوهای خویش استقبال کردند. شاید مقدسترین این آرزوها آن بود که از جمله هم‌میهنان مسیحی ما به‌زبان آوردند و پایان یافتن جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و حکم فرمائی صلح برتمامی جهان را بزرگترین خواست قلبی خود اعلام نمودند. امیدآنکه این خواست بزرگ آنان جامهٔ عمل بپوشد وسال ۱۹۸۲ برآنان وتمام خلق‌های جهان سالی میمون و مبارک باشد.

تمام سال گذشته مسیحی رامردم جهان در اضطراب ونگرانی روزافزون گذراندند. این نگرانی به‌ویژه درمنطقه‌ما ودر قارهٔ اروپا بیشتر بود، هیولای جنگ بارها بر فراز جهان ظاهر گشت وهر بار با ایستادگی ومبارزهٔ خلق‌ها مجبور به‌عقب‌نشینی شد. به‌یاد بیاوریم که امریکائی‌ها برای "نجات گروگان‌های" خود واسرائیلی‌ها برای سرکوب فلسطین چگونه دنیارا به‌پای جنگ کشاندند بمب نوترونی چگونه جهان رابه‌اضطراب افکند و تهدیدهای ریگان به‌آغاز یک جنگ "محدود" هسته‌ای در اروپاوتصمیم پنتاگون به‌ترکاندن یک بمب هسته‌ای بر فراز اروپا برای "هشدار بر اتحاد شوروی" واولتیماتوم‌های پی‌درپی مقامات رهبری امریکا درمورد لهستان و دهها عمل دیگر امپریالیسم آمریکا ازسرنگون کردن هواپیماهای لیبیائی وتهدید محاصرهٔ کوبا تاتحریکات مستمر برضدانقلاب ایران وافغانستان و تجاوز آشکار توسعه‌طلبان چینی به‌خاک ویتنام، چه‌جو متشنجی درجهان پدید آورده‌بود.

امپریالیست‌های امریکائی وسایر نیروهای تجاوزگر نتوانستند درسال گذشته مسیحی به هیچ یک از هدف‌های شوم خود برسند. هر یک از ماجراجوئی‌های آنان با شکست روبرو شد و این شکست نیزقبل‌از هرچیزمرهون قدرت بی پایان خلق‌ها و مبارزهٔ پیگیر آنان علیه‌امپریالیسم و در راه صلح است

در سال گذشته جنبش‌های انقلابی ضد‌امپریالیستی ومبارزه‌خلق‌ها بخاطر حفظ صلح گامی بلند بجلو برداشت. جنبش‌صلح به ویژه دراروپا برهارترین جناح‌وابسته‌به مجتمع صنعتی نظامی در دنیای امپریالیسم مهارزدونمایندگان دولت ریگان‌را، که از بدو به‌حکومت‌رسیدن دائما از لزوم تقویت نظامی غرب وکسب برتری نظامی براتحاد شوروی دم میزدند، بپای میز مذاکرات ژنو نشاند، واین یک پیروزی بزرگ خلق‌های جهان، به‌ویژه اروپا بود.

هرچند تن دادن دولت ریگان به شرکت درمذاکرات کاهش‌تسلیحات هسته‌ای مانوری انحرافی برای فرونشاندن موج‌اعتراضات همگانی دراروپا بود وسیاستگران امپریالیستی امیدوار بودندکه با این مانور بتوانندمردم رابه‌خانه‌هایشان باز گردانند و کارخود را ازسرگیرند، اما پیگیری وقاطعیت تمام سازمان‌های سیاسی، احتماعی ومذهبی، که آن جنبش‌عظیم رابپاکرده بودند وپافشاری آنان در حذف برنامه های امریکائی موشک نشانی در اروپای غربی‌نشان‌داد که‌خلق‌های‌اروپا به‌هیچ‌قیمتی حاضر نیستند بهای ماجراجوئی‌های دارو دسته ریگان را بپردازند.

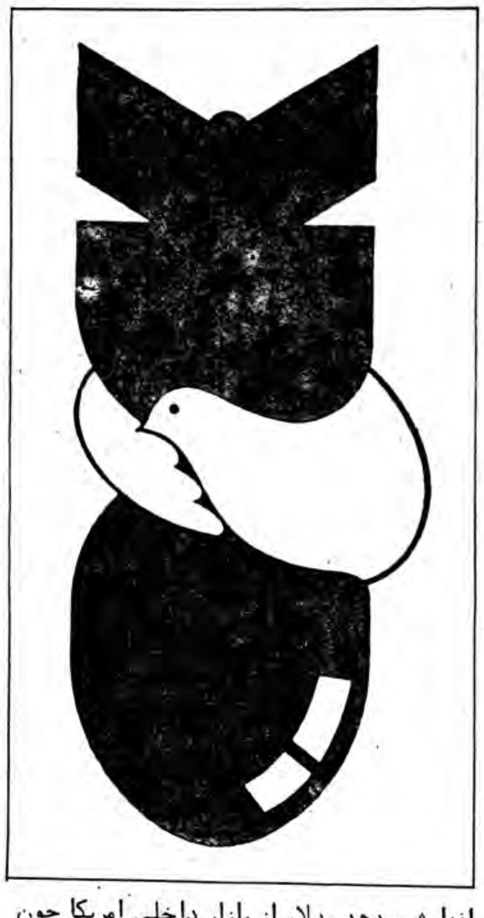
مبارزه

در راه قطع مسابقهٔ تسلیحاتی

بزرگترین وظیفهٔ همگانی

قطع مسابقهٔ تسلیحاتی نه تنها به لحاظ اهمیتی که درکاهش‌خطر جنگ دارد، بلکه‌همچنین ازدیدگاه‌حل مسائلی که جامعهٔ بشری، به ویژه محرومترین خلق‌ها، با آن روبروهستند، حائز اهمیت طرازاول‌است. مسابقه‌تسلیحاتی وسیاست تشنج‌فزائی هرچند بظاهر به‌ما ارتباط پیدانمی‌کند، اما در باطن با سرنوشت خلق‌ماوتمام خلق‌های غارت زده مستقیما تماس‌می‌یابد.

طبق ارقام منتشره‌از سوی‌سازمان ملل‌متحد هزینه‌های‌تسلیحاتی، طی سی‌وهفت‌سالی که از پایان‌جنگ دوم جهانی میگذرد، ده‌هزارمیلیارد دلار بوده‌است. رقم‌را با حروف نوشتیم، تا تصوراشتباه‌درآن‌نرود، آری، مسابقه‌تسلیحاتی ده‌هزارمیلیارد دلار برای جامعهٔ بشری تمام شده‌است. افزایش روز افزون هزینه‌های نظامی درکشورهای‌سرمایه‌داری موجب تشدید گرایشهای تورمی میگردد وموازنه‌پرداخت‌های‌آنان‌رابرهم میزند. تخصیص ارقام سرسام‌آور دربودجه‌کشورهای‌امپریالیستی ودر راس آنها ایالات متحدهٔ امریکا، بدهزینه‌های نظامی، مبلغ دلارهای در گردش‌را بی‌اندازه بالا میبرد و تورم‌را، چه در خود امریکا وچه در سراسر دنیای سرمایه‌داری، افزایش‌میدهد. دلار از بازار داخلی امریکا چون سیل به‌بازارهای خارجی سرازیر میشودودربانک‌های‌دیگر کشورهای سرمایه‌داری ذخیره‌میگردد. این‌تودهٔ عظیم دلارهای کوچنده، که‌قریب هزار میلیارد است، سبب اصلی تورم درسراسر جهان سرمایه‌داری‌است، تورمی که ازهمه‌بیشتربه‌اقتصاد ناتوان‌کشورهای "جهان‌سوم" ضربت‌میزند.



کشورهای رشدیافته جهان‌سرمایه‌داری از طریق فروش تکنولوژی و سلاح‌به قیمت‌های بالای مصنوعی به‌کشورهائی که در قلمرو بازار جهان سرمایه‌داری قراردارند، تورم‌خودرا به‌این‌کشورها صادر میکنند. دامن‌زدن به‌اختلافات بین‌کشورهای "جهان‌سوم" به‌منظور فروش‌سلاح به‌آنان از این‌گرایش‌دائمی امپریالیسم آمریکا به‌ادامه‌مسابقه تسلیحاتی سرچشمه‌میگیرد. جلب‌کشورهای "جهان سوم" به‌مسابقهٔ‌تسلیحاتی به‌بهانهٔ خطر موهوم شوروی، یا خطرات ناشی ازکشور همسایه‌ای‌برای کشور دیگر، و فروش سلاح به هر دو طرف ازسوی کشورهای‌مختلف‌امپریالیستی، که بین‌انحصارات اسلحه‌سازی آنان پیوندهای‌محکم‌وجود دارد، بهترین وسیلهٔ مکیدن خون آنان از سوی این انحصارات‌است. نگاهی به‌ارقام مربوط‌به رشد هزینه‌های‌نظامی درکشورهای "جهان‌سوم" مقیاس این‌غارت امپریالیستی را نشان میدهد. طی ۲۰ سال اخیر آهنگ رشد هزینه‌های نظامی‌درکشورهای "جهان‌سوم" بطور متوسط ده درصد بوده است. در حال‌حاضر از ۲۰ میلیارد دلاری که کشورهای امپریالیستی درسال سلاح صادرمیکنند بیش‌از ۱۴ میلیارد آن به‌کشورهای "جهان سوم" فرستاده‌میشود. صادرکننده اصلی تسلیحات نیز ایالات متحدهٔ امریکاست، که‌به‌مرتجع ترین رژیم‌ها در سراسر جهان سلاح‌میفروشد. هیگ وزیر امور خارجه‌امریکا گفت:

" فروش‌سلاح ادامه‌منطقی اقدامات‌ملی ما درجهت دفاع از کشور است. این سلاح‌ها به دوستان‌ما امکان‌میدهدکه‌نه‌تنها ازمنافع خودشان بلکه ازمنافع عمومی نیز دفاع‌کنند."

سیل سلاح‌هائیکه اکنون‌ازسوی امریکا به اسرائیل، پاکستان، مصر، عربستان‌سعودی ترکیه و... روان‌است، باید در راه دفاع از "منافع عمومی" این رژیم‌های مرتجع وامپریالیسم جهانی به‌سرکردگی امریکا برضد جنبش‌های‌انقلابی منطقه بکاربرده‌شود. در دوران پس از جنگ‌دوم جهانی رژیم‌های‌دست‌نشانده‌امپریالیسم ۱۵۰ بار علیه رژیم‌های‌انقلابی ویاکشورهای‌مستقلی که منافع ملی‌خودرامغایر بامنافع "عمومی" جهان‌امپریالیسم میدانستند، دست‌به‌تهاجم مسلحانه‌زده اند. دولت تجاوزگر اسرائیل نمونه‌ای‌از آنان‌است.

اگر هیگ، سخنگوی امپریالیسم امریکا، دامن‌زدن به‌مسابقهٔ‌تسلیحاتی را "ادامهٔ منطقی سیاست‌ملی وبین‌المللی" کشورش‌میداند، مبارزه درراه قطع این‌مسابقه نیزبزرگترین وظیفه‌سیاست ملی‌وبین‌المللی تمام کشورهای‌ضدامپریالیستی و صلحدوست است، زیرا مسابقهٔ‌تسلیحاتی، چه از نظراقتصادی وچه‌از نظر سیاسی واجتماعی، برای جامعه بشری‌وبویژه‌محرومترین‌بخش‌آن‌در "جهان سوم" ناگوارترین‌پیامدها را بدنبال دارد.

اهمیت‌جنبش صلح‌وتلاش‌دنیای‌سوسیالیسم برای‌پایان‌دادن به‌این‌پدیدهٔ شوم، که زائیدهٔ نظام منحط سرمایه‌داری انحصاری است، با در نظر گرفتن پیامدهای ناشی‌ازآن، روشنتربه چشم میخورد. کاهش هزینه‌های‌نظامی و پایان‌دادن به مسابقهٔ‌تسلیحاتی، بویژه تسلیحات‌هسته ای‌و موشکی، ورساندن آن به حداقل بزرگترین و مقدس‌ترین صحنهٔ‌مبارزهٔ تمام‌خلق‌های جهان درسال‌نورسیدهٔ مسیحی خواهد بود. کشورهای سوسیالیستی اعلام‌کرده‌اندکه‌آماده‌اند با حفظ توازن استراتژیک بین دونظام‌کنونی جهان — سوسیالیسم وسرمایه‌داری— تسلیحات خود راتا آخرین حدی که طرف‌متقابل رضایت دهد، کاهش‌دهند. اما رهبران کشورهای‌سرمایه‌داری، به‌خصوص دار و دستهٔ ریگان، حاضر به‌قبول‌این پیشنهاد، که با "سیاست ملی‌وبین‌المللی" آنان مغایرت‌دارد، نیستند. واین‌برگر وزیردفاع‌امریکا میگوید:

" ما باید بدان پایه نیرومند باشیم که بتوانیم ازمنافع‌خود درهرنقطهٔ‌از جهان دفاع کنیم."

منافع امپریالیسم آزمندیانکی را نیز حدو مرزی‌نیست، واین منافع نامشروع را نیز جز با تسلیحات و زور نمیتوان تامین نمود. شکستن مسابقهٔ‌تسلیحاتی، شکستن این زورگوئی‌است، که‌امروز در سراسر جهان بدست امپریالیسم و اذنابش به‌رهبری شیطان‌بزرگ—امریکا انجام میگیرد.

اسرائیل

چماق ـ شیطان بزرگ ـ آمریکا

شورای امنیت سازمان ملل متحد برای بررسی شکایت سوریه در مورد الحاق بلندی‌های‌جولان ازسوی رژیم غاصب اسرائیل تشکیل جلسه‌داد واین‌عمل اسرائیل‌را محکوم کرد. این‌گونه "اعمال" اسرائیل‌دهها بار در سازمان ملل متحد، شورای‌امنیت وسایر سازمان‌های بین‌المللی محکوم شده‌است، ولی‌هربار اسرائیل‌این محکومیت‌ها را بالبخند تمسخراستقبال کرده و بکارخود ادامه داده‌است، زیرا هربار که این سازمان‌های‌بین‌المللی‌خواسته‌اند بدنبال این محکومیت‌هااسرائیل‌را مجازات‌کنند، **با وتوی آمریکا** روبرو شده‌اند. این بارنیزهیگ‌در دیدار باسفیر اسرائیل درامریکا گفت‌که‌نمایندهٔ آمریکا درشورای امنیت هرگونه‌پیشنهاد‌دربارهٔ‌اعمال مجازات‌علیه‌اسرائیل راوتوخواهد کرد. این‌تنها نمونه‌کوچکی از سیاست‌مزورانه ودورویانه‌امریکا نسبت به‌خلق‌های عرب است. تاآنجا که پای حرف درمیان‌است، امریکاخودرادوست "اعراب" وانمودمیکند، اما همینکه پای عمل به‌میان‌آمد، آمریکاتنهایک‌دوست، درمنطقه دارد وآن‌اسرائیل است‌که‌بهترین‌حافظ "منافع عمومی" دنیای سرمایه‌داری در خاورمیانه و نزدیک‌است.

شیطان‌بزرگ—امریکا از اسرائیل چون چماقی بزرگ‌برای حفظ منافع غارتگرانه خود و تمام‌دنیای امپریالیستی استفاده‌میکند. تامین برتری استراتژیک اسرائیل براعراب‌درهر زمان و در هر شرایط، مهمترین هدف سیاست‌خارجی امریکا درمنطقه‌است.

آیا کشورهای‌عربی میتوانند به‌این‌برتری پایان‌دهند؟ آیا امکانات‌مادی، انسانی، وروحی خودشان وشرایط‌بین‌المللی به‌آنها اجازه میدهد که‌این برتری را از میان بردارند، اسرائیل را سرجای خودش‌بنشانندومشعل‌جنگ‌افروزی‌و زورگوئی را از دستش بستانند؟

به‌گمان ماآری، اما بدان‌شرط که ازسیاست "کوسه وریش‌پهن"، که دراغلب دولت های عربی حکمفرماست، دست‌بردارند و نخواهنددو چیز مانعه‌الجمع — دوستی با آمریکا ودشمنی با اسرائیل را دریکجا گردآورند.

- حاجت به‌ذکر نیست‌که شاهرگ دنیای امپریالیسم دردست‌اعراب‌است. ایالات‌متحده امریکا واروپای غربی وژاپن بدون نفت‌عربستان سعودی، کویت، امارات‌متحده، عراق، لیبی و الجزایرنمیتواند چرخ اقتصاد خودرا به گردش درآورند. یکاقدام قاطع و هماهنگ این‌کشورها، نه‌تنها بصورت تحریم‌ارسال نفت، بلکه حتی با کاستن ازتولیدمیتوانند هارترین جناح های امپریالیسم‌امریکا واروپای غربی‌و ژاپن را به تجدیدنظر در سیاست خود در خاور نزدیک و میانه وادارسازد. اما باتاسف بایدگفت‌که‌دنیای عرب دراثرنفوذ امپریالیسم وسلطهٔ حکومت‌های ضدملی در اکثر آنها، چنان دچارتفرقه‌وتشتت است‌که‌نمیتواند دربارهٔ هیچ‌مسئله‌جدی تصمیم مشترک‌بگیرد. در حالیکه کشورهای‌عضو "جبهه پایداری" با شناخت صحیح از دوستان‌ودشمنان خود در صحنهٔ بین‌المللی، همکاری و همبستگی باکشورهای‌سوسیالیستی را پایهٔ سیاست‌خارجی خود در مقابله‌با امپریالیسم وصهیونیسم قرار داده‌اند، برخی دیگرچنان در جادهٔ ظلال "خطر کمونیسم" گمراه‌شده‌اند که‌حتی آماده‌اند با اسرائیل‌و امریکا برای مبارزه با این خطرموهوم هم‌پیمان‌شوند. آنان‌منافع پست گروهی وطبقاتی خودرابالاتراز منافع ملی، انسانی واسلامی خود میدانند. عربستان‌سعودی‌در راس این جناح جنایتکار قرار دارد ومیکوشد به زور میلیاردها دلاری که دراختیار دارد، سایرکشورهای‌عربی را نیز بدنبال‌سیاست سازشکارانه وآشتی پذیرانه خود، به‌زدوبند با امپریالیسم امریکا وبالنتیجه بااسرائیل بکشاند.

تضادبین کشورهای‌مترقی و مرتجع عرب قبل از هرچیز در مسئلهٔ دوستان‌ودشمنان‌جنبش آزادیبخش‌خلق‌های عرب شکل‌گرفته است. در حالیکه کشورهای‌مرتجع عرب "خطر کمونیسم" را خطر اصلی‌برای خلق‌های‌عرب میدانند، کشورهای "جبههٔ‌پایداری" عقیده‌دارند که‌کشور های سوسیالیستی نه‌تنها دشمن اعراب‌نیستند، بلکه دوستان‌وفاداری‌هستند که‌همواره‌از استقلال و آزادی‌خلق‌های عرب دربرابر امپریالیسم و صهیونیسم دفاع‌کرده‌اند. در شرایط‌کنونی، به ویژه پس‌از روی کارآمدن حکومت ریگان وشدت گرفتن مداخلات‌امپریالیستی درمنطقه، که با توسعه سیاست تجاوزگرانه‌اسرائیل همزمان وهم



همسرسفیرسابق‌خائن‌لهستان در ایالات متحده‌آمریکا در آغوش ریگان! ضدانقلاب لهستان وسازمانده ضدانقلاب لهستان‌در ماتم شکست‌خود گریانند.
عکس ازمجله‌آمریکایی تایم

آهنگ انجام میگیرد، گرایش‌های سالم سیاسی‌در میان‌خلق‌های عرب درحال رشد، یافتن‌است.. احتمال‌نمی‌رود که این گرایش‌ها بتوانند در سیاست‌کشورهای مرتجع منطقه، کشورهائی‌که با هزاران رشته‌به‌سرمایه‌داری‌امپریالیستی‌وابسته‌اند، به‌سمت‌حاکم‌تبدیل‌شود. اما وجود این گرایش‌ها امیدوارکننده‌است، زیرابهرحال‌مانعی برسر راه‌اتخاذ سیاست‌های‌آشکاربسودامپریالیسم است، سیاست‌هائیکه‌پیش ازانقلاب‌اسلامی‌ایران درسراسر منطقه‌حاکم‌بود وشاه‌ایران و دیگرملوک وشیوخ‌منطقه رسما اعلام‌میکردندکه "ماجزء جهان غربیم". "امروز وابستگی به "جهان‌غرب" شرم‌آور تراز‌آنست‌که‌حتی سرسپردگان‌به‌امپریالیسم‌امریکا بتوانند به‌آن‌اعتراف کنند. اینست اهمیت سیاست خارجی جمهوری‌اسلامی ایران وشعار اساسی‌آن. **مرگ برآمریکا !**

آیا کشورهای مترقی منطقه‌میتوانند، با پشتوانهٔ نیرومندجنبش‌انقلابی ایران، دنیای عرب رابه‌ایستادگی دربرابر سیاست‌تجاوزکارانه اسرائیل، که‌امروز درجولان‌نمودار گشته وفردا بی‌تردید به‌کرانه‌های رودخانهٔ اردن‌وسرزمین مصیبت‌زدهٔ لبنان کشانده خواهد شد، وادار سازند؟

پیشگوئی‌نکنیم و منتظر حوادث باشیم‌اما تجربهٔ مبارزه‌انقلابی خلق‌های جهان به ما حکم میکندکه‌بگوئیم: مبارزه‌خلق‌ها باامپریالیسم دیریازود، بااین. یاآن‌شیوه‌پیروزخواهد شد درس لهستان‌نیزاین راتائیدمی‌کند.

ضربت دردناك لهستان بر پیکر امپریالیسم

ضربت لهستان بر پیکر امپریالیسم بیش ازآنکه درابتدا به‌نظرمی‌آمد، کاری‌بوده‌است. آه وناله‌ای که‌تمام‌رسانه‌ها و مطبوعات دنیای

بقیه‌درصفحه ۱۰

انقلابی واقعی...

بقیه از صفحه ۱

دوست‌نما، فرق نمیکند، به‌زیان انقلاب، به‌زیان تثبیت ورشد انقلاب عمل‌کرده است. یک‌قاضی که‌حکم غیرعادلانه ای صادرکند، یک‌توقیف بی‌جـــای‌فلا ن کارمند اداره، چه‌از روی حسن‌نیت، چه‌ازروی سوءنیت، نتیجهٔ زیان‌بخش اجتماعی آن‌یکی است. آنهائـــی که دوستند، ولی‌کار دشمن رامیکنند، با آنهائیکه دشمنند، ولی‌به لباس‌دوست درآمده‌اند، درعمل‌فرقی بـــا یکدیگر ندارند. خودسری‌ها وتجاوز از مــرز قانون وعدم‌مراعات قانون، چه‌بدست دوست‌نادان وچه‌بدست دشمن‌دوست نما انجام‌گیرد، اثر آن‌بی‌اعتمادی، شکستن اعتمادمردم، فلج‌شدن‌اقتصاد کشور و... است.

مسئله‌ای راکه حجـــت‌الاسلا م هاشمی رفسنجانی‌بدینســـان مطر ح ساخت، یکی از مسائل مهم مبتلا بـــه انقلاب‌وجمهوری‌اسلامی‌ایران‌است. این‌مسئله‌همان‌مسئلهٔ‌تشخیص ومـــلاک تشخیص دوستان ودشمنان‌انقلاب‌است.

تشخیص دشمـــــنان‌آشکار انقلاب آنهائیکه آتش جنگ برپامیکنند، نا ــ امنی ایجادمیکنند، به‌ترور دست‌می‌ــ زنند و... آسان‌است. ولی شناخت دشمنان دوست‌نما آسان‌نیست، زیرا اینان درلباس دوست عمل میکنند. تشخیص اینکه‌عمل زیانبخش مشخصی را دوستی نادان ویا دشمنی دانا و دوست‌نما انجام داده‌است، تاحدغیرــ ممکن‌دشوار است. ولی برای انقلا ب عملا فرقی‌ندارد که آن عمل زیانبخـــش مشخص، ازسوی‌چه‌کسی، دوست‌نا دان ویادشمن‌مکار، وباچه‌نیتی، باحسن‌نیت ویاباسوءنیت، انجام‌گرفته‌است.

پس ملاک تشخیص دوستان از دشمنان انقلاب باید عمل‌باشد، نه تظاهر به‌دوستی، نه‌تظاهربه‌انقلابیگری نه‌تظاهربه‌اعتقادات‌مذهبی، نه‌مسلمان نمائی‌افراطی.

فردی‌میتواندخودرا مسلمان‌دوــ آتشه‌معرفی‌کند ویاحتی‌واقعاقویاپای‌بند اعتقادات‌مذهبی‌باشد، ولی دوست انقلاب‌نباشد، حتی دشمن‌انقلاب‌باشد، مسلمان "آمریکائی" باشـــد. انقلاب اسلامی‌ایران‌در این زمینـــه تجار ب سهمگینی از سرگذرانده‌است: به مدت ۹ماه بعد ازانقلاب، دولت بطور عمد ه دردست مسلمانان‌معتقد ویا مسلمان ــ نمایانی‌بود، که‌درخط سازش باآمریکا، در خط حفظ وابستگی به‌دلیل وابستگی، در خط حفظ بزرگ سرمایه‌داری‌وبزرگ‌ــ مالکی، درخط سپردن کارهابه دســـت کارگزاران‌رژیم سابق‌قرارداشتند. سپس انقلاب‌تجربهٔ‌بنی‌صد رخائن را از سر گذراند که باز زیر پوشش‌اسلام پناهی واسلام شناسی‌مدتی درخط امریکا و در پیوند بادشمنان‌خارجی‌وداخلی‌انقلاب عمل‌کرد. درمجموع‌حدود دوسال‌ونیم، نه‌فقط وقت انقلاب تلف شد، بلکه بر سر راه تعمیق و گسترش‌انقلاب، بقدری سنگ‌های ریز ودرشت‌افکندند، که‌مدتی در برای‌پاکسازی‌آن وهموارکردن‌آن‌باید وقت‌وانرژی مصرف‌کرد.

بی‌تردید رعایت‌قانون و اجرای قانون، عامل‌موثری‌در ایجاد اعتمـــا د مردم، در تثبیت و تحکیم‌انقلاب‌ونظام جمهوری‌اسلامی‌ایران‌است. ولی‌اجرا ی قانون‌بوسیلهٔ‌مجریان‌قانون‌تحقق‌عملی پیدامیکند، واگر مجریان دوستان‌نادان ویا دشمنان‌دوست‌نما باشند، بهتریـــن قانون‌نیز، در جهت اهداف‌انقلاب، اجرا نخواهد شد. دیگر بگذریم‌ازاینکه درهرقانونی‌برخی‌موادقابل "تفسیر" میتوان‌یافت و مجریان قانون، اگر از دوستان نادان‌ویا دشمنان دوست نما باشند، آنهاراچنان "تفسیر" و اجـــرا میکنندکه‌نتیجه‌آن‌مخالف‌نیت‌قانون‌ــ گذاراست. به‌اضافه، قانون‌ممکن است حاوی موادی غیر دقیق‌ویاغیرمنطبـــق بااهداف انقلاب‌باشد، وبه‌همین‌دلیل حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجـــانی در همان خطبهٔ‌نماز جمعه اشاره‌کرد که، قانون درتجربه محک‌میخورد و اگـــر لازم‌آید، اصلاح یا تکمیل میشود.

بنابراین، غیر از رعایت‌واجرای قانون، ملاک‌تشخیص‌دوستان‌واقعی از دوستان‌نادان ویا دشمنان دوست ــ نمائی که قانون را اجرا نمیکنند و یا "بد" اجرامیکنند، حرکت و عمل بـــر روی خط‌انقلاب‌است. انقلاب اسلامی ایران دارای محتوی و اهداف‌مشخصی است:

این‌انقلاب‌مستضعفان است که‌با قیام‌جانبازانه‌وایثارگرانه‌زحمتکشان و ستمدیدگان به‌پیروزی رسیده وهدفش برقراری عدالت‌اجتماعی، رفع ستم از مستضعفان، مهارستمگری و کوتاه‌کردن دست‌ستمگر مستکبران‌است.

این‌انقلاب‌ضدامپریالیستی‌است که‌هدفش‌استقلال‌کشور ـ استقلال‌سیاسی، اقتصادی، نظامی وفرهنگی، استقلا ل همه‌جانبه کشور است.

این‌انقلاب‌ضداستبدادی است که‌هدفش‌استقرار آزادی‌های مردمی، آزادی‌اندیشه و قلـــم و بیان وتشکیل سازمان‌های‌حزبی وصنفی ودیگرآزادی هابسودانقـــلاب مردمی و نـــیز اجرای حقـــوق مردمـــی‌ـحق کار مسکن، درمان، استراحت، تامین‌زندگی مستضعفان وزحمتکشان‌به‌هنگام‌سال ــ خوردگی، بیماری، از کارافتادگی... است. اینها آزادی‌ها وحقوقی‌است که درقانون‌اساسی‌تشریح‌وتسجیل‌شده‌اند

لذا دوستان انقـــلاب آنهائی هستندکه، قطع‌نظر از تفاوت‌های‌مسلکی، مذهبی وسیاسی، برای مستضعفین کار میکنند، در راه بـــر قراری عدالت اجتماعی کـــوشـــش میکنند، علیهٔ امپریالیسم به‌سرکردگی‌امریکاو تفاله‌ها واذنابش، برای‌استقلال‌همه‌جانبه کشور می‌رزمند، برای‌آزادی‌هاوحقوق مردمی مبارزه‌میکنند. هرفرد، هرگـــروه، هر سازمان وهر حزبی که در راه رسید ن به‌سه‌هدف انقلابی نامبرده، نـــه در حرف، بلکه درعمل، حرکت‌میکنـــد، دوست‌واقعی‌وآگاه‌انقلاب‌است. وبرعکس هرفرد، هرگروه، هرسازمان‌و حزبی که ازاین‌مسیر انقلاب منحرف‌است و یادر عکس‌جهت آن‌حرکت‌میکند، دوســـت انقلاب‌نیست، اگر چه‌خود را انقلابـــی دوآتشه‌ویا مسلمان مومن‌جلوه‌دهد و یا حتی‌انقلابی‌دوآتشه‌ویا‌مسلمان مومـــن باشد.

در جریان‌مبارزات بغرنـــج و دشواری‌که‌طی قریب به ۳سال و در برخورد به‌مسائل مختلف میان نیروــ های‌مختلف‌گذشته‌است، این‌واقعیت بارها، چه‌در کشـــور و چه درمنطقه، به‌اثبات‌رسیده‌است‌که‌فقط حرکت‌وعمل در راه‌کسب استقلال، در راه‌آزادی‌ها و حقوق‌مردمی و درراه‌عدالت‌اجتماعی واحقاق‌حقوق غصب‌شده‌مستضعفـــان وزحمتکشان‌شهر و روستا، یگانه ملا ک تشخیص‌دوستان‌واقعی‌انقلاب‌است.

حاکمیت انقلابی، که‌اینک دیگر از وزنهٔ‌سنگین‌انقلابیگری‌کاذب‌واسلام آمریکائی‌بطورعمده‌رهاشده، میتوانـــد سبکبار در خط‌انقلاب، در خط‌امام، درمسیر دست یافتن به‌اهداف‌سه‌گانهٔ انقلاب، حرکت‌کند، به‌شرط‌اینکه در تدوین‌قوانین‌انقلابی‌در برابردوستان نادان ودشمنان دوست‌نمـــا خجول نباشد، دراجرای قوانین‌مصوب‌انقلابی دقیق‌وپیگیرباشد ونیزامری‌که‌فوق ــ العاده‌مهم است ـ ملاک تشخـــــص دوستان واقعی انقلاب را، حرکـــت و عمل درراه‌اهداف سه‌گانه‌انقلاب قرار دهد، نه تفاوت درعقاید مسلکـــی‌و مذهبی‌وسیاسی. بکارگرفتن‌چنین‌ملاکی همهٔ‌نیروهای واقعاانقلابی‌را در جبهه انقلاب‌میآورد، جبههٔ‌انقلاب راتقویت وجبههٔ‌ضدانقلاب را تضعیف‌میکند، پیروزی انقلاب راتسریع وتضمین میکند.

چراغ الله اکبر

هرکجای خانه که تاریـــک بود، علی‌آقا یک پریزو یک لامپ میگذاشت وآنجا را روشن‌میکرد. سیم‌کشـــی و چراغانی جشن‌ها وعروسی بچـــه ها همیشه با‌علی آقا بود. علی آقا بیا، علی آقا برو. علی آقا همه‌جا آما ده بود.

پیش ازآغازمیهمانی میآمـــد و کارها را روبراه‌میکرد و میرفت تا به اداره‌اش برسد. این‌بود که دیرتر از همه‌به‌مهمانی‌میآمد.

مشکل‌گشای‌همه‌بود. کار برایـــش سخت وآسان‌نداشت. هنگام‌کارخواب وخوراک‌نمی‌فهمید. آخر ســـر هم، خاموش، فروتنانه، درحالیکه‌سرش‌میان شانه‌های ستبرش فرورفته‌بود، به‌کناری میخزید وآبی، شربتی را که‌همه در رساندنش به‌او سبقت‌میگرفتند، می ــ گرفت و بی‌اعتنا‌بکاری‌که‌کرده‌و شرمنده ازمحبتی که‌به‌او ابراز میشـــد، پا ی صحبت دیگران‌می‌نشست.

از صبح‌تا شب کارمیکرد، و این کار بود که به قامت او شکل و شمایل انسانی داده‌بود. زن‌گرفت، بچه‌دار شد. رتبه‌اش در اداره‌بالاتر رفت، یا بهتراست بگویم مشغله‌اش‌رازیادترکردند ولی‌همان‌بودکه‌بود: مهربان‌وخد متگزار.

بچه‌هایش‌گلهائی‌بودند که زیـــر شاخ و برگ این چنار رشد کردند ومی بایست‌عطر وآتش‌آنرا نیزباخودمی‌ــ داشتند.

درخانه‌اش باز بود، که‌زحمت ــ کشان‌چیزی ندارند که از آن دیگرا ن ندانند. نان‌وآبش با دوستان تقسیـــم میشد. ازطرفی، آن حسن خلق و ایـــن همه‌کار، نعمت‌وبرکـــت را در حدود معقولش بخانه‌سرازیر میکرد. علاوه بر این‌همه‌اندیشه‌های درست نیرودهنده هم دراین‌خانه پاقرص کرده‌بودند؛ نه حالا، از سالیان پیش. همسرش نیز پا بپای او میدوید، کار میکرد، بچه ها را می‌پروراند ودوخت و دوز و شست وشو ورفت وروب و کار درس ومشق بچه ها را راه‌میانداخت.

و اما علی‌آقا جز این نمیشد که باشد: درست و مردمی. خان‌ومانش، جانش، بستر آرزوهـــا و حسرت های خلق‌اله‌بود.

یکی از بچه‌ها گیرمیافتاد، گیر ساواک، تا‌تکان‌میخوردی، علـــی آقا خانه‌اش را ازهمهٔ آنچه نباید دیـــده شود، خالی‌میکرد. به‌خانواده آبرو ــ مندی باید کمک‌میشد، پیشقدم او بود که‌در جمع‌آوری ضروریات عمل‌میکرد. مصیبتی پیش‌میآمد، دوستی از دست‌ــ رفته‌بود، انجام‌کارها وبرگزاری‌مراســـم بااو بود. درهمین هفده شهریور کـــی زخمی‌ها را میرساند؟ کی‌خون‌میگرفت؟ کی‌خون‌میداد؟ کی‌شهدای گمنام را علامت‌گذاری‌میکرد؟ کی کاردرد ناک رساندن‌پیغام به‌درخانه‌ها را به کسان شهدا انجام‌میداد؟ همیشه علی‌آقا، درکنار علی‌آقاهای‌دیگر.

بله‌بچه‌هاتوی‌این‌دامن، تودست وبال این‌آدم ویا بپای این‌مرد، این پهلوان‌بزرگ‌شده‌بودند.

میخواستند به‌مدرسه بروند و درس‌بخوانند، کتاب‌و دفتر و قلم لازم داشتند. علی آقا میدوید وکارمیکرد و میداد. بزرگترمیشدند، آبرومندبودند وتوی‌سروهمسرمیخواستند دست تـــوی جیب‌کنند. بیشتر میدوید، بیشتر کار میکرد، بهره‌دری‌میزد، تابچه‌هایش به آنچه‌بایدوشاید برسند، حتی به‌آنچـــه خودش به‌سبب کمبودها نرسیده‌بود، به‌دانش‌به‌دانشگاه‌و از آن‌بالاتر، به آرامشی به‌استراحتی، که خودهمواره‌از آن‌محروم بود.

آن‌وضع بهم‌ریخت‌وهمه‌این‌دردــ مندان‌ازجابرخاستند. دیگر دور دور علی‌آقاها شده‌بود. اوهم نقدینه‌اش را درمیان‌گذاشت، همهٔ‌خانواده‌ا!

مگر همسرش جوانان را ازچنـــگ سربازان‌و پلیس‌درنیاورده‌بود؟ مگر در خانه‌اش به‌دانشجویان‌علم‌وصنعت‌پناه نداده‌بود؟ مگر دخترش‌آب به‌محروحان وتشنگان‌نرسانده‌بود؟ علی‌آقاپسرانش مگرکجا بودند؟ پشت پادگان‌هـــا، دم زندان، وبعد؟ در نگهبانـــی، در پاسداری. بله، خانواده چون‌قطره‌ا ی درشت‌به دریا پیوسته‌بود.

امام می‌آمدوعلی آقا باید خانهٔ امام را درخیابان‌ایران‌سیم‌کشی‌میکرد، چراغانی‌میکرد وبرای‌همه پاس‌میداد. برای‌پرس و جو و اطمینان بیشتر از حفاظت خانهٔ‌امام و پرسیدن‌حال به سراغش‌رفتم. کامران‌پسرش، پس از سه شب بیخوابی به‌خانه‌آمده بود، تالباس عوض‌کند: شگفتا اجوانی علی‌آقا، امید علی‌آقا، بالنده وبرومند، اما وخسته. بزوراو راخواباندیم. درخواب‌هم‌تبسم زیبای امید از لبانش‌میترا وید.

چه‌شد که‌دیگر علی‌آقاراندیدم؟ نمیدانم. اما هرکجا میرفتم و هر طرف سرمیچرخاندم، در خیابان، درمیتینگ درراه‌پیمائی، در سخنرانی‌ها، همـــه جاکامران‌بود. علی‌آقا در سایه‌ها می‌ــ دوید. ولی‌کامران روی‌صحنه‌بود. آنجا که‌چشم‌ها و چراغ‌هامیدرخشید، کامران میدوید، کامران حفاظت‌میکرد، کامران به‌همه‌چیز میرسید وکامران‌درهمه حال میخندید. هفته‌ای نمیشد که سری‌به ما نزند، و هر بار هدیهٔ ویژه ای با خود داشت: پوکه فشنگ، تسمه‌مسلسل... وچه‌حرف‌ها وصحبت‌ها ازسنگرها‌وشب‌ــ های‌نگهبانی! و اواخر، رفته رفته گپ و گفتگواز این‌اشیاء وآلات به کتـــاب و سیاست و فلسفه و حتی شعر میرسید.

موج‌های بلند انقلاب روی‌موج‌ــ های‌پیشین‌میریخت و هر واقعه‌ای روی واقعهٔ‌قبلی رامی‌پوشاند، واینهمه‌سبب اشتغالات‌فکری وحسمی‌میشد، این همه، همـــه را سرگرم و درگیر میکرد و فاصله میانداخت، اگرچه‌پیوندهـــای نهانی رامستحکمتر میکرد. انتخابات انتخابات، تعییـــر کابینه‌ورئیس‌جمهوری، وجنگ وجنگ‌وبمب‌اندازی‌وترورو‌غیره‌وغیره. و ماهمدیگررانمی‌دیدیم ونمی‌دانستیم که همدیگر رانمی‌بینیم.

تادیروز که‌خبر آوردند، علی‌آقا کامران رابه‌جبهه فرستاده‌بود، وکامران پس ازدلاوری‌های‌بسیار، در "تپه‌الله‌اکبر" به‌شهادت‌رسیده‌بود. کامران برفرازتپه "الله‌اکبر" چراغ علی‌آقا را روشن‌نگا ه داشته‌بود.

وباز علی‌آقابه‌میدان‌آمد. وظیفه فرمان‌میداد‌که‌علی‌آقا‌باید‌غمش راکنار بگذارد وبه‌غمگساری بپردازد. علی‌آقا بایدهمسرش را تسلی‌بدهد، بچه‌ها را به‌شکیبائی‌بنشاند، وپیش‌ازاینها، باید به‌بهشت‌زهرابرسد، به‌کار ختم‌ومسجدو مراسم‌ترحیم‌برسد، خانه‌راآماده‌دیدار دوستان‌وآشنایان‌کندو بسیاری‌کارها ی دیگر، زیرا که‌همه‌جا، همهٔ‌چشم‌ها به‌او است، وازهمه‌بالاتر، بایدجای‌کامران‌را هم‌خودش‌پرکند.

وقتی کامران رابه‌یـــاد آوردم، وقتی علی‌آقارا باردیگر دیدم، مطمئن ترشدم‌که‌علی‌آقاهاو کامـــران‌ها چرا غ خانهٔ‌مارا، خانهٔ‌بزرگ‌مارا، که ایرا ن نام‌دارد، همیشه روشن‌نگاه خواهنـــد داشت.

نامهٔ رسیده:

دسیسه‌های صهیونیسم ـ امپریالیسم نخواهد توانست قلم‌های متعهد را رودرروی انقلاب قراردهد

تمام‌قلم‌ها ومسلسل‌هایتا ن را به سوی آمریکا نشانه‌بگیرید.
"امام‌خمینی"

قابل‌توجه‌مسئولین جمهوری‌اسلامی‌ایران
و
مردم‌قهرمان ایران

بدنبال‌سخن پراکنی‌های گهگاهی رادیوهای‌بیگانه‌دربارهٔ این‌جانـــب محمود دولت‌آبادی و تکذیب آن اراجیف از طرف این‌قلم (به‌تاریخ دوشنبه یکم‌تیرماه ۱۳۶۰ برابر ۱۹ شعبان در روزنامهٔ‌اطلاعات) باردیگـــر از افواه شنیده‌می‌شود، که رادیو آمریکا پاره داستانی از این نویسنده را که در رژیم طاغوت نوشته شده‌بوده‌است به قصد خاصی نقل کرده وتفسیرکی هم بر آن افزوده‌است. باردیگر و برای همیشه به تاکید اعلام می‌کنم: آنچه ازآثار این نویسنده که به زبان‌امپریالیسم جهانی بیان شود، فاقد اعتبار می‌باشد، و بدیهی‌است که اگر به عنوان نویسنده ازحقوق بین‌المللی برخوردارمی‌بودم علیه‌تمام صداهای خصمانه و کینه‌توزانه اما دلسوزانهٔ (!) گرگهای درلباس میش که بدون مجوز پاره‌هایی از آثار من را ـ شفاهی‌یا کتبی ـ نقل‌میکنند، اعلام‌جرم‌می‌کردم، والبته این‌حق از نظر من‌هم چنان به قوت خود باقـــی است. نیز بیفزایم که دسیسه‌های امپریالیسم ـ صهیونیسم نخواهدتوانست قلم‌های متعهد را که به طرف خودش نشانه رفته‌اند، رو در روی انقـــلاب قرار بدهد. چرا که این قلم‌ها تعلق به‌آب و خاک ایران و تعلق به مـــردم ایران دارند.

نابودبادامپریالیسم‌جهانی به‌سردمداری‌آمریکا
گسسته‌وبرملاباد دسیسه‌های‌امپریالیسم ـ صهیونیسم
محمود دولت‌آبادی
۱۳۶۰/۱۰/۱۳

خوانندگان محترم و نمایندگیهای فروش هفته‌نامه «اتحاد مردم»

کمک‌های خوانـــندگان عزیز و پرداخت مرتب و به موقـــع بهای این‌نشریه‌درشهرستانها، به رفـــع مشکلات مالی این هفتـــه‌نامه‌یاری می‌رساند. لذا خواهشمنـــد است وجوه بدهی وکمک‌های نقـــدی رااز طریق شعب بانک‌ها، به حســـاب **شماره ۱۵۸۴ بانک ملی‌ایران شعبهٔ آریاشهـــر تهران، به نام محمود اعتمادزاده** حواله‌وفتوکپی رسیدآن رابه‌آدرس صندوق پستی‌ما ارســـال فرمایند.

باتشکرفراوان‌ازهمکاری‌شما

اگر دقیقاً به وظیفهٔ مبارزه با آمریکای جنایتکار ادامه دهیم
فرزندانمان شهد پیروزی را خواهند چشید
امام خمینی

درباره لایحه...

بقیه از صفحه ۱

برای خرید و صدور کالا، مواد و خدمات بازرگانی مراکزی بنام **"مراکزخرید"** و **"مراکزصدور"** به‌شکل شرکت سهامی، که کلیه سهام آن متعلق به دولت و وابسته به وزارت بازرگانی است، تشکیل شوند.

تشکیل مراکز دولتی خرید و صدور کالا، آن اقدام لازم و مفید و بجائی است که منطقا می‌بایست بلافاصله پس از پیروزی انقلاب برای مقابله با پایگاه ـ های اقتصادی امپریالیسم در بخش بازرگانی خارجی انجام می‌شد که متاسفانه به علل گوناگون، و از جمله سلطه لیبرالها، تا به امروز به تاخیر افتاده است.

تشکیل این مراکز دولتی، بشرط آنکه دولت خود تعیین کننده نیاز بازار داخلی و واردکننده کالا و خدمات و صادرکننده کالا برحسب امکانات تولیدی ما باشند، می‌توانند دست بازرگانان وابسته را از عرصه بازرگانی خارجی کشور قطع کند و در ساختار بازار مصرف، اقلام کالاهای وارداتی و کیفیت آن و بهبود صادرات کشور دگرگونی های اساسی بسود اقتصاد مستقل و ملی ما پدید آورد، بازار مصرف را از هزار ـ ها قلم کالای بنجل و تکراری و وسوسه‌گر بسود تولید داخلی تهی سازد و زمینه بهبود و تنوع کالاهای صادراتی را آماده کند.

مهلت چهارساله چرا؟

متاسفانه یکی از نقائص بزرگ این لایحه تعیین یک مهلت چهار ساله برای مراکز دولتی خرید و صدور کالا و خدمات است تا این مراکز بتوانند به تدریج خرید کلیه مقادیر کالای وارداتی و صادراتی را خود برعهده گیرند. البته نمی‌توان توقع داشت که بازرگانی خارجی کشور، یکشبه دولتی شود، ولی می‌توان انتظار داشت که این امر مهم، که با استقلال کشور و زندگی میلیون‌ها مصرف‌کننده سروکار دارد، **درکوتاه ـ ترین زمان ممکن** در دست دولت قرار گیرد.

نزدیک به دوسال پیش، زمانی که لایحه تاسیس **"مراکز تهیه و توزیع کالا"** به‌مرحله اجرا درآمد، از طرف مسئولان وقت ادعا می‌شد که دولتی کردن بازرگانی خارجی به‌یک زمان چهار ساله نیازمند است. اکنون دو سال از آن تاریخ میگذرد و باز یک **"مهلت چهار ساله"** دیگر برای دولتی کردن بازرگانی خارجی در نظر گرفته شده است، که اگر فرصت های قانونی برای تدوین آئین ـ نامه‌ها و اساسنامه‌ها را نیز بر آن بیفزائیم، پنجسال مهلت در نظر گرفته شده، تا این مراکز بتوانند تمام مسئولیت‌های ناشی از دولتی کردن بازرگانی خارجی را برعهده گیرند. تا پایان این مدت خرید و صدور کالا توسط "سایرین" انجام خواهد شد. این "سایرین" چه‌کسانی هستند؟ همان بازرگانان بزرگ وابسته‌ای که جز غارت مردم و خرابکاری در اقتصاد کشور وظیفه‌ای برای خود نمی‌شناسند.

امکان ادامه قانونی حیات این طفیلی های جامعه، که بمثابه کارگردانان امپریالیسم درصدد نابودی اقتصاد کشور ماهستند، بمدت پنجسال، در واقع خنثی کردن تمامی تدابیر دولت درامر مبارزه با گرانی و کمبود، ادامه غارتگری کلان سرمایه‌داران وجلوگیری از ایجاد جامعه مصرف متعادل است. بنا براین چه لزومی دارد که ما به سرمایه داری وابسته در بخش بازرگانی امکان دهیم که تا پنجسال دیگر به‌چپاول و غارتگری خود ادامه دهد؟ آیا می‌توان این مهلت را به نصف تقلیل داد و مثلا طی دو تا دو سال و نیم کوشید، باتوسل به اقدامات انقلابی و پرهیز از بوروکراسی که متاسفانه سراسر لایحه‌را در تاروپود قالب های تشریفاتی و زائد غرق کرده است، این مراکز دولتی را آنچنان مجهز ساخت که طی کوتاه‌ترین زمان قادر به انجام تمامی وظائف خویش باشند؟ بنظر ما می‌توان و باید دراین راه گام برداشت.

شرکت سهامی برای چه؟ کدام قانون تجارت؟

ایراد دیگری که بر این لایحه وارد است، تشکیل مراکز و شرکتهای دولتی خرید و صدور و خدمات در قالب **شرکت ـ های سهامی** است. چرا شرکت سهامی؟ باتوجه به‌آن که تمام سهام این مراکز و شرکتها متعلق به‌دولت است، این مراکز و شرکتها در واقع موسساتی هستند دولتی و انتفاعی و دلیل ندارد که بصورت شرکت سهامی اداره شوند و بوروکراسی حاکم بر این شرکتها، عملکرد آنانرا دچار پیچ وخم‌های زائد و بیجا کند. تبصره ۲ ماده ۳ و تبصره ۲ ماده ۱۶ لایحه این مراکز و شرکت ها را از شمول قوانین و مقررات مربوط به وزارتخانه و شرکتها و موسسات دولتی مستثنی کرده و تابع قانون تجارت قرار داده است. کدام قانون تجارت؟ قانون تجارتی که در زمان طاغوت بمعنای تشکیل و فعالیت شرکت‌های بازرگانی خصوصی وابسته بود و حتی سطری از آن درخدمت مردم و استقلال کشور نبوده است؟

اساسا بوروکراسی غلیظی که بر سراسر لایحه جاری است، این نگرانی را قوت می‌بخشد که اجرای دولتی کردن بازرگانی خارجی دچار مشکلات عدیده گردد و سرانجام به‌شکست کشانده شود. مثلا بموجب لایحه، مراکز خرید و صدور از یکدیگر جدا هستند و هر یک بودجه و پرسنل و سازمان مخصوص به خود را دارند، درحالیکه می‌شود صادرات و واردات **یک‌گروه** از کالاها، و بطور مثال کالاهای کشاورزی، را بر عهده یک مرکز گذارد و بدینسان از هزینه‌های زائد و پیچ وخم های اداری و تشریفاتی پرهیز کرد، ویا مثلا برای هر قلم کالای وارداتی وحداکثر برای صدقلم، **سه‌مرکزخرید** ایجاد خواهد شد.

تدوین‌کنندگان لایحه علت آنرا **"ایجاد رقابت بین دستگاه‌های دولتی خریدار و مراکز مختلفه خرید بایکدیگر در بازار ـ های بین‌المللی"** ذکرکرده‌اند، علتی که به‌هیچ‌رو قانع کننده نیست. وقتی کل بازرگانی خارجی دولتی است و مراکز خرید کالا، خود دولتی هستند، ایجاد رقابت بین این مراکز در بازارهای بین‌المللی به‌چه‌معنا‌ست؟

مصالح کشور به مراکز خرید دولتی حکم می‌کند که با درنظرگرفتن صرفه و صلاح کشور کالای موردنیاز بازار داخلی را، از هرکشوری که باکیفیت مناسب‌تر و بهائی ارزان‌تر و بدون هیچ قید و بند سیاسی بما می‌فروشد، خریداری کنند. این اصل مسلم بازرگانی دولتی است که خودبخود مسئله رقابت موسسات دولتی را با یکدیگر در بازارهای بین‌المللی منتفی می‌کند. وجود سه مرکز خرید برای هرقلم کالا، که تعداد آن به صدخواهد رسید، یعنی ایجاد ۳۰۰ مرکز زائد برنیاز واقعی و تقبل هزینه های هنگفت اضافی. علاوه براین، اصولا چه نیازی است که واردات هرقلم کالا به یک مرکز سپرده شود؟ بهتر نیست که هر مرکز عهده‌دار واردات و صادرات یک **گروه** از کالاها باشد، تا از هزینه های زائد و پرسنل وسیع پرهیز شود؟

دولت نباید به مثابه بازوی بخش خصوصی عمل کند

ماده ۸ لایحه و تبصره‌های آن بر اولویت واردات کالا برحسب سفارش ـ دهندگان و نوع و ارزش کالا تکیه نموده و در مورد اول اولویت را به کالاهائی داده است که **"توسط بخش خصوصی از خارج ازکشور خریداری می شود"** وسپس بخش تعاونی بر بخش دولتی حق تقدم دارد.

این ماده از لایحه این سوءظن را بر ـ می انگیزد که مراکز دولتی مانند **"مراکز تهیه وتوزیع کالا"** به‌نمایندگی دولت کالا واردنمی‌کنند، بلکه در درجه اول به‌نمایندگی از بخش خصوصی عهده ـ دار واردات کالا می‌شوند، که با دولتی کردن بازرگانی خارجی، یعنی حذف بخش خصوصی وابسته مباینت دارد. بویژه‌که از میان گروه کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای، اولویت به‌واردات کالاهای مصرفی داده‌شده است. این تصریح نشان می‌دهد که بخش خصوصی کماکان سفارش دهنده و واردکننده کالاهای مصرفی است، منتهی تصدی امرخرید برعهده دولت است، که بمثابه بازوی بخش خصوصی وکنترل‌کننده آن عمل می‌کند. واین برخلاف قانون اساسی است که بردولتی بودن بازرگانی خارجی صراحت دارد.

بازرگانی دولتی بمعنای آن است که، تعیین‌کننده نیاز بازار داخلی، سفارش‌دهنده کالا، واردکننده و توزیع ـ کننده عمده آن دولت باشد. اگرقرار باشد بخش خصوصی خود درباره نیاز بازار تصمیم بگیرد و بعد به دولت سفارش دهد که آن کالا را برای او و تحت شرایطی وارد کند، بویژه با توجه به تاکیدات مکرر آقای عسکراولادی وزیر بازرگانی، که توزیع باید در دست بخش خصوصی باشد. این دیگر به معنای **دولتی‌کردن بازرگانی خارجی** نیست، بلکه ادامه‌کار همان **"مراکز تهیه و توزیع کالا"** به گونه‌ای دیگراست.

شناختن حق اولویت برای واردات کالاهای مصرفی و در درجه سوم قرار دادن واردات کالاهای سرمایه‌ای نیز شاید بتواند بطورموقت و برای یک دوران گذار پذیرفتنی باشد. اما برای کشوری که می‌خواهد هرچه زودتر به استقلال اقتصادی دست‌یابد و کالاهای صنعتی وکشاورزی را خود تولیدکند، هیچ توجیه منطقی ندارد.

برای تنظیم امورمالی وبانکی بازرگانی دولتی باید بانک بازرگانی خارجی تشکیل شود

آن مواد از لایحه، که به وزارت بازرگانی اختیار می‌دهد، تا باهمکاری سیستم بانکی کشور، از اندوخته های پولی مردم در خدمات بازرگانی استفاده‌کند ویا کمک‌های مالی "شرکتها" را به‌یکدیگر از محل سود و اندوخته های خود بلامانع می‌شناسد، به‌هیچ‌وجه قابل‌قبول‌نیست و کارنظارت بر امور مالی شرکتها را دچار اشکال می‌کند.

برای تنظیم امور مالی و بانکی بازرگانی دولتی، بنظر ما باید بانک بازرگانی خارجی تشکیل شود و این بانک عهده‌دار واگذاری وام واعتبار به‌مراکز وشرکتهای دولتی خرید و صدور و خدمات باشد. فعال‌کردن اندوخته ـ های مردم وبکارانداختن آن در عرصه های مولد نیز تنها وتنها وظیفه سیستم بانکی کشور است ونه وزارت بازرگانی. زیراشق دوم هم نظارت دولت را بر امور مالی و بانکی کشور تضعیف خواهدکرد و هم بیم آن می‌رودکه سرو کله بخش خصوصی درقالب مضاربه و غیره در بازرگانی خارجی دولتی وارد شود و عرصه‌های از دست رفته غارتگری خود راتجدید حیات کند.

ماده ۳۷ لایحه مربوط است به تعیین ضوابط، قلمرو، شرایط و مقررات فعالیت بخش خصوصی. از آنجا که اصل ۴۴ قانون اساسی، بازرگانی خارجی را کلا در حیطه عمل بخش دولتی قرارداده، لازمست دراین ماده تصریح شودکه منظور از فعالیت بخش خصوصی، فعالیت آن در **بازرگانی داخلی در کنار بخش های دولتی و تعاونی** است. تا از هرگونه سوءتفاهمی در این زمینه، که گویا سه بخش دولتی و تعاونی و خصوصی اقتصاد باید فقط در بازرگانی خارجی پیاده شود، جلوگیری بعمل آید.

انتظار می‌رودکه با پیراستن لایحه دولتی‌کردن بازرگانی خارجی از زوائد و نقائص، سرانجام درآستانه سومین سالگرد انقلاب اسلامی ایران این اصل مهم قانون اساسی، که گام بلندی درراه تامین استقلال کشور وحذف یکی از پایگاه‌های اقتصادی امپریالیسم و ایجاد زمینه برای شکوفائی اقتصاد کشور است، به‌اجرا درآید.

یاداشتی برنمایشگاه طراحی* نیلوفرقادری‌نژاد* در شورای نویسندگان و هنرمندان ایران

بادستهایم جهانی را دگرگون خواهم ساخت...

درمحل "شورای نویسندگان و هنرمندان ایران"، طراحی‌ها و دو تابلوی رنگ وروغن **"نیلوفرقادری‌نژاد"** به‌نمایش درآمده‌است. دراین نمایشگاه، که به‌سه‌بخش تقسیم شده، بر اساس داستانی از شیلی وآنچه‌که در جریان انقلاب و ملهم از آن طراحی شده، کارهای پرشمار و ارزنده‌ای به‌نمایش درآمده، که هم ازنظر کیفیت وهم ازنظر کمیت درخور تامل است.

کارنامه هنری **"قادری‌نژاد"** "کم‌ـ برگ" است، ولی همین برگهای اندک او راهنرمندی متعهد و پیشرو معرفی میکند نمایشگاه انفرادی او در زمان طاغوت، که طراحی‌های محکم وزیبائی اززندگی زحمتکشان وواقعیات دردناک در گذر، درجامعه طاغوت‌زده آن دوران بود، اوراهنرمندی متفاوت از دیگر "هنر ـ مندان "گوشه‌فرمان" دفتر هنری شهبانوفرح" به‌جامعه شناساند، که‌اگر طرحی هم میزدند، بیشتر براساس ذهنیت مهجور و ملول خود بود.

در هرحال، طرح‌هایی که‌دراین نمایشگاه به‌تبیین لحظه‌های انقلاب پرداخته، پیش از هرچیز نمایانگر حساسیت‌فوق‌العاده **"قادری‌نژاد"** نسبت به‌رخدادهای انقلاب است. دراین‌کارها اوباشناخت‌دقیق از خط وسایه روش‌ـ هاو بکارگیری مناسب آنها در طراحی یکبار دیگر ثابت می‌کند که هنرمندی‌است که‌تنها به نیت ستایش از نیروی عظیم مردم قلم بدست می‌گیرد وطراحی میکند مردمی که رنج را از زیر پلک‌های بسته‌وفرو ـ افتاده‌خود میکشند، مردمی که درد را در خط‌های عمودی میان ابروانشان محاصره میکنند، مردمی که محرومیت وفقر را در گودال فرو رفته گونه‌هایشان دفن کرده‌اند! ولی این همه آن چیزی نیست که **"قادری‌نژاد"** به‌نیت تجسمش به‌طراحی نشسته. عصیان نیروی پویای مبارزه، قدرت درهم کوبنده، ستیز علیه هرآنچه‌که آن رنج، آن درد وآن فقر و محرومیت رادرباغ زندگی چنین مردمی کاشته، شاه‌بیتی است که **"قادری نژاد"** باریتم همخوان باخصلت مضمون کار، به‌تصویر آن همت گماشته...

اغلب کارهای "قادری‌نژاد" با زاویه دیدی مسلط بر عناصر محتوای اثر، طراحی شده‌است. این زاویه دید، به‌او یاری میرساند تا دستها وچهره‌های کارهایش را بزرگتر ازحد معمول باز آفرینی کند. این چهره هاباخطوط محکم ورسا به‌ما میگویند: آری! این منم که از خاکستر گذشته سراپا زجر و بندگی ومشقت سر برون آورده‌ام، ولی به‌دستهایم بنگرید! جهانی را دگرگون خواهم ساخت وآنرا از نو و دوباره، آنگونه‌که خود میخواهم برپا خواهم کرد... با همین دستها!

برای **"نیلوفرقادری‌نژاد"** "آینده‌ـ ای درخشانتر وبرای "شورای نویسندگان وهنرمندان ایران" امکاناتی بهتر، به ویژه درجهت معرفی هرچه‌بیشتر هنرـ مندان متعهد و پیشروی میهنمان، که هم سوی با انقلاب گام برمیدارند، آرزو میکنیم.

آمریکا ایران را...

بقیه از صفحه ۱

یادآوری کنیم که موافقتنامه آزادی گروگانهای آمریکایی، که‌در اوایل سال ۱۹۸۱ میان آمریکا و ایران امضا شده بود، شامل وعده آمریکا در مورد عدم مداخله در امور ایران درآینده است. ولی سالی که از آن زمان‌گذشته، نشان داد که این وعده جز فریب و اغفال بمنظور استتار تدارکات میلیتاریستی آمریکا درمنطقه خلیج فارس چیز دیگری نبود. این مداخله حتی برای یک روز هم قطع نشده‌بود و بابکار بردن شیوه‌های گوناگون عملی میشد. واشنگتن فقط دراین آرزوست که به‌ایران برگردد و مواضع از دست رفته خود را احیاء کند و باردیگر اراضی این کشور را به‌پایگاه مقدم پنتاگون درمنطقه خلیج فارس مبدل سازد.

هیگ هدفی راکه واشنگتن درراه نیل به‌آن کوشش می‌کند، چنین توصیف کرد:

"ماسعی می‌کنیم سیاستی رااجرا کنیم که به برقراری رژیم معتدل در ایران منجرشود، رژیمی‌که بامنافع و ارزشهای آمریکا مطابقت داشته‌باشد."

هفته‌نامه **عصرحدید** می‌نویسد:

"این‌قبیل اظهارات زمامداران آمریکا توام باحملات روانی شدید مطبوعات به‌جمهوری اسلامی ایران است، که‌آنرا رژیم متعصب مذهبی می‌نامد. مطبوعات آمریکا در توسل به نسبت‌های ناسزا حیا نمی‌کنند وآشکارا دعوت‌های تروریستی بعمل می‌آورند. مثلا عنوان مقاله منتشر در روزنامه "بوستون‌کلاب" ازاین‌نقطه نظر جالب توجه است. دراین مقاله، که‌زیرعنوان **"وقتی صفیرگلوله‌ها در ایران به گوش میرسد، چشمهای آمریکا به‌خمینی دوخته شده"** آمده‌است:

"آمریکا بنای‌حساب خودرا روی گلوله‌ای گذاشته، که‌به کمک آن تمام سمتگیری ایران ممکن‌است فورا تغییر بکند".

چنین‌است قانون جنگل امپریا ـ لیستی، که‌کشوری که‌مدعی مسئولیت در امور بین‌المللی است، از آن پیروی می‌کند. ضمن‌کوشش برای نیل به این هدف‌ها، آمریکا حاضر است سیلی از اتهامات باورنکردنی بسرایران جاری کند. ازجمله ۱۶ دسامبر در روزنامه "واشنگتن‌پست" خبر حیرت‌انگیزی چاپ شده دایر براین‌که‌گویا تروریست ـ های ایرانی ریگان را حلوی مگسک گرفته‌اند. گذشته از آن، این روزنامه با استناد به حقایق غیرمستقیم، که مفسر آمریکائی **آندرسون** جمع آوری کرده، مدعی شدکه، گرچه این ادعا ممکن‌است باورنکردنی بنظر برسد مقدمات سوءقصد بجان رئیس‌جمهوری، که‌سی‌ام مارس سال‌گذشته انجام گرفت، ازسوی ایرانی‌ها تدارک دیده شده‌بود.

مطبوعات برخی‌ازکشورهای خاور ـ نزدیک با این کشفیات هماوا شده، دراواسط دسامبر اخباری درباره توطئه ایران بمنظور نابودی اعضای دولت ـ های بعضی کشورهای واقع در منطقه خلیج فارس انتشار دادند. شک‌نیست که‌منظور از تمام این ادعاها تلاش برای توصیف سیاست خارجی تهران بعنوان سیاست خدعه‌آمیز و رسوا کردن تهران درپهنه بین‌المللی است. این عملیات ممکن‌بود در درجه اول بسود واشنگتن تمام شود، که به انواع وسایل می‌کوشد ثبات رژیم اسلامی ایران را به رهبری آیت‌اله خمینی برهم بزند وآن را سرنگون سازد.

چندی پیش درایران مجموعه اسناد و عکس‌های بسیار گویا چاپ شد که به تجاوز مسلحانه نافرجام آمریکا به‌خاک ایران درآوریل ۱۹۸۰ اختصاص یافتند. در آن زمان این ماجراجوئی نظامی، که درجریان آن گروه چتر ـ بازان در دشت کویر فرودآمده بودند به عنوان تلاشی جهت آزاد کردن گروگانهای آمریکایی اعلام شده‌بود، در حالیکه این عملیات هدف اساسی تر داشت. آمریکا می‌خواست از این راه کودتا در تهران انجام دهد.

بقیه در صفحه ۹

جمهوری غنا

به‌کجامیرود؟


دکترقوام نکرومه ،پایـــه گذا رجمهوری‌غنا .

* غنا نخستین کشورآفریقای سیاه بود ،که ازبنداستعماربریتانیا رهایی یافت .
* "چنانچه حکمرانان از مقام خود برای پیشبرد منافع خویش بهره‌جویند ،با مقاومت روبرو میشوند و مقام آنها ازایشان گرفته خواهد شد"
جری‌رائولینگز– ۲مهر ۱۳۵۸

روزپنجشنبه۱۰دی ۱۳۶۰ (۳۱دسامبر ۱۹۸۱) ستوان‌خلبان " جری رائولینگز " برای‌دومین‌بارکودتای‌نظامی‌را علیه دولت‌غنا رهبری‌کرد که به سرنگونی‌رژیم "هیلالیمان "انجامید .
"جری‌رائولینگز " درنخستین پیام‌رادیویی‌خود پس‌ازکودتا ، در روزشنبه ۱۲دی۱۳۶۰ (۲ژانویه۱۹۸۲) اعلام‌داشت‌که، "شورای‌موقت‌دفاع‌ملی" زمام امور را به دست‌گرفته ،پارلمان‌غنا رامنحل‌کرده ،احزاب‌سیاسی‌راممنوع‌ساخته وقانون‌اساسی‌را به‌تعلیق‌درآورده‌است .
"رائولینگز" رژیم "لیمان"رایکی‌ازننگ‌آورترین‌حکومت‌های‌غنا "خواند . به‌گفته‌ٔ وی :
"مردم غنا‌ازهمهٔ حقوق بشری‌وبنیادی‌خود ، به‌ویژه‌ازحق‌بهره‌گیری از محصول‌کارخویش‌محروم شده‌اند . . . دمکراسی‌تنها تضمین‌آزادیهای‌مجرد بر روی‌کاغذ نیست ، بلکه دردرجهٔ نخست به‌معنای تامین‌خوراک ، پوشاک‌و مسکن است ، که‌بدون‌آنها زندگی مفهوم خود راازدست‌می‌دهد . . . وقت آن فرا رسیده ، که‌جامعهٔ غنادگرگون و . بدین‌سان ، به‌دمکراسی معنای‌راستین‌آن‌باز – گردانده‌شود . "

نام‌رسمی

"جمهوری غنا " Republic of Ghana

سرزمین‌وسکنه

وسعت : ۲۳۸۵۳۸ کیلومترمربع ،
جمعیت : ۱۰/۰۹ میلیون نفر= ۴۲ نفر درهرکیلومترمربع (۱۳۵۷) ،
پایتخت : آکرا (۱میلیون نفر) ،
زبان رسمی : انگلیسی (علاوه براین به بیش از ۷۵ زبان ولهجهٔ محلی سخن گفته می‌شود) ،
پول : سدی (c)= ۱۰۰ پسوا ، ۱سدی = ۱۵ سنت ایالات متحدهٔ آمریکا .
تقسیم‌اداری : آشانتی ، برونگ– آهافو ، استان مرکزی ، استان‌خاوری ، آکرای بزرگ ، استان شمالی ، استان علیا ، ولتا و استان باختری .
مهم‌ترین شهرها : کوماسی ، سکوندی – تاکوزادی ، کیپ کست ، تاماله ، بولگاتانگا و کوفوریدوا (همهٔ این شهرها بیش از۱۰۰۰۰۰نفرجمعیت دارند) .
ترکیب جمعیت : سکنهٔ غنا بیش از ۱۰۰ گروه قومی را دربرمی‌گیرد . مهم‌ترین آنهاعبارتنداز : آکان‌ها (آشانتی ، فانته و برونگ) ، که ۴۴ درصد سکنه را دربرمی‌گیرند ، موسی– ها (۱۶ درصد) ، اوه‌ها (۱۳درصد) و گاها . فزون براین ، ۱۶۰۰۰عرب و اروپایی درغنا زندگی می‌کنند .
مذهب مسیحی (۴۳ درصد) ، پیروان مذاهب طبیعی (۴۰ درصد)ومسلمان (۱۲ درصد– بویژه درشمال کشور) .

اقتصاد

اوضاع عمومی : غناکشوری است کشاورزی و دارای منابع غنی مادهٔ خام و صنایع تبدیلی نسبتا رشد یافته . اقتصاد این کشور دردوران استعماری تک فرآورده‌ای (کاکائو) و صنایع استخراجی آن نیز از اهمیت ویژه برخوردار بود .
غنا بیست وچهارسال پیش (۱۹۵۷) به استقلال دست‌یافت و به رهبری "قوام نکرومه" راه‌رشد غیرسرمایه‌داری راپیش گرفت . پس از سرنگونی "نکرومه" (۱۹۶۶) دولت های نظامی و بویژه دولت "بوسیا" غنا را بیش ازپیش وابسته به کشور– های امپریالیستی کردند .
درغنا انحصارات بیگانه (بریتانیا، جمهوری فدرال آلمان‌وایالات‌متحده آمریکا) ازنفوذ گسترده برخوردارند . ازسوی دیگر ، درسالهای گذشته گامهایی چند در راه تحدید نفوذ آنها برداشته شد . درآمد سرانهٔ غنایی‌ها درحدود ۳۸۰ دلار درسال است . ازجمله منابع زیرزمینی غنا میتوان ازالماس، طلا ، بوکسیت و منگز نام برد .
صنعت . صنعت غنا ۱۳ درصد فرآوردهٔ ناویژهٔ احتماعی راتامین می‌کند و ده‌درصد سکنه فعال درآن


جری‌رائولینگز ، رهبرکودتای ۱۰ دی ۱۳۶۰

اشتغال دارند . مهم‌ترین‌رشته‌صنعتی غنا معادن است ، که سهم آن در صادرات کشور درحدود ۲۰درصداست. درحدود ۵۰ درصد صنایع استخراجی دردست دولت‌است .
بزرگترین پروژهٔ صنعتی غنا تاکنون سد رودخانهٔ ولتا بوده‌است ، که‌حتی به کشورهایی چون توگووبنین برق می‌رساند . امامهم‌ترین مصرف کنندهٔ برق سدرودخانهٔ ولتا آلومینیوم سازی "تما" است . صنایع غنا ، فزون بریک فولادسازی و یک پالایشگاه ، کارخانه‌های تولید مواد غذایی ورشته‌های چوب ، نساجی و شیمی را دربرمی‌گیرد . اکنون نیروگاه دیگری درکپونگ (استان خاوری) با هزینهٔ ۲۳۰ میلیون سدی دردست ساختمان است . بخش دولتی اقتصاد درحدود ۱۶ کارخانه را دربرمیگیرد .
دولت غنا تاسیس کارخانه‌های کوچک را برای تبدیل موادخام خانگی تشویق می‌کند . (جدول‌شمارهٔ ۱)

کشاورزی : درکشاورزی غنا درحدود ۶۰ درصد زحمتکشان کارمی‌کنند . تنها ۱۰ درصد زمینهای حاصلخیز غنا زیرکشت‌است .
غنا یکی ازبزرگترین صادرکنندگان کاکائو بشمارمیرود . تولید کاکائو در غنا ، بعلت کهنگی شیوه‌های کشت و کمبود نیروی کار ، درسالهای گذشته کاهش چشمگیر یافته است . دیگر فرآورده‌های صادراتی غناعبارتست از : قهوه . فرآورده‌های نخل و مور و غیره . برای مصرف داخلی برنج ، ذرت ، بادام‌زمینی و انواع سیب زمینی‌های مناطق حاره نیز کشت می‌شود . بارآوری کشاورزی بسیارنازل ومساحت بیشتر کشتزارهای کاکائو تنها درحدود ۲ هکتار است . تولید سرانهٔ خواربار درسالهای۷۷–۱۹۷۱ درحدود ۱۵ درصد کاهش یافت .
(حدول‌شمارهٔ ۲)

دامداری درغنا ، بعلت نامساعد بودن آب و هوا ، دارای اهمیت چندانی نیست . غنا هرساله‌درحدود ۷۰۰۰۰گاو ، ۲۰۰۰۰ گوسفندو۳۲۰۰۰ بز ازکشورهای‌همسایه وارد می‌کند .
درسالهای گذشته ماهیگیری درغنا اهمیت فزاینده‌ای یافته است . جنگل داری غنا نیز دراقتصاد این کشور سهم بزرگی دارد . هرساله درحدود ۲ میلیون مترمکعب چوب دراین کشور بریده و ۱/۶ میلیون مترمکعب آن صادرمی‌شود .
اوضاع مالی : بانک ناشر اسکناس غنا "بانک غنا" (Bank of Ghana)

> *** درآمد سرانهٔ غنایی‌ها درحدود ۳۸۰ دلار درسال است .**
>
> *** غنا یکی از بزرگ‌ترین صادر کنندگان کاکائو درجهان است .**
>
> *** نرخ تورم درغنا به ۲۰۰ درصد رسیده است .**

است . درسال ۱۹۷۹ : ۳/۸ میلیارد سدی درگردش بود (سال ۱۹۷۰ : ۳۰۶ میلیون سدی) . میانگین‌سالانه نرخ تورم از ۶/۷ درصد درسالهای ۷۰– ۱۹۶۰ به بیش از ۷۰ درصد در سالهای ۷۷– ۱۹۷۰ افزایش یافت .
ترازنامهٔ بازرگانی غنا سالهاست که‌منفی است . درسال‌مالی ۱۹۷۷/۷۸ ۱۷۷ میلیون سدی صرف پرداخت اعتبارات شد . درهمین‌سال ذخیرهٔ ارزی غنا برابر با ۲۲۶ میلیون دلار ایالات متحدهٔ آمریکا بود .
غنا درسال مالی ۱۹۷۸/۷۹، ۷۰۰ میلیون سدی کسری بودجه داشت . (درآمد : ۳/۲ میلیارد ، هزینه۳/۹ میلیارد) .
بازرگانی خارجی : بازرگانی خارجی غنا تقریبا دراختیار دولت است . ترازنامهٔ بازرگانی خارجی این کشور بستگی‌زیادی‌به نوسانات قیمت کاکائو ودیگر فرآورده‌های صادراتی آن (چوب ، آلومینیوم ، الماس ، طلا) دربازارهای جهانی دارد . واردات غنا ماشین آلات و تجهیزات ، وسائل نقلیه و موادغذایی را دربرمی‌گیرد . مهمترین شریکان بازرگانی خارجی غنا عبارتنداز : بریتانیا ، ایالات متحدهٔ آمریکا ، حمهوری فدرال آلمان و هلند . (حدول‌شمارهٔ ۳)

آموزش وپرورش وبهداری

غنا دارای آموزش و پرورش ابتدایی‌نسبتا پیشرفته‌ایست . ۷۰ درصد کـــودکـــان این کشور به مدرسه میروند . بااینهمه ۶۰درصد غنایی‌ها بی‌سوادند . درسال۱۹۷۳ درغنا ۱۰۳۹۳ دبستان (با ۱/۴ میلیون دانش آموز دبستانی ودر حدود ۴۸ هزار آموزگار) و ۱۶۸ دبیرستان (درحدود ۶۱۰۰۰ دانش‌– آموز دبیرستانی) وحودداشت . غنا همچنین دارای ۵۱ موسسه‌تربیت‌معلم ۵۰ مدرسهٔ فنی و ۳۲۸ مدرسهٔ حرفه ایست . درسه دانشگاه غنا ("دانشگاه غنا" در لگون ، "دانشگاه علم‌وفن" درکوماسی و "دانشگاه کیپ‌کست") درحدود ۵۱۰۰۰ دانشجوتحصیل می‌کنند .
فزون براین ، درحدود ۲۰۰۰ غنایی درخارج به تحصیل اشتغال دارند . درسال مالی ۱۹۷۷/۷۸ دولت غنا ۴۰ میلیون سدی صرف آموزش وپرورش کرد .
درسال ۱۹۷۶ ، درغنا درازای هر ۱۰۳۱۰ نفر یک پزشگ و برای هر ۶۴۸ نفر یک تختخواب بیمارستان وحودداشت . شمارهٔ بیمارستانها و درمانگاههای غنابرابر۲۶۴است .


هیلالیمان ، رئیس‌جمهورسرنگون شده‌غنا

وضع زحمتکشان

علیـــرغم گام‌های گوناگون دولـــت در راه بهبـود وضـع زحمتکشان (افزایش حداقل دستمزد و قیمت خرید فرآورده‌های کشاورزی و غیره) سطح زندگی مردم غنا همچنان پائین باقی مانده است . علت عمده را باید در تورم‌توانفرسا جستجوکرد . شاخص کالاهای مصرفی درسالهای ۷۸– ۱۹۷۰ به ۱۰۲۳ رسید (۱۰۰= ۱۹۷۰) . (این رقم برای مواد غذایی ۱۳۶۸ بود) . کوچ روستائیان به شهرها بر بیکاری می‌افزاید . انتظار عمر غنایی‌ها ۴۸ سال است .

نگاهی به‌اوضاع وسیاست داخلی و خارجی غنادر سالهای گذشته

هنگامیکه در ۲ مهرماه ۱۳۵۸ (۲۴ سپتامبر ۱۹۷۹) نظامیان پس از انتخابات عمومی زمام امور را بـه "دکتر هیلا لیمان" سپردند ، "جری رائولینگز" صدر "شورای انقلابی نیروهای مسلح" ، هشدارداد :
"چنانچه حکمرانان ازمقام‌خود برای‌پیشبرد منافع خویش بهره‌جویند، با مقاومت روبرو میشوند ومقام آنها از ایشان گرفته خواهد شد" .
اما هرچه بیشتر از ریاست‌جمهوری "هیلا لیمان" می‌گذشت ، ویژگیهای رژیم‌های پیشین ، یعنی رکـود اقتصادی ، فشار برجنبش کارگری ، قاچاق ، گسترش بازارسیاه و فساد ، نمایان‌تر می‌گردید . ازسوی دیگر ، "حزب ملی خلق" روز بروز بیشتر به‌گونه‌ای "نکرومه‌گرایی" مبهـم تظاهر می‌کرد .
برای درک بهتر اوضاع کنونی غنا قدری به عقب بازگردیم :
چنانکه میدانیم ، غنا نخستین کشور آفریقای سیاه بود ، که در ۱۵ اسفند ۱۳۳۵ (۶ مارس ۱۹۵۷) ازبند استعمار بریتانیا رهایی و به‌استقلال سیاسی دست یافت . درپرتوسیاست "بیطرفی فعال" "قوام نکرومه" غنا به یکی ازپشتیبانان عمدهٔ جنبشهای آزادی بخش کشورهای آفریقا بدل شد . غنا درپایه‌گذاری "سازمان وحدت آفریقا" (درسال ۱۹۶۳)نقش بزرگی بازی کرد .

هدفهای اجتماعی «نکرومه»

هدف اجتماعی "قوام نکرومه" آن بود که از راه تشویق دهقانان خرده‌پا وضع مالیاتهای دولتی بر ترابری فرامرزی و پایه‌گذاری صنعت ملی ، از نفوذ سرمایه‌بومی وبین‌المللی بکاهد . در دوران حکومت او خرید و فروش کاکائو بدست دولت افتاد ، تشکیل تعاونی‌های مرکب ازدهقانان خرده‌پا تشویق شد و نخستین مزارع دولتی تاسیس یافت . دولت "نکرومه" در آغاز سالهای ۶۰ بـه‌گسترش بخش دولتی ، برنامه‌ریزی‌اقتصادی . نظارت دقیق بر واردات و سرمایه‌گذاری بیشتر درپروژه‌های بزرگ صنعتی دست زد . اما این‌گام‌ها به دگرگونی بنیادی مناسبات مالکیت و روابـط تولیدی نیانجامید . مهمترین‌عواملی که بـه شکست "قوام نکرومه" منحرشد عبارت‌بوداز : موضع گیری‌تردیدآمیز در برابر سرمایه ، بسیج ناکافی‌توده‌مردم تحریم‌اقتصادی کشورهای‌امپریالیستی (بویژه ایالات‌متحدهٔ آمریکا ، بریتانیا وجمهوری فدرال آلمان) و ایستادگی سرسختانه سران قبایل و بورژوازی ، که بخشی از امتیازات خود را ازدست داده بودند . فزون براین ، "نکرومه" و حزب کنگرهٔ خلق" او ، با برخی گامهای مستبدانه ، "پارتی‌بازی" و فساد ، رفته رفته‌خود را تا اندازه‌ای منزوی کردند . از اینرو ، کودتای ۴ بهمن ۱۳۴۴ (۲۴ژانویهٔ ۱۹۶۶) ارتش ، که کشورهای امپریالیستی نیز درآن سهم اندکی نداشتند ، بـا مقاومت چندانی روبرو نشد .

رژیم وابسته به‌امپریالیسم « بوسیا »

ایالات‌متحدهٔ آمریکا ، بریتانیا و جمهوری فدرال آلمان‌سیاست‌خصوصی کردن صنایع وبازرگانی خارجی رااز سوی "شورای آزادی ملی" ، برهبری "آفریفا" ، "آنکراه" و "هارلي" ، با کمک‌اقتصادی "سخاوتمندانه" پاسخ گفتند . افزایش قیمت کاکائو دربازار– های بین‌المللی نیزبه‌تثبیت‌اجتماعی واقتصادی غناکمک کرد ، به طوری که نظامیان توانستند درتابستان ۱۳۴۸ (اوت ۱۹۶۹) قدرت را به "حزب پیشرفت" بسپارند . رهبری این حزب

جمهوری غنا...

بقیه از صفحه ۸

وابسته به امپریالیسم را "کوفی بوسیا" بعهده داشت.

چندی نگذشت که اوضاع اقتصادی اجتماعی غنا بسرعت به نابسامانی گرائید و نارضائی عمومی بالاگرفت. درتاریخ ۳ دی ۱۳۵۰ گروهی از افسران جوان، برهبری "آچیامپونگ" که در "شورای رستگاری ملی" گرد آمده بودند، دست به کودتا زدند و رژیم "بوسیا" را سرنگون ساختند. رژیم جدید، علیرغم برخی گام‌های مثبت، ازجمله قانونی کردن فعالیت "کنگره‌ٔ سندیکایی غنا"، بروی با مقاومت فزاینده‌ٔ مردم روبروشد. قیمت مواد غذایی به‌ابعاد سرسام‌آور رسید. تنها سرمایه‌داران غنایی وبیگانه و وداروددسته‌نظامی توانستند، از راه قاچاق و فساد، ثروت هنگفتی به چنگ بزنند.

ایستادگی روزافزون خلق دربرابر سرکوبگری فزاینده در ۱۴ تیر ۱۳۵۷ (۵ ژوئیه ۱۹۷۸) به کناره‌گیری "آچیامپونگ" و جانشینی "ژنرال فرد آکوفو" انجامید. وی چندماه بعد (آغازسال ۱۹۷۹) فعالیت احزاب سیاسی را آزاد ساخت و اعلام‌کرد که‌درژوئن ۱۹۷۹ انتخابات عمومی برگزار خواهدشد. امادارو دسته جدید نیز به فساد وقاچاق ادامه داد. نرخ تورم به ۴۰۰ درصد درسال رسید.

کودتای اول «جری رائولینگز»

در زمستان ۱۳۵۷ بی‌لیاقتی و فسادکاری رهبری کشور در رده‌های پائینی ومیانی ارتش نیز به‌ناخشنودی گسترده‌انجامید. در ۱۴ خرداد ۱۳۵۸ (۴ ژوئن ۱۹۷۹) بخشی ازارتش به کودتا علیه رژیم حاکم دست زد. "شورای انقلابی نیروهای مسلح" برهبری ستوان خلبان "جری رائولینگز" زمام امور را بدست گرفت. سخنگوی "شورا" سروان "بوآکیه جان"، سازمانده اصلی کودتا بود.

نخستین گام‌های "شورای‌انقلابی نیروهای مسلح" تشکیل کمیسیونی برای بازجویی از نظامیان وکارگزاران فاسد وتدارک محاکمه آنها (باصطلاح Pre_Trial Interrogation Team-PIT آغاز کارزارملی پاکسازی و تعهد برگزاری انتخابات درعرض ۴ ماه بود. "آچیامپونگ"، "آکوخو"، "آفریفا" وچندتن دیگر از رهبران دولت‌های نظامی بازداشت و پس ازمحاکمه، به جرم فساد، قاچاق و سوءاستفاده از مقام، اعدام‌شدند.

کارزار ملی پاکسازی پس از مدتی کوتاه با موفقیت پایان یافت و از پشتیبانی وسیع مردم‌برخوردارگردید. درعرض چندهفته صدهامیلیون سدی مالیات پرداخت نشده به خزانهٔ دولت سرازیرگشت و نزدیک به ۱۰۰ افسر بلندپایه و بازرگان به اتهام فساد، قاچاق و احتکار محاکمه و محکوم شدند.

برای تثبیت قیمت مواد غذایی، "شورای انقلابی نیروهای مسلح" به مجازات شدید گرانفروشان و اعمال قهر علیه فروشندگان‌خرده‌پا دست زد.

برای نمونه، هنگامی که زنان دستفروش بازار آکرا از فروش کالاهای خود به قیمت مقرر سر باززدند، نیروهای انتظامی به انفجار بازار دست یازیدند. بدین ترتیب، از آنجا که مبارزه با گرانفروشی با دگرگونسازیهای بنیادی در زمینهٔ تولید وتوزیع همراه نبود، باشکست روبروشد.

ازسوی دیگر، نیجریه، که ۸۰ درصد نیازمندی نفت غنا را تامین می‌ساخت، با سیاست ارعاب خود، دولت "جری رائولینگز" را به قطع اصلاحات ریشه‌ای، ازجمله مبارزه با "تروریست‌های اقتصادی" و پاکسازی عناصرفاسد، وادارکرد.

یکی ازعلل ناپیگیری "شورای انقلابی نیروهای مسلح" در زمینهٔ اصلاحات اجتماعی، گستردگی‌طیف نیروهای‌سیاسی‌وجریانات‌ایدئولوژیک درون آن و رقابت‌های شخصی میان اعضای "شورا" بود. دراین گستره باید از اختلافات شدید میان "بوآکیه جان" و "جری رائولینگز" برسر حیطهٔ صلاحیت رهبران، موعد واگذاری قدرت به غیرنظامیان‌وغیره نام برد. رائولینگز" پیشنهاد "بوآکیه‌جان" را دربارهٔ تدوین منشوری مترقی دربارهٔ هدفهای "شورا" وآماجهای اجتماعی تحول آیندهٔ غنا ردکرد. این‌اختلافات آنقدر دامن گرفت که اعضای "شورای انقلابی نیروهای مسلح" پیوسته یکدیگر را به کودتاگری متهم می‌ساختند. عناصرفرصت‌طلب وسازشکار درون "شورا" این نهاد را وادار کردند، که پیش از هرگونه دگرگون‌سازی بنیادی ساختار اجتماعی‌ـ اقتصادی کشور، زمام امور را به غیرنظامیان بسپرد.

انتخابات پارلمانی

بدینسان، در روز ۲۸ خرداد ۱۳۵۸ (۱۸ ژوئن ۱۹۷۹) انتخابات پارلمانی درغنا برگزارشد. گرچه نظامیان درانتخابات دخالتی نکردند، ولی از آزادی‌انتخابات خبری نبود. تنها ۳۰ درصد مردم دراین انتخاب شرکت جستندو"حزب ملی خلق" دراستان ولتا در ازای هررای ۱۵سدی‌میپرداخت! (دستمزد یکروز ونیم).

دراین "انتخابات"، "حزب‌ملی خلق" ۷۱ کرسی، "حزب جبههٔ خلق" ۴۲ کرسی، "کنگرهٔ ملی متحد" ۱۳ کرسی، "حزب کنگره" ۱۰ کرسی و جبههٔ سوسیال دمکرات" ۳ کرسی بدست آورد. علاوه براین، یک منفرد نیز به‌پارلمان راه‌یافت.

در دور دوم "لیمان" در ائتلاف با "کنگرهٔ ملی متحد" بر"اووووسو" پیروزشد و "رائولینگز" درتاریخ ۲ مهرماه ۱۳۵۸ (۲۴ سپتامبر ۱۹۷۹) زمام امور را به "لیمان" سپرد.

دولت "لیمان" برنامهٔخود را تنها پس از دوماه (نوامبر ۱۹۷۹) منتشرساخت. وی دراین برنامه تعهد کرد که دولت او بر فلاکت اقتصادی چیره خواهد شد، تولید صنعتی و کشاورزی‌را گسترش خواهد بخشید، با افزایش صادرات وتحدید واردات دیون غنا را تقلیل خواهد داد. "لیمان" می‌خواست این‌برنامه را از راه گرفتن وام بیشتر از "صندوق بین‌المللی پول" و "بانک جهانی" و فراهم‌ساختن شرایط مساعدتر برای سرمایه‌گذاران‌خارجی‌تامین‌کند.

شکست سیاست «لیمان»

اما این وعده و وعیدها هم تنها بر روی کاغذ ماند. تولید کاکائو کاهش پذیرفت، کسری ترازنامهٔ بازرگانی خارجی فزونی یافت، نرخ تورم به ۲۰۰ درصد رسید و بازار فساد، رشوه‌خواری و قاچاق گرم‌تر از همه وقت شد. از آنجا که دستمزدها همچنان درحالت "انجماد" بود، نارضایتی گسترده درمیان‌زحمتکشان نمایان گردید.

دولت "لیمان" به تحدیدآزادی مطبوعات پرداخت و بسیاری ازمردم را به زندان انداخت. اعضای‌برجسته "شورای انقلابی نیروهای مسلح"، "برای تحصیل" به کشورهای "ناتو" اعزام شدند. "لیمان" دستوراخراج "جری رائولینگز" را، که ازمحبوبیتش درمیان مردم بیمناک بود، صادرکرد.

"جری رائولینگز" درمصاحبه‌ای با "اینترنشنال هرالدتریبیون" (۱۳/۱۲ آوریل ۱۹۸۰) درتوجیه سپردن زمام امور به غیرنظامیان گفته بود:

"به خدا سوگند که با ارتش نمی‌توان انقلاب کرد. غنایی‌ها دیگر تحمل حکومت نظامیان را ندارند. به عقیدهٔ من، ما به حکومت غیرنظامیان متعهدیم".

وی درهمین مصاحبه‌افزود:

"من اگرمی‌خواستم حزب‌سیاسی پایه‌گذاری کنم، مسئله‌ای نبود. در چنین صورتی، محتملا دولت‌کنونی را سرنگون می‌ساختم".

ولی چنانکه وقایع اخیر نشان میدهد، "جری رائولینگز" نتوانست خود بیش از هشت‌ماه پس ازمصاحبهٔ نامبرده "حکومت غیرنظامیان" را تحمل کند وبا کودتای نظامی ۱۰دی ۱۳۶۰ (۳۱ دسامبر ۱۹۸۱) به‌هشدار خود جامهٔ عمل پوشید که:

"چنانچه حکمرانان از مقام‌خود برای پیشبرد منافع خویش بهره‌جویند بامقاومت روبرومیشوند و مقام آنها از ایشان گرفته خواهد شد".

آینده نشان خواهد داد که "جری رائولینگز" تاچه اندازه از تجربهٔ چندماههٔ حکومت خود درس گرفته است و آیا این بار پیگیرتروآزموده‌تر در راه تغییرات بنیادی اوضاع اجتماعی‌ـ اقتصادی غنا و به سود زحمتکشان ستمدیده این کشور گام برخواهد داشت؟

احزاب سیاسی وسازمانهای اجتماعی

تاسال ۱۹۶۶، "حزب‌کنگرهٔ‌خلق" Convention People's Party-CPP برهبری "قوام‌نکرومه" نیروی سیاسی راهبر غنابود. این حزب، حزبی انقلابی‌ـ دمکراتیک بشمارمیرفت. در سالهای ۶۹ـ ۱۹۶۶ فعالیت‌احزاب سیاسی ممنوع اعلام‌شد. درسالهای ۱۹۶۹ـ۷۲ "حزب پیشرفت" (Progress Party _ PP) "بوسیا" زمام امور را بدست‌گرفت. پس از کودتای نظامی ۱۹۷۲ باردیگراحزاب سیاسی ممنوع گردیدند.

دوسال پیش (۱۹۷۹)، پس از اعلام آزادی فعالیت احزاب‌سیاسی، بیش از ۲۰ حزب پیدایش یافت و ۶ حزب به‌رسمیت شناخته شد. این ۶ حزب درانتخابات شرکت کردند:

"حزب ملی خلق" (People's National Party_ PNT) رهبر این حزب "دکتر هیلا لیمان" است. "حزب ملی‌خلق" خود را ادامه دهندهٔ راه "نکرومه" می‌داند و در "منشور" خود از وحدت آفریقا، بازسازی ملی، برابری کامل شهروندان، حق کار و پاداش عادلانه و "انقلاب کشاورزی" سخن می‌گوید. به موجب این "منشور"، سیاست خارجی‌حزب براساس بیطرفی مثبت، عدم‌تعهد و مبارزه با امپریالیسم، استعمار، نواستعمار و آپارتید استوار است. برنامهٔ اقتصادی "حزب ملی‌خلق" تقسیم اقتصاد به بخش‌های دولتی، تعاونی وخصوصی و خودداری از "تعدی" به منافع سرمایه‌گذاران خارجی اعلام شده است. در آستانهٔ انتخابات ۲۸ خرداد ۱۳۵۸ (۱۸ ژوئن ۱۹۷۹) کلمه "سوسیالیسم" ازمنشور "حزب ملی خلق" حذف گردید.

"حزب جبههٔ خلق" (Popular Front Party - PFP) نامزد این حزب درانتخابات دوسال پیش "ویکتور اووووسو" بود، که ازمخالفان "نکرومه" بشمارمیرفت. "حزب جبههٔ خلق" خودراادامه‌دهندهٔ راه "حزب پیشرفت" "بوسیا" می‌داند. حزب نامبرده نماینده منافع انحصارگران خارجی و سرمایه‌داران وابسته به آنهاست. "حزب جبههٔ خلق" در کارزار تبلیغاتی خود نزدیکی بیشتر به غرب، "دوستان" غنا، "صندوق بین‌المللی پول" و "جامعه اروپا" را "نوید" می‌داد.

"کنگرهٔ ملی متحد" (United National Convention-UNC) رهبر این حزب "اوفوری ـ آتا"، یکی از وزیران سابق دولت "بوسیا" ست. حزب نامبرده‌پیوسته وظیفهٔ خود را جلوگیری از قطبی‌شدن صحنه‌سیاست غنا میان دوحزب‌نخستین اعلام داشته است.

"حزب کنگرهٔ عمل" (Action Cogress Party - ACP) رهبر این حزب ناسیونالیست ستوان "فرانک برناسکوس" نام‌دارد. "حزب کنگرهٔ عمل" خودرا حامی منافع‌فقیر ترین قشرها می‌خواند.

"جبههٔ سوسیال دمکرات" (Social Democratic Front - SDF) رهبر این حزب "ابراهیم‌ماهاما" و خواهان "جامعهٔ عادلانه، رادیکال وسوسیالیستی، بری از نفوذسیاست‌مداران فاسد کهن" است.

"جبههٔ سوسیال دمکراتیک" به تشویق سندیکاها و پس از وحدت "جبههٔ ملی دمکراتیک" و "حزب سوسیال دمکرات" پدید آمد. هدف‌های "جبههٔ سوسیال دمکراتیک" با برخی از اصول سوسیالیستی "نکرومه" چون پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی همراه با نظارت سوسیالیستی بر اقتصاد، پان آفریکانیسم، پشتیبانی از جنبش‌های آزادی بخش ملی وعدم تعهد مثبت و پیگیرـ همخوانی‌دارد.

"حزب نیروی سوم" (Third Force Party -TFP). این حزب دارای اهمیت اندکی است و رهبرآن "دکترجان بیلسون" نام‌دارد

"کنگرهٔ سندیکایی غنا" (Ghana Trade Union Congress -GTUC) ۱۷ سازمان سندیکایی را دربرمی‌گیرد

مهمترین رویدادهای تاریخ غنا

۱۴۷۱ـ پرتغالی‌ها برسواحل غنای امروزی چنگ می‌اندازند.

۱۸۷۴ـ نیروهای بریتانیا کوماسی، پایتخت امپراتوری آشانتی را تصرف و تشکیل مستعمرهٔ "ساحل طلا" رااعلام میکنند.

۱۹۴۹ـ تاسیس "حزب‌کنگرهٔ‌خلق"

۱۹۵۲ـ دستیابی به خودگردانی داخلی، برای نخستین بار یک آفریقایی (دکتر قوام‌نکرومه) رئیس جمهورمی‌شود.

۱۹۵۷ـ(۶ مارس)ـ دستیابی به استقلال سیاسی درچارچوب "کشورهای مشترک المنافع" بریتانیا.

۱۹۵۷ (۸ مارس)ـ عضویت در "سازمان ملل متحد".

۱۹۶۰ (۱ ژوئیه)ـ اعلام "جمهوری غنا".

۱۹۶۳ (۲۳ مه)ـ غنا و برخی‌دیگر از کشورها "سازمان وحدت‌آفریقا" را پایه می‌گذارند.

۱۹۶۶ (ژانویه)ـ آغاز کار "مجتمع ولتا".

۱۹۶۶ (۲۴ فوریه)ـ کودتای‌نظامی، سرنگونی دولت "نکرومه" و روی کارآمدن دولت‌نظامی.

۱۹۶۹ (۱ اکتبر)ـ تشکیل دولت غیرنظامی‌برهبری "دکتربوسیا".

۱۹۷۲ (۱۳ ژانویه)ـ کودتای‌نظامی، سرنگونی دولت "بوسیا" و روی کارآمدن دولتی نظامی به‌رهبری "آچیامپونگ".

۱۹۷۸ (۵ ژوئیه)ـ کودتای نظامی، تشکیل "شورای عالی‌نظامی" به رهبری ژنرال "آکوخو".

۱۹۷۹ (۹ ژوئن)ـ کودتای نظامی، احراز قدرت ازسوی "شورای انقلابی نیروهای مسلح" به رهبری ستوان "جری‌رائولینگز"

۱۹۷۹ (۹ ژوئیه)ـ انتخاب "دکتر هیلا لیمان"، نامزد "حزب ملی خلق"، به ریاست جمهوری.

۱۹۷۹ (۲۴ سپتامبر)ـ آغاز ریاست جمهوری "لیمان".

۱۹۸۱ (۳۱ دسامبر)ـ کودتای نظامی برهبری جری‌رائولینگز"

(جدول شماره ۱)

تولید مهم‌ترین مواد خام

	۱۹۶۰	۱۹۷۰	۱۹۷۵	۱۹۷۶
طلا (تن)	۲۷/۳	۲۱/۹	۲۱/۴	۱۹/۸
منگنز (۱۰۰۰تن)	۲۶۶/۰	۳۹۲/۰	۴۰۸/۷	۳۲۴/۵
بوکسیت (۱۰۰۰تن)	۱۹۴/۰	۳۴۱/۰	۳۵۱/۰	۲۳۴/۶
الماس (۱۰۰۰قیراط)	۳۲۷۳/۰	۲۵۲۳/۰	۲۳۲۳/۰	۲۴۷۰/۵

(جدول شمارهٔ ۲)

تولید مهم‌ترین فرآورده‌های کشاورزی (۱۰۰۰تن)

	۱۹۶۶	۱۹۷۰	۱۹۷۵	۱۹۷۷
کاکائو	۳۸۱	۳۸۵	۳۹۶	۳۱۰
قهوه	۳/۵	۵/۴	۰۰۰	۰۰۰
فرآورده‌های‌نخل	۰	۰	۵۸	۴۵
برنج	۳۱	۵۵	۷۱	۷۹
ذرت	۱۸۰	۲۹۰	۳۴۳	۳۶۶

(جدول شماره ۳)

مبادلات بازرگانی خارجی (به میلیون سدی)

	۱۹۶۰	۱۹۶۵	۱۹۷۰	۱۹۷۵	*۱۹۷۷	۱۹۷۸
صادرات	۲۰۹/۰	۲۰۷/۹	۴۱۱/۱	۸۷۴/۰	۱۱۰۵/۸	۳۱۹۰/۰
واردات	۳۱۰/۰	۳۲۰/۰	۴۱۷/۰	۹۲۵/۸	۰۰۰	۴۹۵۰/۰

آمریکا ایران را...

بقیه از صفحه ۷

چنین بنظر می‌رسد که آمریکا می‌بایست ازاین‌ماجرادرس‌عبرت‌بگیرد ودیگر به این‌قبیل‌ماجراها دست‌نزند، ولی در دسامبر سال گذشته حقایقی‌به آگاهی‌همگان رسید که نشان می‌دهد در واشنگتن نقشهٔ تازه‌ای تنظیم شده که در آن حمله نظامی‌آمریکا به جنوب ایران بطور اصولی پیش بینی‌شده‌است روزنامه **"ساندی‌تایمز"** چاپ لندن گزارش داد که تنظیم‌این نقشه، زیر عنوان **تریپ وایر**، در زمان زمامداری کارتر آغاز شد وهیگ آن را تکمیل‌کردواین‌نقشه موردتائیدریگان و نزدیکترین مشاورانش قرارگرفت. وحالا سرویسهای ویژهٔ‌آمریکا محدانه نیروهای تهاجمی را از مهاجران‌مختلف ایرانی، که در سراسر جهان پراکنده شده‌اند، تشکیل وآموزش می‌دهد و مسلح می‌کند. روزنامه **"تایمزاف‌ایندیا"** طی‌مقاله‌ای نوشته بودارتش حرفه‌ای صدانقلابیون ایرانی در مرز ایران و ترکیه‌عملا شکل می‌گیرد. نیروهای مسلح از افسران وگلهای سرسبد ارتش شاه‌مخلوع تشکیل می‌شود. روزنامهٔ فرانسوی **"کوتیدین‌دوپاری"** به نوبت خودتوجه‌خوانندگان‌خودرا به ارتباط نزدیک سیای آمریکا با ارتش‌آزادی‌بخش‌ایران"، که از طرف مهاجران سلطنت طلب تشکیل می‌شود، جلب کرده‌است".

هفته‌نامهٔ **"عصرجدید"** درپایان می‌نویسد:

"خلاصه‌واشنگتن همچنان ایران راجلوی‌مگسک‌گرفته‌است. این وضع ایجاب می‌کند که‌مردم‌ایران در مورد دسیسه‌های امپریالیسم‌آمریکا وعوامل آن‌هشیاری **خاصی** ازخودنشان‌دهند".

مجلس شورای اسلامی در هفته‌ای که گذشت:

صحبت از منافع توده‌های مستضعف اگر همراه با تحقق خواستهایشان نباشد بی ثمر و بی فایده است

درهفتهٔ گذشته نمایندگان مجلس شورای اسلامی با تاکید بر اجرای هرچه سریعتر فرمان امام خمینی در زمینهٔ اجرای قانون، گفتند که در جمهوری اسلامی ایران مردم میخواهند که قانون برآنها حکومت کند و تامین داشته باشند. آنها همچنین با اشاره به اهداف انقلاب در زمینه برآوردن خواستهای زحمتکشان، یادآور شدند که باید برای اجرای این اهداف دست به عمل برد و در مبارزهٔ علیه امپریالیسم در عرصهٔ داخلی، ضمن تدوین و اجرای یک برنامه دقیق اقتصادی به مبارزهٔ جدی علیه غارتگران، استثمارگران وعوامل احتکار و گرانی پرداخت.

درهفته گذشتهٔ مجلس همچنین کلیات لایحهٔ راجع بمعادن را، که درآن معادن بزرگ به مالکیت دولت درخواهند آمد، تصویب کرد.

- کاظم نوری: انضمام بلندیهای جولان اقدامی توطئه‌گرانه از سوی امریکا و اسرائیل است.
- ناطق نوری: کسانی که در مجلس "برای یک پوستر سینه چاک میدهند"، چرا اعمال گروهکهای امریکائی را محکوم نمی‌کنند؟
- غلامحسین نادی: در جمهوری اسلامی مردم میخواهند قانون برآنان حکومت کند وامنیت داشته باشند.
- جلالی: صحبت از منافع توده‌های مستضعف، اگر همراه با تحقق خواسته‌هایشان نباشد، بی‌ثمر وبیفایده‌است. دراین مقام باید قاطع بود و به‌ملامت‌ها وقعی نگذاشت.

اولین جلسهٔ علنی مجلس در هفتهٔ گذشته، روز یکشنبه ۱۴ دی ۶۰ تشکیل شد. اولین ناطق پیش از دستور این جلسه، کاظم نوری نمایندهٔ مردم آمل بود. وی در آغاز سخنان خود تلاش مذبوحانه اخیر سرسپردگان امریکا در منطقه وبه‌ویژه طرح مسئلهٔ بحرین علیه انقلاب اسلامی ایران را نشانه وحشت ونگرانی نوکران آمریکا در خاورمیانه خواند. ناطق آنگاه به اقدام اخیر اسرائیل در انضمام بلندیهای جولان اشاره کرد وآنرا اقدامی توطئه‌گرانه از سوی آمریکا واسرائیل دانست، و در همین ارتباط از سفر حافظ اسد رئیس جمهور عربی سوریه به ایران با نیکی یاد کرد. نمایندهٔ مردم آمل در بخش دیگری از سخنان خود اقدام اخیر دولت ایران در اعزام کارشناسان نفتی به لیبی راستود واز اقدامات ستاد بسیج اقتصادی کشور در اتخاذ تدابیر لازم و بکارگیری شیوه‌های انقلابی در رساندن کالاهای مصرفی به‌مردم قدردانی کرد.

دومین ناطق پیش از دستور این جلسه احمد ناطق نوری نمایندهٔ مردم نور و محمودآباد بود، که با اشاره به کوشش دشمنان انقلاب برای تهی ساختن محتوای انقلاب گفت:

"(این دشمنان) برای نیل به این منظور به‌عناصری که طرز فکر غربی داشتند ومتاسفانه پس از انقلاب در درون حکومت جای گرفته بودند، دلخوش کردند تا شاید بتوانند از این کانال، این نهضت واین حرکت را از مسیر مکتبی‌اش خارج کنند و به مسیر ناسیونالیستی سوق دهند تا اگر اسلامی هم مطرح میشود، اسلامی باشد که طرز فکرش غربی است."

ناطق نوری آنگاه با اشاره به‌ترورها وانفجارها در داخل کشور، از کسانی که در مجلس" برای یک پوستر سینه چاک میدهند، پرسید که: چرا اعمال این گروهک های آمریکائی را محکوم نمی‌کنند؟ ناطق نوری در بخش دیگری از سخنان خود در ارتباط با عدم وجود امنیت شغلی گفت:

"چرا بی‌قانونی وغیر قانونی کارمندان را منتقل یا اخراج میکنند؟"

آخرین سخنران پیش از دستور این جلسه، سیدمحمود دعائی بود که، بااشاره به‌فعالیت‌های گروهک‌های مسلح ضدانقلابی در ایران یادآور شد که سرمایه داران وابسته‌ای که رژیم شاه را تنها پشتوانهٔ خویش میدانستند، امروز چشم امید به‌موفقیت این گروهک‌ها دوخته‌اند.

دراین جلسه در مورد کلیات "طرح تدوین استراتژی و اصول سیاست‌های کشور جمهوری اسلامی ایران" بحث و بررسی به‌عمل آمد. پس از سخنان موافق ومخالف و تاکید مخالفین بر اینکه، با داشتن قانون اساسی نیازی به‌این قانون نیست، طرح مذکور رد شد.

دومین جلسهٔ علنی مجلس در هفتهٔ گذشته، روز ۱۵ دی ۶۰ تشکیل شد، دراین جلسه، غلامحسین نادی نماینده مردم نجف‌آباد، به‌عنوان ناطق پیش از دستور، سخن گفت. وی با اشاره به جبهه دشمنان انقلاب اسلامی ایران گفت:

"دراین جبههٔ ضد خلق از منافقین مدعی داشتن ناب‌ترین افکار توحیدی وانقلابی‌ترین مواضع سیاسی تا رسواترین مزدوران امپریالیسم ووابستگان دربار پهلوی درکنارهم قرارگرفته‌اند."

ناطق با اشاره به این نکته که:

"امروز رهبران سازمان، سرمایه‌داران وابسته و مرتجعین فکری ومذهبی که در نظام شاهنشاهی سر راه انقلاب بودند، پایگاه اجتماعی خود معرفی می‌کنند،" گفت:

"چه‌تفاوتی بین شما منافقین ضد امپریالیسم (!) باجبهه بختیار و اویسی وسلطنت‌طلبان وجوددارد؟ همهٔ شما از حمایت‌وسیع تبلیغات امپریالیسم وبلندگوهای آنان بهره‌مندید و همه شما مورد تائید و حمایت محافل امپریالیستی و حکومت‌های استعماری اروپا و آمریکامی باشید. حکومت بعث عراق هرگونه کمک و امکانات و تدارکات و پایگاه در اختیار شما گذاشته."

ناطق خاطر نشان ساخت که:

"در عین حال که ضد انقلاب محموعا دست به‌عملیات و ترور کور زده ولی گاهگاهی نیز چشم داردو آن چشم را باید بیرون آورد. این جریان یک جریان انحرافی فکری است. برخوردمانیز باید درمرحله فکری ودر ابعاد مختلف مورد رسیدگی قرارگیرد. به همان سادگی که فریب میخورد و ازاو یک جانی و قاتل میسازند، بهمان سادگی نیز قابل بازگشت واعراض از مواضعشان می‌باشند و نمونه‌های بسیاری رادیده‌ایم."

نمایندهٔ مردم نجف‌آباد در بخش دیگری از سخنان خود بااشاره به‌عملکرد قوهٔ قضائی کشور در ارتباط با تامین آزادی وامنیت سئوال کرد:

"شورای عالی قضائی در انجام این هدف مقدس چه اقداماتی انجام داده‌است"

ناطق سپس به بیان قسمت‌هائی از فرمان امام خمینی در ارتباط با اجرای قانون پرداخت وگفت:

"درجمهوری اسلامی مردم می‌خواهند قانون بر آنان حکومت کند و امنیت داشته‌باشند، درحالیکه ضد انقلاب‌خواهان سلب امنیت وناامنی است."

در ادامهٔ این جلسه، که در بعد ازظهر همان روز تشکیل شد، سئوالات برخی از نمایندگان مجلس از وزیر کشاورزی مطرح شد.

سومین جلسه علنی مجلس درهفته گذشته، روز ۱۷ دی ۶۰ تشکیل شد. اولین ناطق پیش از دستور این جلسه، جلالی نمایندهٔ مردم نیشابور بود که درآغاز سخنان خود، مشخص شدن حدود ومرزها از طریق اجرای بی‌چون و چرای قانون ونیز احیای روحیهٔ انتقادگری و انتقاد پذیری را درجامعه از مهمترین موادخواند. ناطق در بخش دیگری از سخنان خود، بااشاره به‌توطئه های امپریالیسم جهانی به‌سرکردگی آمریکا علیه انقلاب اسلامی ایران گفت:

"با یک ارزیابی ساده از تعرضات مستقیم وغیر مستقیم امپریالیسم جهانی به‌سرکردگی آمریکا به انقلاب اسلامی ما به‌خوبی دریافت میشود که تصمیم برآن‌است، تا برای مشوه ساختن چهرهٔ اسلامی انقلاب ما وجلوگیری از گسترش آن، حکومت ما را متجاوز معرفی کنند. ما بارها اعلام کرده‌ایم که نه‌قصد کشورگشایی داریم ونه‌باصدور انقلابمان قصدبراندازی در دیگر کشورهارا درسر می‌پرورانیم. هدفمان جز تبیین ارزش‌های نوین انقلابمان وعرضه‌داشتن آن به دگیرملت‌ها جیز دیگری نیست. در خصوص جنگ هم بارها اعلام داشته ایم که‌جنگ ما در مقام دفاع ودفع تجاوزات متجاوز است ومادام که‌تجاوز وجوددارد جنگ ماهم ادامه‌خواهد یافت."

جلالی دربخش دیگری از سخنان خود، بااشاره به ماهیت ضد استبدادی، ضداستثماری وضداستعماری انقلاب، یادآور شدکه‌باید مبارزه را از حرف به‌عمل درآورد. وی دراین خصوص خاطرنشان ساخت که.

"مبارزه ما باسلطه، طبعا برنامه میخواهد، برنامه‌ای که ما را از مصرف به‌تولید واز وابستگی به استقلال ببرد. اصولا مبارزهٔ ما با امپریالیسم درعرصه داخلی آن‌زمان صورت واقعی وجدی به خودمیگیرد که علاوه بر تدوین واجرای یک‌برنامهٔ دقیق اقتصادی توسط دولت، دادگاهها هم رسالت اصلی خود را در قبال استثمارگران واسطه‌گران و عوامل گرانی واحتکار وغارتگران گذشته وحال بازیابند و اصلاحات ارضی اسلامی، که متضمن منافع زحمتکشان جامعه‌است، به اجرا درآید. واینها نه‌تنها وظیفه دادگاه ها، بلکه وظیفهٔ همهٔ ارگانهای حکومتی ماست، که‌دراین رهگذر وظیفه شورای نگهبان ومجلس بخصوص با اجازه اخیر امام سنگین ومهمتر است."

نمایندهٔ مردم نیشابور در قسمت دیگری از سخنان خود افزود:

"صحبت از منافع توده های مستضعف، اگر همراه با تحقق خواسته‌هایشان نباشد، بی‌ثمر و بی‌فایده است در این‌مقام باید قاطع بود و به‌ملامت‌ها هم وقعی نگذاشت. ملت حق دارد که بپرسد در زمینهٔ تحقق اهداف انقلاب، آنطورکه در قانون اساسی پیش‌بینی شده چه‌قدم‌هائی برداشته‌شده‌است وخواهد شد."

ناطق درپایان سخن خود پرسید:

"اصل ۴۹ قانون اساسی چه‌زمانی به‌اجرا خواهدرسید؟ برای جلب همکاری عملی مردم در صحنه از طریق ایجاد شوراهای مردمی کی اقدام خواهد شد؟"

پس از پایان سخنان ناطقین پیش ازدستور، مجلس وارد دستور شد. دراین جلسه کلیات لایحه راجع به معادن مطرح شد. مخبر کمیسیون مربوطه درخصوص فواید لایحه مطالبی بیان داشت وضمن تاکید براین‌که این لایحه منطبق است با اصل ۴۴ قانون اساسی گفت:

"طبق اصل ۴۴ قانون اساسی مالکیت بر سه‌بخش دولتی وتعاونی و خصوصی تبدیل میشود ودراین لایحه معادن بزرگ جزو مالکیت دولتی به حساب می‌آید."

آنگاه بحث وبررسی درمورد کلیات این لایحه به‌عمل آمد. دراین‌جا واعظی ضمن مخالفت با این لایحه، گفت:

"اینکه دولت بخواهد معادن را از آن‌خود اختصاص بدهد، مخالفم و میگویم که‌این شرعا درست‌نیست... این مخالف دستور اسلام ومخالف آزادی بندگان خداست. دولت میتواند یا با صاحبان این زمینها (زمین‌هائی که‌معادن درآنها وجود دارند) شرکت کند، یا اجاره‌کند و یا نظارت‌کند."

کلیات این لایحه به‌رای گذاشته شد و بااکثریت قاطع آراء تصویب شد.

در این جلسه همچنین نامه‌هیئت رئیسه مجلس درمورد مستعفی شناختن نمایندگانی که‌بیش‌از ۱۰۰ ساعت غیبت غیر موجه داشته‌اند، مطرح شد. در نتیجه احمد سلامتیان، احمد غضنفرپور محمدکرمی علی گلزاده غفوری از نمایندگی مجلس مستعفی شناخته شدند

تفسیر وقایع...

بقیه از صفحه ۵

سرمایه‌داری در رثای گروهک‌های ضدانقلابی لهستان را براه‌انداخته‌اند، شدت دردشان رانشان میدهد. وبدبختانه برای امپریالیستها خوشبختانه برای نیروهای ضدامپریالیستی، برای تسکین این درد نیز هیچ مسکنی یافت نمیشود. سرمقاله‌های روزنامه‌های معتبر غرب، که رادیوهای آنان نقل میکنند ومحتوی مطبوعات غربی، که درایران توزیع میشود، همه وهمه به‌لهستان اختصاص دارد. در این میان مجلهٔ امریکائی "تایم" عکسی را چاپ کرده‌است که به‌نظر ما میتوانست به عنوان بهترین "عکس سال" درپشت مجله جای گیرد. در این عکس زن سفیر سابق خائن لهستان در ایالات متحده امریکا سر بر سینهٔ ریگان گذارده و او و ریگان هردو در ماتم لهستان قیافه گریه بخود گرفته‌اند این عکس واقعا میتواند نماد گویای همکاری خائنان به‌میهن با امپریالیسم امریکا برای بازگرداندن لهستان به‌دامن آلودهٔ سرمایه‌داری باشد. سفیر سابق خیانتکار وهمسرش که در فاجعهٔ لهستان نقش بزرگی داشتند و از ترس عقوبت، در میهن واقعی خودشان ماندگار شدند، اگر ذره‌ای درآنها حتی عرق ملی (بیشتر وبالاتر نمیرویم) وجود داشت، هرگز به چنین ننگی تن در نمیدادند. سر بر سینهٔ ریگان نهادن وپذیرفتن حمایت و رافت ازابر جنایتکار جهان دلیل روشنی بر پستی و پلیدی آن زوج خیانت‌کار است. عکس البته برای مصرف داخلی و نشان دادن "انساندوستی!" و حمایت ریگان از "دموکراسی!" وغیره چاپ شده است. اما برای بینندگان خارجی دری به دنیای فریب و دو ـ روئی سیاستگران امپریالیستی میگشاید.

چگونه‌میتوان از حوادث لهستان "متاثر" بود وارسال مواد غذائی را به‌آن کشور تحریم کرد چگونه‌میتوان در ماتم "دموکراسی" در لهستان نشست و برای خاموش‌کردن کوچکترین فروغ شمع آزادی در السالوادور وسراسر جهان میلیونها دلار برای جلادان وآدمکشان سلاح فرستاد؟

طشت رسوائی امپریالیسم امریکا چنان از بام افتاده‌است که‌حتی منسی "کنندگان وطنی ما نیز نتوانستند کمکی به‌آن بکنند و حل وپلاس خود را هرچه‌زودتر جمع کردند.

حوادث لهستان یکبار دیگر این مسئله را ثابت کرد که در مبارزه‌کنونی که در سراسر جهان بین نیروهای انقلابی و ضدانقلابی درگرفته‌است دیگر سیستم امپریالیسم در هیچ‌جا، به‌ویژه در کشورهای سوسیالیستی، قادر به‌صدور ضد انقلاب نیست. تودهنی سختی که با امپریالیسم درلهستان زده‌شد، درسی برای بازداشتن آن از ماجراجوئی‌های دیگر درسایر کشورهای سوسیالیستی وکشورهای دوست آنان خواهد بود.

اکنون که لهستان به‌کمک سایر کشور های سوسیالیستی زخم‌های خودرا به‌سرعت التیام می‌بخشد، ریگان و دارو دسته‌اش میکوشند حوادث لهستان را بهانهٔ سیاست تشنج‌فزائی ومسابقهٔ تسلیحاتی قرار دهند. تلاش حکومت ریگان برای جلب اروپای غربی وژاپون به‌سیاست تحریم روابط اقتصادی باکشورهای سوسیالیستی بکلی عقیم ماند به‌نوشتهٔ روزنامه‌های آمریکا، هلموت اشمیت صدر اعظم آلمان غربی، پس‌از پایان مذاکراتش با رهبران امریکا، حتی ازصدور یک اعلامیهٔ مشترک دربارهٔ مسئلهٔ تحریم اقتصادی لهستان امتناع کرده است. حکومت ریگان امید بسته‌بود که بتواند با جار و جنجال دربارهٔ حوادث لهستان از شدت اختلاف بین امریکا، بازارمشترک اروپا و ژاپون بکاهد. اما به‌نوشتهٔ روزنامهٔ واشینگتون پست، دوستان آمریکا هریک راه خودرا در پیش گرفتند.

اختلاف بین سه‌قطب جهان سرمایه‌داری (امریکا، اروپای غربی و ژاپن) بخصوص ازاواسط دههٔ گذشته، در اثر بحران عمومی این نظام، عمیق‌تر شده‌است. سیاست تشنج‌فزائی، که‌ابزاری دردست انحصارات امریکائی برای حفظ مواضع جهانی و تحمیل اراده بر انحصارات دو قطب دیگر است، اکنون با مقاومت شدیدتری روبرومی‌گردد. ژاپن واروپای غربی حاضر نیستند به هیچ عنوانی از روابط اقتصادی خود با دنیای سوسیالیسم به‌سود انحصارات امریکائی دست‌برداراند. سیاست‌های ماجراجویانهٔ ریگان و دارو ـ دسته‌اش بسرعت هواداران خود رادر کشورهای اروپای غربی از دست میدهد.

دنیا، دنیای دیگری‌است. ادعاهای رهبری طلبانهٔ امپریالیسم امریکا دیگرنه پشتوانه اقتصادی محکمی دارد ونه‌زوری برتر. آیا امپریالیسم آمریکا خود داوطلبانه حاضر خواهد شد دست از این ادعاها برداردو سرجای خود بنشیند و همزیستی مسالمت‌آمیز بین دوسیستم جهانی رابپذیرد؟ البته‌خیر! اما خلق‌ها اورا سرجای خود خواهند نشاند.

تصحیح

دواشتباه عمده‌چاپی در شمارهٔ ۱۱۰ اتحادمردم را بشرح زیر تصحیح فرمائید.

ـ درمقاله "ایجاد سیستم تعاونی..." صفحه ۱۵ ستون‌دوم به جای سطرسوم نوشته شود: "تهران حداقل به دو برابر این تعداد (یعنی دوبرابر ۱۸۰ تعاونی) شرکت‌تعاونی نیازمنداست.

ـ درمقالهٔ "چگونه‌بیسوادی را ریشه‌کن‌کنیم" صفحه ۲ ستون چهارسطر ۴۴ سال ۱۹۴۸ صحیح است.

سیاست کشاورزی در راه رشد غیرسرمایه‌داری

(بخش پنجم)

تعاونی‌های روستایی واحدهای دولتی تولید کشاورزی وبرنامه‌ریزی توسعه اقتصادی

سیاست کشاورزی در راه رشد غیر-سرمایه‌داری مستلزم مداخلهٔ فعالانهٔ دولت انقلابی درایجاد بخش عمومی و رشدیابندهٔ اقتصاد روستایی است که از دوشاخهٔ تعاونی ودولتی تشکیل می‌شود:

بخش عمومی اقتصاد روستایی غالبا مقارن اصلاحات ارضی انقلابی به‌وجود می‌آید، تثبیت می‌شود، رشد می‌کند وبه‌رکن عمده و پیشرو در اقتصاد روستایی وبه‌عامل‌تعیین‌کننده دربرنامه‌ریزی توسعهٔ اقتصادی کشور تبدیل می‌گردد. درعین‌حال، نقش تنظیم‌کنندهٔ دولت درتولیدکشاورزی بطورعمده‌ازطریق‌بخش عمومی اقتصاد روستایی، یعنی‌تعاونی‌های روستایی وواحدهای بزرگ‌دولتی، صورت‌میگیرد وبه‌پیشرفت‌کشاورزی‌کشور تحقق‌می-بخشد. بنابراین، ایجادنظام‌تعاونی از الزامات‌سیاست‌کشاورزی درراه‌رشد غیرسرمایه‌داری است. مثلا از اوان تشکیل جمهوری مغولستان- نخستین کشوری که راه‌رشدغیرسرمایه‌داری را درپیش گرفت- شالوده‌های بخش دولتی و تعاونی، همزمان باصنعتی کردن کشور وطرح ریزی توسعهٔ اقتصادی، ریخته شد و درزمینهٔ متشکل کردن دهقانان درتعاونی‌ها پیروزیهایی به دست‌آمد، که بعدا باپیوستن داطلبانهٔ دامپروران به آنها تکمیل شد. تجربهٔ ایجاد تعاونیهای‌کشاورزی در بلغارستان، که تاپیش ازانقلاب سپتامبر ۱۹۴۴ و استقرار دولت انقلابی درحین‌جنگ جهانی دوم یک کشور عقب‌مانده‌بود، به‌نتایج درخشانی رسید وهمزمان با ایجاد وتوسعهٔ واحدهای بزرگ‌دولتی به‌سرعت‌پیش رفت، چنانکه تا سال ۱۹۵۰ قریب به نیمی ازکشاورزان کوچک بلغاری دربیش از ۲۵۰۰ تعاونی متشکل شدند. در۸-۱۹۵۷ روند تعاونی‌شدن مزارع دهقانان در بلغارستان به ۹۷ درصد، یعنی به‌مرز کمال رسید. درکوبا، کشاورزان‌کوچک، فقط طی دوسالهٔ ۷۸- ۱۹۷۷ بمنظور استفادهٔ بیشترازشیوه‌های پیشرفتهٔ تولید، ۳۶۳ تعاونی ایجاد کردند. درکشورهای ویتنام، برمه، تانزانیا، الجزایر، لیبی واخیرا موزامبیک و اتیوپی نیز، با تمام تفاوتهای‌بزرگی که باهم‌دارند، تعاونی‌های روستایی به موازات واحدهای دولتی تولید کشاورزی، به اشکال گوناگون به‌وجود آمده و درحال پیشرفت است.

هدفهای اصلی کلیهٔ این کشورها را درایجاد نظام تعاونی می‌توان به شرح زیرین خلاصه کرد:

۱- پیشروی در روند "کلکتیویزاسیون" (مجتمع‌کردن‌عوامل تولید) درکشاورزی، که از الزامات پیشرفت کشاورزی است؛

۲- تحدید سلف‌خری و عوامل سرمایهٔ ربائی، که حتی پس ازایجاد دولت انقلابی، با سوءاستفاده از نارسائی‌های موقتی، ازغارت‌دهقانان وتولیدکنندگان خرده‌پادست‌نمیکشند؛

۳- تقویت بخش عمومی اقتصاد درقبال بخش‌خصوصی؛

۴- تسهیل نقش تنظیم‌کنندهٔ دولت‌انقلابی درتولید کشاورزی و برنامه‌ریزی توسعهٔ اقتصادی، که‌باید کشور رشدیابنده را ازیک کشور متکی به کشاورزی عقب‌مانده و صادرات مواد اولیه به کشور پیشرفتهٔ صنعتی-کشاورزی تبدیل کند.

ازلحاظ اول، استفاده ازپیشرفت-های علمی‌وفنی، که درعصرحاضراز جمله درزمینهٔ تولید کشاورزی ابعاد وسیعی دارد، مستلزم مجتمع‌کردن بنیهٔ مالی وقوای فنی وانسانی در چنان محدوده‌هایی از مراکز تولید است، که کاربرد دستاوردهای علوم وصنایع درآنها ممکن باشد. مسلما جذب فنون پیشرفته در واحدهای کوچک و پراکندهٔ رشته‌های تولید زراعی‌ودامپروری برای‌تولیدکنندگان خرده‌پا مقدورنیست. مثلا دراین یا آن قطعه زمین کوچک به زحمت می‌توان کشت مکانیزه راه انداخت، ویا به صرفه نیست که برای مبارزه با آفات از هواپیمای سمپاشی استفاده کرد، درحالی که استفاده از این قبیل امکانات برای واحدهای بزرگ زراعی مقدور و مقرون به صرفه است. بنابراین، دولتهای انقلابی درکشورهای رشدیابنده، با متمرکز کردن تولیدکنندگان خرده‌پای همجوار در واحدهای تعاونی و تعقیب سیاست "کلکتیویزاسیون" در رشته‌های گوناگون کشاورزی، به‌یکی ازالزامات اجتناب‌ناپذیرپیشرفت کشاورزی پاسخ می‌دهند.

ازلحاظ دیگر، واحدهای تعاونی بزرگ آسان‌تر از واحدهای متفرق و کوچک ازکمک‌های همه‌جانبهٔ دولت انقلابی برخوردارمی‌شوند. واحدهای تعاونی، اعم از آن که در اراضی متعلق به دولت و بامشارکت سرمایهٔ دولتی یا مصادره شده ازبزرگ‌مالکان و واگذارشده به صورت مشاع به‌وجود آمده باشند و یا در اراضی تولید-کنندگان خرده‌پا، که داوطلبانه گرد آمده‌اند، ازنظرتامین اعتبارات، کمکهای فنی وصنعتی، تضمین خرید محصولات به‌قیمت‌عادلانه و غیره تحت حمایت دولت انقلابی قرار دارند. دراین صورت برای دست-اندازی سرمایهٔ ربائی درعرصهٔ جامعهٔ روستایی، و تولید کشاورزی محدودیت‌هایی به وجود می‌آید، که تدریجا منتهی به قطع آن خواهد شد. مثلا، درویتنام، حتی دراثنای اصلاحات ارضی، بزرگ مالکان و سوداگران به قبضه کردن بازار برنج پرداختند. آنان برنج را به قیمت نازل از دهقانان‌مستاصل می‌خریدند و به قیمت گزاف دربازار می‌فروختند. تنها پس ازپیشرفت سیاست تعاونی کردن کشاورزی و کنترل معاملات به وسیلهٔ دولت وتحکیم پیونداقتصادی دولت‌باتعاونی‌ها بودکه‌وضع دهقانان کاملا تغییر کرد و دیگر از فروش محصولاتشان‌به‌سوداگران سودجو بی‌نیاز شدند.

ازیک لحاظ مهم نیز ایجاد نظام تعاونی ضرورت‌دارد، که‌درآن‌زارعان دامپروران، پیشه‌وران وزحمتکشان صنایع روستایی ازنظراقتصادی باهم وبابخش دولتی اقتصاد در کشور روابط‌تنگاتنگی برقرارمی‌کنند:

جبهه عمومی اقتصاد از دوشاخه تعاونی ودولتی تشکیل می‌شود که نوین وشکوفان‌است. اگر جمع این دو بخش به‌نحو منظم و گسترش‌یابنده‌ای بربخش خصوصی و بویژه هستهٔ‌اصلی سرمایه‌داری آن که کهنه ومحتضراست تفوق یابند، آنگاه آیندهٔ انقلاب و پیشرفت آن تامین خواهدشد. در چنین صورتی، تضاد درونی‌اقتصاد راه رشد غیرسرمایه‌داری، که هنوز ترکیبی از بخش عمومی وبخش‌های ماقبل سرمایه‌داری و سرمایه‌داری نابالغ است، به سودبخش عمومی حل می‌شود. درغیراین صورت، اقتصاد خرده‌کالائی درجامعهٔ در حال گذارهم، بنا برسرشت خود، گرایش دارد که به تولید کالائی سرمایه‌داری تبدیل شود.

سرانجام، نظام تعاونی برای نقش تنظیم‌کنندهٔ دولت انقلابی در تولید کشاورزی امکان تحقق ایجاد می‌کند و موجب تسهیل اقدامات دولت درکنترل بازرگانی داخلی وانحصار بازرگانی خارجی می‌شود. که ازجملهٔ الزامات راه‌رشد غیرسرمایه‌داری است. درعین حال، تعاونیهای روستایی و همچنین واحدهای دولتی تولید کشاورزی امکان می‌دهند که برنامه‌ریزی توسعهٔ اقتصادی با ابعاد وسیع خود جامهٔ عمل بپوشد و کشور رشدیابنده به کشوررشدیافته‌ای تبدیل شود.

برنامه‌ریزی، به‌صورت‌حتی‌المقدور تفصیلی درزمینهٔ تولیدو مصرف، از وظایف مهم دولت مجری راه رشد غیرسرمایه‌داری است. محاسبهٔ آگاهانهٔ رشته‌های گوناگون تولید و مصرف درکشور، از جمله در زمینهٔ تولید کشاورزی و مصارف جامعهٔ روستایی، ایجاد هماهنگی بین‌بخش صنعت و کشاورزی، افزایش متعادل سرمایه‌گذاری در کشاورزی و صنایع، بهبود سازمان و روشهای ادارهٔ امور تولید کشاورزی وآغاز حرکت در جهت رفع تدریجی اختلاف سطح زندگی بین جامعهٔ روستایی وجامعهٔ شهری درصورت برنامه‌ریزی توسعهٔ اقتصادی تحقق پیدامی‌کند. اقتصاد، باخصلت پویای خود، کشورهای در راه رشد غیرسرمایه‌داری را ملزم میکند که منابع طبیعی و وسایل کار و خلاصه تمام جوانب نیروهای رشد یابندهٔ مولده ونیز انواع موادمصرفی ومقدارمصارف روزافزون‌رادرمحاسبات برنامه‌ریزی توسعهٔ اقتصادی منظور کنند. امروزه، اقلام مورد نیاز یک جامعهٔ ازلحاظ اقتصادی رشدیافته را به ۲۰ میلیون نوع وسایل تولید، مواد اولیه، مصالح و ملزومات‌تخمین می‌زنند، که‌به‌راستی حیرت‌آوراست وعظمت واهمیت ولزوم برنامه‌ریزی توسعهٔ اقتصادی را نشان می‌دهد؛ امری که برای کشورهای در راه‌رشد غیرسرمایه‌داری، درصورت وجود نظام تعاونی تولید و واحدهای بزرگ دولتی دربخش‌های صنعت و کشاورزی، امکان پیدا می‌کند.

اما تاکنون ایجاد وگسترش نظام تعاونی و واحدهای دولتی تولید کشاورزی درکشورهایی که راه رشد غیرسرمایه‌داری را برگزیده‌اند، باوجود ماهیت و هدف‌های مشابه، شکل‌های گوناگونی داشته است و تقریبا درهمه‌جا با مقاومت‌کم‌وبیش شدید عناصر طرفدارساختارهای اقتصادی ماقبل سرمایه‌داری و سرمایه‌داری مواجه شده است. مثلا در الجزایر، طی اجرای قانون اصلاحات ارضی و ایجادتعاونیهای روستایی، زمینداران بزرگ الجزایری به کمک هواداران خود موانعی‌ایجاد می‌کردند و شکل‌های بهره‌برداری تعاونی از واحدهای‌کشاورزی را در اذهان عمومی بی‌اعتبار جلوه می-دادند و دهقانان را ازعاقبت ملی شدن اراضی و تاسیس این‌تعاونیها می‌ترساندند. دراتیوپی‌ودرتانزانیا، کسانی‌که درتشکیل تعاونیهای‌دهقانی وسازمان‌دادن آنهافعالیت‌میکردند، به‌وسیلهٔ‌عناصرضدانقلابی ربوده می‌شدند وبه‌قتل می‌رسیدند. ولی با این احوال، هریک از کشورهای در راه رشدغیرسرمایه‌داری، ایجاد تعاونی‌های روستایی و واحدهای بزرگ دولتی تولید کشاورزی را به شیوهٔ مناسب خود ازپیش بردند. دربرخی از این کشورها، ازجمله در تانزانیا، از سنت‌های تعاونی‌موجود درمناطق روستایی و مانوس برای روستائیان استفاده کردند. چنین سنت‌هایی غالبا درجوامع روستایی کشورهای رشدیابنده وجود دارد، چنانکه در روستاهای ایران هم، چه درتولید زراعی و دامپروری و چه در امورخانه‌سازی ، وعمرانی، انواع سنت‌های تعاونی کم‌نیست.

درعین‌حال، تعاونی‌های‌روستایی کشورهای در راه رشدغیرسرمایه‌داری همواره درزمره تعاونی‌های‌پیشرفته - یعنی تعاون درهمهٔ جنبه‌های تولید- نیستند. مثلا تعدادی از این تعاونیها درزمینهٔ تهیهٔ آسان و ارزان کالاهائی نظیر کود شیمیائی، سموم دفع‌آفات، تفاله‌های صنایع غذائی برای خوراک دام، مواد اولیه مورد مصرف درصنایع روستایی، تامین ابزار و ماشین‌های کشاورزی و غیره و یابرخی مصارف برای خوراک و پوشاک فعالیت می‌کنند و یاصرفا جنبهٔ اعتباری دارند. اما همین تعاونی‌ها هم، با این که دارای سطح نازل‌تری درنظام تعاونی‌هستند، نقش بااهمیتی درجامعهٔ روستایی ایفاء می‌کنند و آن عده از تولیدکنندگان خرده‌پائی را، که اقتصاد انفرادی و پراکندهٔ آنان متکی به کار افراد خانواده‌هاشان است، جلب می‌نمایند وآنان را دریک یا چند زمینهٔ معین به‌هم پیوند می‌دهند و سعی‌می‌کنند که انواع مساعدت‌های دولت انقلابی برایشان سهل الوصول شود. چنین تعاونی‌هایی، ضمنا، زمینهٔ ایجاد تعاونی‌های پیشرفته را به وجود می-آورند، که درآنها همهٔ‌جنبه‌های تولید تعاونی می‌شود. مثلا، درسال ۱۹۵۱، در ویتنام (شمالی) ازبین مجموع ۲۸۸۷۵ تعاون روستایی، که ۴۵/۶۴ درصد خانوارهای دهقانی را دربرمی‌گرفت، فقط ۱۰۳۳ تعاونی‌در زمرهٔ تعاونی‌های پیشرفته بود. ولی درسال ۱۹۶۰، ازبین۴۱۴۰۱تعاونی روستایی دربرگیرندهٔ ۸۵/۸ درصد خانوارهای روستایی، ۴۸۸۵ تعاونی پیشرفته وجود داشت. درعین‌حال، جالب توجه است که متوسط تعداد خانوارهای روستایی متشکل درهر تعاونی، طی سه سال ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۰ از ۳۶ به ۵۸ خانوار ارتقاء یافته بود که نشانهٔ دیگری از استقبال‌خانوار-های دهقان از تعاونی‌ها و قدرتمندتر شدن هریک ازتعاونی‌هاست.

نظام‌تعاونی ویتنام، کشوری که علیرغم جنگ وعقب‌ماندگی به راه سوسیالیسم می‌رفت و توانست به درجهٔ بالائی از شکوفائی دست‌یابد ازسال ۱۹۶۰ به بعد، به‌منظورکاربرد بیشتر شیوه‌های نوین کشاورزی و پیشبرد عملیات ساختمانی درزمینهٔ شبکه‌های آبیاری، تغییراتی به‌خود دید. بنابراین تغییرات، ضمن آن که به تدریج برتعداد تعاونی‌های پیشرفته درمقایسه‌ با مجموعهٔ‌تعاونی-ها افزوده می‌شد، تعاونی‌های‌کوچک همجوار درتعاونی‌های بزرگ ادغام می‌شدند. به‌همین لحاظ، مجموع تعاونی‌ها درسال ۱۹۶۵، درمقایسه با ۱۹۶۰، به ۳۱۶۵۱ تعاونی‌تقلیل یافت واین تقلیل درسال ۱۹۷۲ به ۱۹۵۶۴ تعاونی‌رسید. ولی درهمین حال دامنهٔ عمل این تعاونی‌ها از لحاظ نیروی‌کار، زمین زراعی، بنیهٔ مالی وفنی توسعه یافت تاجائی که درسال ۱۹۷۲ تعداد خانوارهای عضو تعاونی‌ها به ۹۵/۷ درصد مجموع خانوارهای روستایی رسید و سطح قابل کشت تعاونی‌ها، نسبت به‌کل اراضی مزروعی ویتنام شمالی، از ۶۸/۱ برای سال ۱۹۶۰ به ۸۰/۳ درصد برای سال۱۹۶۵ و ۹۲/۲درصد برای سال ۱۹۶۸ فزونی یافت. در این صورت، تعاونی‌ها می‌توانستند از امکانات بیشتری برخوردار باشد واز آنها به شیوهٔ بهتر و کارآتری‌استفاده کنند. باوجود چنین تعاونی‌هائی‌بود که تولید کشاورزی ویتنام‌شمالی و نوسازی فنی آن، به رغم‌حملات شدید هوائی تجاوزکاران آمریکائی، متوقف نمی‌شد.

دولت انقلابی ویتنام وسایل و ملزومات تعاونی‌ها را ازطریق موسسات ملی به‌قیمت تمام‌شده ویا درمواردی - ازجمله درمورد مواد نفتی- به رایگان دراختیارتعاونیها می‌گذاشت و به‌تدریج برمقدار اعتبارات درازمدت آنان‌می‌افزود. دولت، که تامین کادرهای فنی و مدیران آموزش دیدهٔ نظام‌تعاونی را به‌عهده‌داشت، حتی دردوران جنگ‌هم به‌صورتی فزاینده برای تعاونی‌ها کادرفنی و مدیر تربیت می‌کرد واعضای تعاونی‌ها را از لحاظ کاربرد پیشرفتهای علمی و فنی درزمینهٔ کشاورزی آموزش می-داد. مثلا، درسال ۱۹۶۶، ۱۷۰۰۰ از اعضای جوان تعاونی، که‌سال هفتم آموزش عمومی را گذرانده بودند، موفق به فراگرفتن آموزشهای فنی کشاورزی شدند وپس ازبازگشت به روستاهایشان هسته‌های اولیهٔ گروههای فنی- علمی را دررشته‌های تولید زراعی و دامپروری تشکیل دادند. دراین گروهها، دهقانان سالمند عضو تعاونی‌ها هم، که‌دارای تجارب سنتی بودند، همدوش‌جوانان آموزش دیده کارمی‌کردندوبه‌اشاعهٔ فنون پیشرفتهٔ‌کشاورزی درانطباق با وضع محلی موثرمی‌شدند. درعین حال، اعضای تعاونی‌ها، درمزارع آزمایشی به پژوهشهای‌علمی‌مهندسان ودانشجویان کشاورزی‌کمک‌میکردند.

در ویتنام، همراه باتغییراتی که برای کارآئی بیشتر تعاونی‌ها ازسال ۱۹۶۰ به‌بعد صورت دادند، بهبود وضع مدیریت آنها راهم‌درنظرگرفتند. درواقع، مسئلهٔ ادارهٔ تعاونی‌ها همواره به‌قدرمسائل فنی و آموزشی واجد اهمیت و با آن‌ها دارای‌رابطهٔ متقابل است. سازماندهی نیروی کار درتعاونی، برنامه‌ریزی برای‌انواع کشت وتنظیم تناوب زراعی، افزایش سطح اراضی زیرکشت، استفادهٔ درست از وسایل فنی و شیوه‌های نوین کشاورزی وازجمله کشت فشرده، چملگی بامسئلهٔ ادارهٔ تعاونی‌ها مربوط می‌شود، که طراحان‌سیاست کشاورزی در راه رشدغیرسرمایه‌داری برای آن اهمیت زیاد قائل‌اند.

ادارهٔ امور تعاونی‌ها طبعا با ماهیت وهدفهای آن ارتباط دارد. دردرجهٔ اول، عضویت درتعاونی‌ها داوطلبانه است. دولت انقلابی با تدابیرترغیبی خود زحمتکشان و تولیدکنندگان خرده‌پا را برای پیوستن به تعاونی‌ها تشویق می‌کند ودرعین‌حال باکارآموزشی و توضیحی اطلاعات آنان را نسبت به‌مزایای تعاون افزایش می‌دهد. درهرتعاونی همهٔ اعضاء ازحقوق‌مساوی‌برخوردارند مگراینکه درمواردی، به منظور پیشگیری ازتضییع حقوق اکثریت اعضای تعاونی، عدهٔ‌قلیلی‌ازاعضاء به موجب ضوابط قانونی از برخی حقوق محروم می‌شوند. مثلا طبق قوانین برمه، دهقانان ثروتمندی که بیش ازهشت هکتار زمین و یابیش از پنج کارگر کشاورزی داشته باشند

راه‌اندازی...

بقیه‌ازصفحه۱

هیچ نوع کوشش وفداکاری دریغ نمی‌کنند.

بدون‌شک طرح احداث "مجتمع مس سرچشمه" کرمان یکی از طرح‌های بزرگ و زیربنایی کشور است. بااجرای این‌طرح، خاک حاوی مس، که فقط یک درصد آن فلزاست، به‌مس‌خالص‌تبدیل می‌شود و به‌این‌ترتیب، علاوه‌برتامین نیازمندی‌های‌داخلی، با صدور مقادیر زیادی فرآورده، به‌صورت سیم و کابل و لوله مسی، بردرآمدهای ارزی‌غیرنفتی کشور افزوده می‌گردد.

در واحد معدن این "مجتمع" روزانه ۴۰هزار تن سنگ معدنی با مواد منفجره استخراج و با کامیون‌های ۱۲۰ تنی، به‌سنگ‌شکنی که‌ظرفیت روزانهٔ آن ۴۸هزار تن است، حمل می‌گردد. در واحد تغلیظ، سنگ‌معدنی مجددا خورد و در آسیاب‌های گلوله‌ای به پودر نرم تبدیل می‌شود و در "سلل‌های‌فلوتاسیون" با مواد شیمیایی آغشته‌می‌گردد و عیارآن تا۲۵درصد بالامی‌رود. این واحد همانست‌که چندی‌پیش شروع به کار نمود.

محصول‌کارخانهٔ تغلیظ به‌صورت پودر نرم و خشک به‌کارخانهٔ ذوب‌حمل و در دو کوره ذوب (هریک به ظرفیت هر بار ۷۵۰ تن) ابتدا به‌صورت مات مس و سپس کیک (بیلیستر) باعیار۹۹ درصد مس استحصال می‌شود.

قسمت‌های‌اساسی‌واحد ذوب پایان یافته‌وهم‌اکنون مشغول‌نصب دستگاه‌های الکتریکی آن هستند، که امید است تا خردادماه‌سال ۶۱، این‌قسمت‌نیزتکمیل وبهره‌برداری‌کلی مجتمع شروع‌گردد.

به‌طوری‌که‌ملاحظه‌می‌شود، خوراک اولیه "مجتمع" روزانه۴۰هزار تن سنگ معدن و محصول آن روزانه ۴۰تن مس خالص‌است. این "مجتمع" به‌علت‌بزرگ بودن ظرفیت‌تولیدی و دوربودن‌محل معدن‌ازسرویس‌های شهری، ناگزیرباید کلیه‌نیازمندی‌های خود را تامین‌کند؛ لذا در "مجتمع" علاوه‌بر تاسیسات و ماشین آلات اصلی، انواع واحدهای جنبی‌نیزایجادشده‌است، ازجمله‌واحد آب‌رسانی، که قسمتی از آب‌موردنیاز رااز۶۰کیلومتری تامین می‌کند، واحد سدرسوب‌گیری‌بادریاچه‌پشت‌سد برای بازیابی‌مجدد آب‌مصرفی، شهرک‌سرچشمه‌برای‌سکونت۱۵هزار نفرکارکنان‌و خانواده‌آنان، بیمارستان۱۵۰تخت‌خوابی، آموزشگاه‌فنی و مرکزتولید نیرو و غیره.

از "مجتمع مس سرچشمه" علاوه‌بر مس، فلز مولیبدن، طلا و نقره نیز استحصال‌می‌شود. عیار مولیبدن‌موجود درسنگ تغلیظ شده به‌قدری‌زیاد است که‌خود می‌تواند معدن‌مولیبدن‌محسوب شود. این فلز در کارخانهٔ مولیبدن "مجتمع" بازیابی می‌شود و چون‌مورد مصرف‌کمی در داخل‌کشوردارد، قسمت عمدهٔ آن صادرخواهدشد و، باتوجه‌به ارزش زیادی‌که دارد، ارز قابل‌توجهی عاید کشور خواهد کرد.

ذخیرهٔ معدن مس سرچشمه۴۰۰ میلیون‌تن است و، باتوجه به‌استخراج روزانه۴۰هزار تن (سالیانه۱۲میلیون تن)، عمرمعدن سی سال خواهدبود. ولی علاوه‌برمعدن‌مس سرچشمه، معادن مس‌متعدد دیگری‌نیز درکشور ما وجود دارد که محصول همهٔ آن‌هارامی‌توان در این "مجتمع" ذوب نمود. لذاعمر تاسیسات "مجتمع"، باتوجه‌به ۱۲۰۰ میلیون‌تن ذخیرهٔ کلیه‌معادن‌مس‌کشور، به ۱۰۰سال افزایش می‌یابد.

در "مجتمع مس سرچشمه" تاکنون ۱۱میلیون‌تومان‌سرمایه‌گذاری‌شده‌است و روزانه به‌طورمتوسط یک‌میلیون‌تومان هزینهٔ نگهداری آن می‌شود، که‌هرچه دیرتربه‌تولیدبرسد، رقم سرمایه‌گذاری افزایش پیدا خواهد کرد.

همان‌طورکه‌گذشت، ازاین "مجتمع" روزانه ۴۰ تن و سالیانه ۱۴۵هزار تن مس خالص به‌دست‌خواهدآمد. باتوجه به‌نرخ محصولات مسی (مثلا مفتول یا لوله‌مسی، که‌هم‌اکنون در بازارداخلی از قرار هرکیلو ۳۰۰ تا ۴۰۰ ریال‌معامله می‌شود) ارزش تولیدات مس این مجتمع "سالانه ۵۰میلیاردریال‌است، که کلا به‌صورت ارزش افزوده به ارزش تولیدات‌کشور اضافه‌خواهدشد. چنان چه‌ضریب‌اثرات‌عمومی آن‌را دراقتصاد کشور ۳ فرض کنیم، ارزش افزوده‌ای‌که این مجتمع در کل اقتصاد کشورایجاد می‌کند، معادل ۱۵۰ میلیارد ریال‌در سال خواهدبود. برای تجسم این‌رقم، کافیست گفته‌شود که، کل‌ارزش افزوده صنایع کشور حدود ۳۰۰میلیارد ریال است. ازاین‌مقایسه‌به‌اهمیت‌فوق‌العاده این "مجتمع" در اقتصادکشور می‌توان پی‌برد. باید اضافه‌کرد که‌قسمت‌عمده مس مصرفی‌کشور درصنعت‌اسلحه‌سازی ارتش است، یعنی تولیدات‌این "مجتمع"، علاوه‌برتولیدارزش افزوده و ارز خارجی، به‌عدم‌وابستگی صنایع، به‌خصوص‌صنعت‌استراتژیک‌اسلحه‌سازی کشور، کمک خواهد کرد.

با این‌ملاحظات، شاید تصادفی نبود که‌آقای‌مهندس موسوی‌نخست‌وزیر خود در آغازنخست‌وزیری و به‌عنوان اولین‌واحدتولیدی، از این‌واحددورافتاده، واقع در ۲۰۰ کیلومتری شهر کرمان، بازدیدنمود. آقای‌نخست‌وزیر، درمصاحبه روز ۶۰/۹/۳۰ باخبرگزاری جمهوری اسلامی این استنباط را، این چنین روشن ساخت:

"دولت به‌صنایع سنگین‌اهمیت ویژه‌ای‌می‌دهدوبرنامه‌گسترده‌درجهت باروركردن‌معادن‌در دست‌داردوتولید فولادومس‌در اولویت‌قرارگرفته‌است." (اطلاعات، ۳ دی ۱۳۶۰)

حجت‌الاسلام انصاری، نمایندهٔ مردم زرند در مجلس شورای اسلامی، در روز افتتاح کارخانهٔ تغلیظ، خطاب به‌کارگران "مجتمع" گفت:

"شما سربازان فداکاراین‌جبههٔ مقدس ضربات مهلکی به‌آمریکا وارد آورده‌اید، زیرا باراه‌اندازی‌این‌مجتمع عظیم مهیاشده‌ایدکه‌پیروزی‌های‌بزرگی نظیر پیروزی‌های نظامی نصیب کشور اسلامی‌مان سازید." (اطلاعات، هفتم دی ۱۳۶۰)

قبل‌از انقلاب در این "مجتمع" ۷۰۰ آمریکایی کار می‌کردند، که‌سرنوشت کلیه امور را در دست‌داشتند، خود تصمیم می‌گرفتندوخوداجرا می‌کردند. اینک‌باراه‌اندازی‌این "مجتمع" به‌دست‌کارشناسان‌وکارگران‌ایرانی، در واقع ضربهٔ مهلکی بر امپریالیسم‌آمریکا وارد شده است. اینک کارشناسان و کارگران‌فداکار ایرانی خودتصمیم می‌گیرند وخوداجرامی‌کنند وپیش‌می‌روند، هم‌چنان‌که‌برادران‌آن‌ها درجبهه‌های جنگ‌باصدام‌آمریکایی به‌پیش‌می‌روند.

ولی‌در این‌کارزار ضدانقلاب هم از پای ننشسته و با تکیه برعوامل‌خود و استفاده از روحیه غرب‌زدگی، که متاسفانه‌هنوز در بعضی‌هاباقی‌مانده، به‌انواع خرابکاری‌وشانتاژمشغول‌است. ضدانقلاب بعضی‌از اشتباهات‌جزیی‌را عمده‌میکند، بی‌تجربه‌بودن‌کارشناسان را، که کاملا قابل توجیه است، بزرگ می‌کند و از کاهی کوهی‌می‌سازد، تا به مقصداصلی، که‌همان‌توقف‌کار "مجتمع" است، توفیق یابد.

ضدانقلاب چشم دیدن کارشناسی به جز آمریکایی ندارد، اما نمی‌تواند خواست خود را ابراز کند و ناچار به بهانه‌جویی‌متوسل می‌شود. اخیرا پس از انتشار سخنان وزیر معادن‌و فلزات و مدیر عامل شرکت در جلسهٔ افتتاح کارخانهٔ تغلیظ، که‌درآن‌اشاره‌مختصری به‌همکاری‌کارشناسان‌کارخانه‌ذوب‌آهن اصفهان در اجرای برنامهٔ راه‌اندازی نمودند، ضدانقلاب فرصت پیداکرده وشایع نموده‌است‌که‌وزیر ومدیرعامل، زحمات کارشناسان "مجتمع" رانادیده گرفته و عامل اصلی راه‌اندازی‌راکارشناسان ذوب‌آهن دانسته‌اند. ضدانقلاب‌امیددارد‌که‌بااین‌شایعه‌پراکنی، روحیه انقلابی کارگران و مهندسین و تکنیسین‌های "مجتمع" راضعیف‌کندو به‌مقصد اصلی خود، که همان متوقف کردن فعالیت کارکنان است، نزدیک شود.

کارشناسان و کارگران فداکار و زحمتکش "مجتمع مس‌سرچشمه" باید در این‌دام‌ها نیفتند. آن‌ها باید به‌هدف اصلی بیندیشند: هدف بسیارعالی و مقدس‌راه‌اندازی‌واحدتولیدی، افزایش قدرت تولید کشور و نشان دادن این واقعیت که بدون کمک یانکی‌ها، خود قدرت و توانایی انجام‌وظیفه‌ای‌را، که اینک در پیش پای آنان گذاشته‌شده، دارند. کارکنان "مجتمع مس‌سرچشمه" کرمان باید، برخلاف تحریکات‌ضدانقلاب، ازکمک‌و همکاری‌همهٔ کارکنان فنی‌کشوراستقبال‌کنند. امروزافرادفنی ذوب‌آهن به‌کمک "مجتمع" آمده‌اند، فردا از ماشین‌سازی اراک و پس‌فرداز واحدهای‌دیگر خواهندآمد. این‌قبیل همکاری‌ها را باید ارج گذاشت‌و به‌ضدانقلاب و اربابان آن‌ها نشان داد که کارکنان "مجتمع"، دست‌در دست‌تمام کادر فنی کشور، سرنوشت خود را به دست‌گرفته‌اندو باتمام قواتصمیم‌دارند از ذخایر طبیعی کشور برای‌پیشرفت اقتصادی‌و استقلال میهن‌خود بهره‌برداری کنند. در اجرای این تصمیم مهم، همه ایرانیان میهن‌دوست سهیم‌اند، همه باید سهیم باشند.

استفاده‌ازکادرفنی ذوب‌آهن‌در "مجتمع مس سرچشمه" نه تنها عیب نیست، بلکه باید در سایر موارد نیز ـ مثلا برای‌راه‌اندازی واحدفولادسازی اهواز ـ از آن‌ها استفاده‌شود. مبادله کادرفنی میان واحدهای‌تولیدی‌اقدام بسیارمفیدی‌دررفع‌مشکلات فنی‌وایجاد تفاهم بین کادر فنی‌کشور است. شاید درست به همین دلیل ضدانقلاب، با ایجاد جو نامناسب، درصددجلوگیری از ادامه این تجربه است.

امیدواریم کارکنان "مجتمع مس سرچشمه"، همراه کادر فنی ذوب‌آهن وسازمان گسترش و سایر کارشناسانی‌که هم‌اکنون‌مشغول‌بکارند، درانجام‌وعده خود در مورد راه‌اندازی واحدذوب‌در خرداد ماه ۶۱ توفیق حاصل نمایند.

سیاست کشاورزی...

بقیه‌ازصفحه۱۱

مجاز به عضویت درهیئت مدیرهٔ تعاونی‌ها نیستند، هرچند که‌می‌توانند درتعاونی عضوشوند ودر انتخاب اعضای هیئت مدیرهٔ آن‌هم شرکت کنند. و طبعا چنین تدابیری تعاونی‌های کشور را از این خطر که به ابزاری دردست متنفذان محلی تبدیل شوند، حراست می‌کند ومانع می‌شود که عناصر سودجو دردستگاه مدیریت رسوخ کنند. این قبیل تدابیر ازجملهٔ آن اقداماتی است که دولت‌های انقلابی، به‌لحاظ خصلت ضدسرمایه‌داری خود و به منظور پیشرفت بلاوقفهٔ نظام‌تعاونی در راه رشد غیرسرمایه‌داری اتخاذ می‌کنند، تا پیوندی را که بین‌منافع اعضای تعاونی‌ها و منافع عمومی جامعه به‌وجود آمده است، تحکیم نمایند. صرف‌نظر از چنین مواردی، حقوق مساوی همهٔ اعضاء درتعاونی تامین است، تا با همکاری مشتاقانه وسازمان یافتهٔ خود و با استفاده از کلیهٔ امکانات‌و مقدورات به‌پیشرفت آن کمک کنند. هرتعاونی، به فراخور نوع و وسعت کارخود، ارگان‌های اجرائی و تاسیسات گوناگونی دارد، که‌باپرهیزاز حشو و زوائدبوروکراتیک و، درعین انضباط، متکی به اصول دموکراتیک، اداره می‌شود وازاعتماد حمایت، دلسوزی، نظارت و کنترل عمومی و مستقیم اعضای خود برخوردار است.

دولتهای انقلابی کشورهای رشد یابنده، به موازات ایجاد وتقویت نظام تعاونی، باسرمایه‌گذاری در زمینه‌های گوناگون تولید کشاورزی، و در راس آنها با احیای اراضی بایر و موات، به پیشرفت کشاورزی کمک می‌کنند. غالبادر اراضی نوآباد واحدهای بزرگ تولید کشاورزی ایجاد می‌شود، که مسئولیت‌ادارهٔ آنهامستقیما بامدیریت دولتی‌است. توسعهٔ زمینهای زیرکشت طبعا با ایجاد سدهاوسیستم‌های آبیاری دولتی وپایگاههای صنعتی به‌منظور تامین ابزار وماشین‌های کشاوزی همراه است. این قبیل اقدامات غالبا با همکاری کشورهای اردوگاه سوسیالیستی صورت می‌گیرد. مثلا ساختمان سدعظیم فرات درسوریه، که ۴۵۰۰ مترطول و ۶۰ مترارتفاع دارد و درمارس ۱۹۷۸ به پایان رسیده، به کمک اتحادشوروی‌ساخته شده است. این سد، گذشته ازتولید نیروی برق، موجب شد که ۶۴۰۰۰۰ هکتار به اراضی زیرکشت کشورافزوده شود. درکوبا، کارخانهٔ عظیمی به کمک اتحادشوروی ساخته می‌شود که می‌تواند سالانه ۶۰۰ کمباین برای دروی نیشکر تولید کند. باتوجه به اینکه هرکمباین کار ده‌ها دروگر نیشکر را انجام می‌دهد، می‌توان به اهمیت‌تاسیس این کارخانه‌درپیشرفت کشاورزی کوبا پی برد. دولت‌انقلابی کوبادرتوسعهٔ اراضی زیرکشت‌وتاسیس واحدهای بزرگ تولید کشاورزی نیز به حد مقدور سرمایه‌گذاری می‌کند. مثلا، درسالهای ۱۹۷۲ تا۱۹۷۶، برای اجرای طرح‌های آبرسانی، ۴۴۴/۷ میلیون "پزو" و برای‌تعمیر ونوسازی کارخانه‌های تصفیهٔ شکر ۸۰۰ میلیون "پزو" صرف شده‌است، واکنون درحدود ۶/۵ میلیون هکتار از اراضی بایر کوبا برای کشاورزی آماده می‌شود.

سرمایه‌گذاری به‌منظور پیشرفت امورکشاورزی وبالابردن سطح زندگی درجامعهٔ روستایی ازخصوصیات مهم‌سیاست کشاورزی در راه رشد غیرسرمایه‌داری است، که طبعا با برنامه‌ریزی سنجیده و مبتنی بر طرح‌های واقع‌بینانه همراه می‌شود. با آن‌که صنعتی‌کردن کشور یکی از وظایف اصلی دولت مجری راه‌رشد غیرسرمایه‌داری است و به همین لحاظ سرمایه‌گذاری به منظور ایجاد و گسترش صنایع سنگین غالبا در مقام اول قرارمی‌گیرد، ولی درعین حال توسعهٔ کشاورزی جای‌شایسته ومتعادل خود را درسرمایه‌گذاری کل کشور احراز می‌کند، چنان‌که در ویتنام (شمالی) طی‌سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۸، با کمک همین سرمایه گذاری‌ها، ۴۸ شبکهٔ بزرگ‌آبیاری ساخته شد و افزوده بر ۳۱ شبکه، که طی ۶۴– ۱۹۶۱ ساخته شده بود، به کارافتاد. توسعهٔ سیستم‌آبیاری، که باتحکیم تعاونی‌ها و اصلاح مدیریت آنها همراه بود، ذرعین حال‌به یکی از دستاوردهای مهم کشاورزی ویتنام در زمان جنگ‌امکان تحقق داد و نوع جدیدی ازبرنج دارای باردهٔ بالا، موسوم به "برنج بهاره"، تولید شد، که‌فقط در ۳ تا ۴ ماه به عمل می‌آید و برداشت می‌شود. بعدها، طی تحقیقات کشاورزی، انواع دیگری از برنج با حاصلبخشی زیاد به عمل آمد، که تولید آنها به وسیلهٔ تعاونی‌ها معمول شد.

در ویتنام، سرمایه‌گذاری برای توسعهٔ کشاورزی، به دولت انقلابی امکان‌داد که ازسال ۱۹۶۵ به هر تعاونی دارای ۱۰۰ تا ۲۰۰ هکتار زمین، یک موتورکوچک ۱۰ تا ۲۰ کیلوواتی واگذارکند، که از آنها برای براه‌انداختن ماشینهای‌کشاورزی کوچک، نظیرپمپ و ماشین سبوس پاک‌کنی استفاده شد. بااین اقدام، تعداد تعاونی‌هائی که مجهز به‌این قبیل ماشینها شدند، از ۲/۵ درصد برای سال ۱۹۶۵، به ۲۰ درصدبرای سال ۱۹۶۷ و ۵۲/۳ درصد برای سال ۱۹۷۲ ارتقاء یافت، که طبعا در بالابردن سطح بارآوری کارموثرشد.

سرمایه‌گذاری برای توسعهٔ‌کشاورزی به دولت انقلابی ویتنام امکان داد که حتی درشرایط تجاوز نظامی امپریالیسم‌آمریکا و بمباران‌های‌شدید با ماشینی‌کردن نسبی کشاورزی، تاسیس سیستم هیدرولیک، ایجاد تعمیرگاههای تراکتور و ماشینهای کشاورزی و تاسیسات فنی، گسترش مراکز تحقیقاتی و آزمایشی و کاربرد نتایج دستاوردهای علمی‌درزمینه‌های خاکشناسی، آبشناسی، شناخت آفات‌نباتی و امراض دامی به روند پیشرفت کشاورزی در ویتنام‌سرعت ببخشد. برای همین منظور بود که دولت ویتنام، حتی درسال‌های جنگ، بودجهٔ فزاینده‌ای را به توسعهٔ کشاورزی اختصاص داد، چنان که درسال ۱۹۷۲ بودجهٔ توسعهٔ کشاورزی نسبت به متوسط سالهای ۶۸– ۱۹۶۵ بیش از ۳۹ درصد و نسبت به متوسط سالهای ۶۴– ۱۹۶۱ بیش‌از ۱۲۶ درصد بود.

امروزه، دولتهای انقلابی کشورهای رشدیابنده، بیش ازپیش به اهمیت سرمایه‌گذاری درتوسعهٔ کشاورزی پی می‌برند. مثلا، دولت انقلابی لیبی، درنخستین سال پیروزی انقلاب (۷۰– ۱۹۶۹)، فقط مبلغ ۱۶/۹ میلیون "پوندلیبی" برای سرمایه‌گذاری درکشاورزی منظور کرده بود؛ ولی درسال ۷۲–۱۹۷۱ برای همین منظور ۵۰ میلیون پوند اختصاص داد، که ۱۶/۸ درصد سرمایه‌گذاری کل کشور را شامل می‌شد. قسمت اعظم اراضی کشاورزی لیبی، قبل از انقلاب، دردست استعمارگران ایتالیائی وخاندان سلطنتی و منسوبان‌به آنها بود و بلافاصله مصادره شد. اکنون سیستم کشاورزی لیبی به‌طورعمده به وسیلهٔ دولت اداره می‌شود. دولت انقلابی لیبی، که نمی‌خواهد اقتصاد کشور منحصرا به درآمد نفت متکی باشد، در اراضی ملی‌شدهٔ کشور و به کمک سرمایه‌گذاری دولتی واحدهای پیشرفتهٔ تولید کشاورزی ایجادکرده است. درهر واحد، زمین تازمانی به دهقان تعلق دارد، که روی آن‌مشغول به‌کارباشد. یکی از این واحدها، موسوم به "وادی الحی" (سرزمین زنده)، ۲۷۰۰۰ هکتار زمین و ۴۱۷ مزرعهٔ بزرگ دارد، که شامل باغ‌های‌زیتون، انگور، بادام، انجیر و نخلستان است. حبوبات، سبزی و گوجه فرنگی نیز درآنجا کشت‌می‌شود. درهرمزرعهٔ این واحد مقداری از اراضی به خانه‌های کشاورزان و انبارها و به محل‌های نگهداری دام‌ها، طیور، ابزارها و ماشینهای کشاورزی اختصاص دارد. آبیاری مزارع به صورت قطره‌ای است و مجموعا ۴۵ مخزن یا چاه آب‌دارد. در "وادی‌الحی"، مدرسه، بهداری، موسسهٔ آموزش حرفه‌های کشاورزی برای اعضای خانواده‌های روستایی، آتش نشانی و کارگاه صنعتی برای ماشین‌های کشاورزی ساخته‌اند. به زنانی که درموسسهٔ آموزش حرفه‌های کشاورزی آموزش می‌گیرند، ماهیانه مبلغی می‌پردازند. روستائیان، گذشته ازسوادآموزی وآموزشهای مذهبی، اموری نظیرخیاطی رانیز می‌آموزند. درآنجا، بذر، کود، تراکتور و لوازم‌صنعتی دیگر به‌رایگان دراختیار کشاورزان قرارمی‌گیرد. به هرخانوادهٔ کشاورز ۲۵ راس گوسفند و ۵۰ مرغ و خروس داده‌اند. درعین حال، تولید متعلق به کشاورزاست، ولی دولت به ازای آنچه که کشاورز تولیدمی‌کند، به اوپول می‌پردازد.

می‌توان نتیجه گرفت که تاکنون دولتهای انقلابی کشورهای رشدیابنده‌آسیا و آفریقا وآمریکای‌لاتین براثر اتخاذ سیاست کشاورزی‌منطبق با راستای راه رشد غیرسرمایه‌داری، بسیاری از مشکلات تولید کشاورزی و عقب‌ماندگی‌های‌جامعهٔ روستایی خود رابرطرف کرده‌اند. البته این دولتها هنوز مشکلات بسیاری درپیش دارند که، درصورت ادامهٔ راه‌رشد غیرسرمایه‌داری، خواهند توانست آنها را نیز برطرف کنند و باپی‌ریزی مبانی ضرور برای تحولات عالی‌تر اجتماعی– اقتصادی وظایفی را، که تاریخ برعهدهٔ‌شان حول کرده‌است به انجام برسانند. پیشرفت‌های همه‌جانبهٔ این دولت‌ها، ازجمله‌در زمینهٔ تولید کشاورزی ونوسازی جامعهٔ روستایی، هرناظر منصفی را به پیروزی قطعی راه رشدغیرسرمایه‌داری امیدوارمی‌کند، راهی که سال‌ها است نه‌تنها ازلحاظ نظریه‌پردازی، بلکه درعمل نیز صحت و حقانیت خود رابه اثبات رسانده است.

پایان

اخراج بیرویه...

بقیه از صفحه ۱

وخائنانه‌تر دنبال می‌شود. فشارهای اقتصادی دنیای امپریالیستی و برراس آن آمریکا جانب دیگر این منظره است. هرچند دشمن خشت بر آب می‌زند، که اراده‌ونیروی تاریخ‌ساز توده‌های میلیونی زحمتکشان ایران را ناچیز شمارد. اما این اراده‌واحد و این نیروی شکست ناپذیر راباید به‌مثابه‌یگانه‌سدراه‌خیره‌سریهای دشمنان انقلاب، همچون مردمک چشم، پرستاری‌کرد. پیروزی نهائی انقلاب اساسا در گرو آن است که صف یکپارچه میلیون‌ها کارگرو زحمتکش‌شهر وروستا استوار وپابرجادر سمت انقلاب بماند و با پایمردی هر یورشی را به دژ انقلاب ناکام کند. ازاین زاویه، کلام امام خمینی رهبر انقلاب وبنیانگذارجمهوری اسلامی ایران برجستگی ویژه‌ای میبابدکه:

"حیات هرملت‌مرهون کار وکارگر است."

واین‌که: "کارگران‌ستون فقرات انقلاب‌اند."

هم‌پیوندی‌سرنوشت طبقهٔ کارگر وسرنوشت‌انقلاب بزرگ ما اساسی‌ترین حقیقتی است که‌باید شالودهٔ برخورد به‌مسائل این طبقه قرارگیرد. به‌سخن دیگر، هرامری —ولو بظاهر گذرا وناچیز— که به‌زندگی طبقهٔ کارگر و موقع مادی ومعنوی اوبرگردد، بی‌هیچ‌تردید تاثیر حدی در سیر انقلاب ما به‌طرف استقلال، آزادی و عدالت‌اجتماعی خواهد داشت. چنین‌است که مسکوت گذاشتن یا کم‌توجهی به کار و زندگی طبقهٔ کارگر، یا بدترازآن، تشدیدفشار به‌این‌نیروی‌انقلابی، آگاهانه یا ناآگاهانه، خواسته یا ناخواسته، به‌زیان انقلاب‌وبه‌سود دشمنان انقلاب و جمهوری‌اسلامی‌ایران‌است.

کارنامهٔ طبقهٔ کارگر در مبارزه به خاطر سرنگونی رژیم ضدمردمی‌پهلوی دفاع ازانقلاب و دستاوردهای آن، شرکت‌موثردر امردفاع برحق‌از میهن انقلابی در برابر تجاوزآمریکایی‌صدام چه‌درخط مقدم‌جبهه، چه در تدارک پشت‌جبهه، تلاش‌بی‌امان در جهت افزایش‌تولید وسرکوب توطئه‌های‌جبهه براندازی، تحمل‌بار طاقت‌فرسای‌گرانی ومحرومیت‌های‌گوناگون، همه وهمه‌تنها گوشه‌ای از نقش دوران‌ساز وایثارگرانهٔ طبقهٔ‌کارگراست. اما در برابر این خدمات بی‌نظیر، دشواری‌های‌گوناگون در کار وزندگی کارگران‌وقیدوبند های فلاکت‌بار بردست وپای آنان، آنچنان زیاداست‌که‌می‌باید برای همهٔ مسئولان متعهد وهمهٔ نیروهای‌انقلابی هشداردهنده‌باشد. ازآن‌جمله‌است نبود یک قانون‌کار انقلابی‌ومردمی و، اگردرست‌ترگوئیم، معتبر بودن قوانین طاغوتی دراین‌زمینه!

گذشته ازاین مطلب، که‌مهم‌ترین و دردناک‌ترین واقعیت زندگی فعلی طبقهٔ کارگربه‌شمارمیرود، درعین حال‌ومتاسفانه‌دست‌اندازی‌های‌خودسرانه و مغایر باجوهر مردمی‌انقلاب‌به حقوق طبیعی کارگران به‌اشکال‌گوناگون ادامه‌دارد: قانون‌کار بدون‌شرکت‌فعال نمایندگان‌خود کارگران تدوین‌می‌شود؛ درحل‌مسائل‌گوناگون‌واحدهای‌کار کمتر ازنیروی‌خلاق‌کارگران استفاده‌میشود، حقوق مربوط به تشکل صنفی کارگران بدفعات و به‌انحاء مختلف زیر پا گذاشته‌میشود؛ بدون در نظر گرفتن مشکلات‌زندگی وهزینه‌های طاقت‌فرسا، به‌شیوه‌ای غیراصولی از دستمزد و حقوق اولیهٔ کارگران کاسته‌میشود، و دشواری‌های فراوان‌دیگری که ذکر آن مثنوی هفتادمن‌کاغذمیشود.

در زمرهٔ همین نارسایی‌ها بویژه بایدازسوئی از بقاء مادهٔ ۳۳ قانون کار فعلی (میراث‌طاغوت) نام‌برد و از سوی‌دیگر از اخراج‌های‌بی‌حساب و کاملا نسنجیده کارگران، که‌حتی بهانه قانونی‌هم‌برای آن‌تراشیده‌نمی‌شود. تنهاکافی‌است‌گفته‌شود که فلان‌واحد ضررمی‌دهد، دیگری دچار کمبودها ی گوناگون‌است، درسومی سطح تولید پائین‌است وآن‌یک با "تورم‌پرسنلی" مواجه‌است، تابلافاصله، نتیجه گرفته شودکه باید تعداد کارگران را کاهش داد، باید جمعی را بی‌هیچ‌تعهدی به ظلمات‌بیکاری وآوارگی تبعیدکرد!

اشتباه این نگرش تنهادر آن نیست‌که‌هزاران‌خانواده راازنظر امر معیشت خویش فلج‌میکند، تنها این نیست‌که‌تجویز مسکن‌های بی‌اثر را بر مداوای‌واقعی‌وریشه‌ای‌دردها‌برتر می‌شمارد بلکه‌خطای‌سه‌گانه‌مهم‌تری‌رخ‌می‌دهد، که‌ازدیدگاه‌اصلی (منافع انقلاب) ابدا قابل‌گذشت‌نیست.

اخراج‌کارگران بخشی ازمهم‌ترین‌نیروی‌انقلابی را از صحنه‌کاردور میکند، توان‌انقلابی آنان را بلااثرمی گذارد تخم یاس وبدبینی در میان آنان‌می‌پاشد، ودر برابر، دست دشمنان رنگارنگ انقلاب را درازتر و کاری‌تر میکند. نیز باید بیادداشت‌که این‌تقویت ناخواسته دشمن، به قیمت بیرون‌کشیدن بخشی ازنیروهای‌رزمنده ازسنگرهای‌مقدم‌وپرت‌کردن‌آنان به اعماق بیکارگی و بی‌اثری، بی‌هیچ شکی باپشتیبانی‌دشمن روبرومیشود.

دشمن تحریک‌میکند، خرابکاری راسازمان‌میدهد و راه‌های چاره را، تا حائی‌که‌بتواند، مسدودمی‌سازد، تابه ظاهر هیچ‌گریز گاهی نماندمگر آن که فشارها به‌گرده زحمتکشان وارد آید نتیجه‌روشن‌است. بذرهایی‌که ضدانقلاب پاشیده‌خوانه‌میزنند و بخشی ازگردان‌های انقلاب‌ازخط خارج‌می‌شوند. کارشکنی در تحویل و تدارک موادولیه و وسائل ضرور کارخانه‌ها، مانع تراشی‌بر سر راه سازمان دادن تولیدو فروش‌وسرانجام تحریک‌کارگران به‌اعتصاب وکم‌کاری ازناحیهٔ دشمن بی‌وقفه دنبال‌میشود، تا آتشی برافروخته‌شود و لهیب‌شعله های‌آن دامنگیر کارگران‌گردد. کمترین‌ثمراین رویه برای ضدانقلاب دسیسه‌گرآن‌است که‌بخشی ازنیروهای‌انقلاب ازحاکمیت انقلابی‌فاصله‌گیرند وازصحنه خارج شوند. این‌توطئه را باید بااعتماد به کارگران و احترام به‌حقوق آنان، به ویژه از طریق تضمین امنیت شغلی آنان، ناکام‌گذاشت، تاضمن تقویت انقلاب وتحکیم پایه‌های‌مردمی‌آن، عدالت‌اجتماعی نیزخدشه‌دارنشود.

یک پیامدزیان‌بارو مهلک این ترفند دشمن، تضعیف بنیهٔ تولیدی‌و تخریب پایه‌های‌اقتصادی‌جمهوری اسلامی‌ایران‌است، تا دست‌یافتن به استقلال‌واقعی‌حتی‌المقدورناممکن یا دشوارشود. اگرهدف‌نخستین‌عدالت اجتماعی‌رازیر ضربه می‌گیرد، این جهت توطئهٔ دشمن، بر مبانی‌استقلال ما یورش‌می‌آورد، زیرا واحدهای‌عظیم تولیدی‌را فرومی‌پاشد، سازمان‌تولید رادرهم‌می‌شکند، تا سنگ‌بنای نیل به خودکفائی و شکوفائی اقتصادی راا ز میان‌بردارد.

با این‌توطئه نیز باید باچشم‌باز وباتدبیرانقلابی‌مبارزه‌کرد. متاسفانه خبرهایی که‌درگوشه‌وکنارجرایدبه‌چشم میخورد، ازجملهٔ اخراج‌عدهٔ‌کثیری ا ز کارگران صنایع‌فولاد و خردکردن‌این مجتمع عظیم به‌هسته‌های‌پاره‌پاره، از مبارزهٔ آگاهانه بااین‌توطئه حکایت نمی‌کند. به‌این‌ترتیب، صرفنظر از انگیزه‌ها ونیت‌ها، حرکت‌ازروی حدس وگمان، آزمودن دیگر بار خطاها ی آزموده‌شده وسهل‌انگاری هاعواقب وخیم‌وپیامدهای‌نگران‌کننده‌ای را در جهاتی‌که‌برشمرده‌شد، بجای‌میگذارند. واین‌همان‌چیزی‌است‌که‌باید کارمایهٔ برخورد به‌مسائل انقلاب‌و میهن قرار گیرد: نتیجهٔ عملی تصمیم‌ها.

سومین وآخرین‌نکته‌ای که‌به‌هیچ رو از ارزش واهمیت‌کمی برخوردار نیست، مسئلهٔ رعایت موازین قانونی در مورد کارگران‌است، که علی‌الخصوص به‌آزادی‌های‌مردمی مصرح در قانون‌اساسی جمهوری‌اسلامی‌ایران بازمی‌گردد. این‌جاوآن‌جا، بسیاری از کارگران تنها به‌صرف داشتن‌اندیشه و اعتقاد ویژهٔ خویش، تنها به‌لحاظ برخورداری ازسلیقه‌هاونگرشهای‌متفاوت مشمول "پاکسازی" می‌شوند. دردناک‌تر ازآن، گاه فقط "زن" بودن، بهانه‌ساز طردکارگران ازتنها محل امرار معاش آنان‌میشود.

متاسفانه تنگ‌نگری‌ها و خودمحوری‌ها، در سالی که‌به‌گفتهٔ رهبر انقلاب و بنیانگذارجمهوری اسلامی ایران‌ومسئولین‌بلندپایهٔ جمهوری، "سال‌قانون" است، به‌راحتی‌قانون را لگدکوب‌می‌کند. وضوابط من درآوردی وکاملا خودپسندانه را جایگزین اصول ونصوص‌صریح قانون‌می‌سازد. کمترین زیان این برخورد نیز بی‌احترامی‌و هتک‌حرمت قوانین‌ومبانی جمهوری اسلامی‌ایران‌است. آزادی‌های مردمی که‌ضرور نظام‌انقلابی ما و سازگار با گوهر دموکراتیک آن‌است، تنها زینت اوراق قانون نیست، بلکه پیوند ناگسستنی با سرنوشت‌انقلاب‌دارد. از این‌نظر نیزدر بسیاری موارد، اخراج‌ها آماج‌های اصلی انقلاب را هدف گرفته‌است.

در یک‌کلام، اخراج ناموجه‌وبی رویه‌کارگران‌مغایربا اهداف‌انقلاب‌ودر ستیز با استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی است و ازاین رو هشداردهنده و نگران‌کننده.

به‌این‌اخراج‌ها باالغو مادهٔ ۳۳ قانون‌کار کنونی، باتضمین امنیت شغلی کارگران، به‌کمک خود کارگران، باید پایان‌داد.

بدیهی است‌که دراین‌جهت‌نیز نیروی لایزال کارگران یار و مدد کار مسئولین‌وچاره‌ساز دشواری‌های‌موجود خواهد بود.

بمناسبت روز پیروزی کامبوچیا (۷ دی ۱۳۵۸ / ۷ ژانویه ۱۹۷۹)

و روز بنیانگذاری جمهوری خلق کامبوچیا (۲۰ دی ۱۳۵۸ / ۱۰ ژانویه ۱۹۷۹)

خلق آزاد کامبوچیا

زندگی نوین خود را میسازد



نسل نوین درکامبوچیای آزاد باشادی رشد میکند.

با پیروزی خلق کامپوچیا علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم دست نشاندهٔ **لون نول** در ۲۸ فروردین ۱۳۵۴ (۱۷ آوریل ۱۹۷۵)، که در پی‌پیروزیهای‌خلق‌های‌ویتنام‌جنوبی و لائوس بدست آمد، آخرین سنگر امپریالیسم درهندوچین فروریخت و این امید در دل‌ها پدید آمد که از این پس این سه کشور در راه سوسیالیسم گام برخواهند داشت. اما در کامپوچیا این امید به سرعت مبدل به یاس شد، زیرا **باند "پول پوت— ینگ ساری"** با قبضه کردن حاکمیت، سیاستی مائوئیستی پیش گرفتند و کشور را به ورطهٔ سقوط سوق دادند. ماهیت این رژیم ترور و وحشت و جنایاتی که دارودستهٔ **پول پوت — ینگ ساری** طی حدود چهار سال حاکمیت مرتکب شد، برهمگان شناخته شده است و جای تکرار آن نیست.

در ۱۱ آذر ۱۳۵۷ (۲ دسامبر ۱۹۷۸) خلق کامپوچیا برای رهائی از یوغ این رژیم خونخوار دست‌بتشکیل **"جبههٔ واحدملی‌برای‌نجات‌کامپوچیا"** زد و با سازمان دادن مبارزهٔ مسلحانه و با برخورداری از حمایت خلق‌برادر ویتنام، در ۱۷ دی ۱۳۵۸ (۷ژانویه ۱۹۷۹) پنوم‌پن را آزاد کرد وبدین ترتیب **"شورای انقلابی‌خلق"** به حاکمیت دست یافت. روز ۲۰ دی ۱۳۵۸ (۱۰ ژانویهٔ ۱۹۷۹) تشکیل جمهوری خلق کامپوچیا اعلام شد.

طی سه سالی که ازسرنگونی رژیم **پول پوت** می‌گذرد، جمهوری خلق کامپوچیا گام‌های مهمی به سوی پیشرفت درزمینه‌های مختلف برداشته است. دراین مدت اکثر موسسات اقتصادی ازکار افتاده، به راه انداخته شده است. نظام مالی و پولی از نوبرقرار گشته است. کانالها و دیگرموسسات آبیاری دراغلب استان‌ها باردیگر مورد بهره‌برداری قرارگرفته‌اند. درسال ۱۹۸۱، حدود ۱۵۰۰۰۰۰ هکتار به کشت برنج اختصاص یافت. سرویس پست وحمل ونقل به تدریج به راه انداخته‌شد. درزمینهٔ فرهنگی و بهداشتی نیز پیشرفت‌های چشمگیری حاصل‌گشته است و مدارس و درمانگاه‌های متعددی درنقاط مختلف کشور ایجاد شده‌اند. درسال ۱۹۸۱، ۱۴۰۰۰۰۰ کودک و نوجوان درمدارس کامپوچیا ثبت نام کردند. دانشگاه پنوم‌پن نیز کارخودرا ازسرگرفته است. شهر پنوم‌پن که در زمان رژیم **پول‌پوت** از سکنه خالی شده بود، اکنون حدود ۴۰۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد و زندگی جریان عادی خود را بازیافته است.

بدینسان، علیرغم تمام دشواریها، خلق کامپوچیا با تلاش پیگیر و به کمک همه‌جانبهٔ کشورهای‌سوسیالیستی بازسازی اقتصادی خود را به پیش می‌برد.

نهادهای سیاسی کشور نیز روز به روز مستحکم‌تر می‌شود. دراا اردی‌بهشت ۱۳۶۰ (اول ماه مه ۱۹۸۱)، انتخابات عمومی درکامپوچیا انجام گرفت ونخستین جلسهٔ "مجلس‌ملی" در ۳ تیر ۱۳۶۰ (۲۴ ژوئن ۱۹۸۱) تشکیل شد. قانون اساسی جدیدکشور به تصویب همین مجلس رسید. چهارمین **کنگرهٔ "حزب انقلابی‌خلق کامپوچیا"** نیز دراین سال تشکیل شدو تدابیر مشخصی درزمینه‌های سیاسی، ایدئولوژیک و تشکیلاتی اتخاذ کرد.

اعتبار بین‌المللی جمهوری خلق کامپوچیا بیش ازپیش افزایش‌مییابد و نشانهٔ آن‌به رسمیت شناخته‌شدن این کشور توسط تعداد هرچه‌بیشتری از کشورهای جهان است که در دوران اخیر، کشورهند یکی ازمهم‌ترین آنها بوده است. اما تحریکات و دسیسه‌های امپریالیسم آمریکا و برتری طلبان چینی موجب شد که امسال نیز دولت کامپوچیا ازکرسی خود درسازمان ملل متحد محروم بماند.

فعالیت‌های خصمانه امپریالیسم آمریکا و متحدانش علیه‌خلق‌کامپوچیا به این خلاصه نمی‌شود. آنها ازیک سو گروه‌های ضدانقلابی را مسلح می‌کنند، تا درکشور آشوب برپا سازند، و ازسوی دیگر درصدد متحد ساختن جناح‌های مختلف‌ضدانقلابی برآمده‌اند. اما این تلاش‌های مذبوحانه نیز سرانجام شکست‌خواهد خورد و جمهوری خلق کامپوچیا با برخورداری از حمایت همه‌جانبهٔ جامعهٔ کشورهای سوسیالیستی ودیگر کشورهای مترقی‌جهان درراه‌سازندگی جامعه‌ای نوین به پیش خواهدرفت.

* * *

متاسفانه دولت جمهوری اسلامی ایران تاکنون درجهت برقراری مناسبات سیاسی ودیپلماتیک با جمهوری‌خلق‌کامپوچیا گامی‌برنداشته است. وزارت امورخارجهٔ جمهوری اسلامی ایران می‌باید این کمبود را هرچه زودتر جبران کند، زیراتردیدی نیست، که استقرار مناسبات دوستانه با کشورهای ضدامپریالیست و مترقی جهان، بسودتحکیم‌انقلاب‌وجمهوری اسلامی‌ایران وتقویت جبههٔ جهانی ضدامپریالیستی است.

چند خبر کوتاه از وضع جوانان و دانشجویان عراقی

پیگرد دانشجویان در عراق شدت می‌گیرد

براساس اخبار بولتن خبری "اتحادیهٔ عمومی دانشجویان عراق" (گوسیر) رژیم ضدمردمی صدام حسین دست به اقدامات تضییقی فزاینده‌ای علیه دانشجویان عراقی زده است. عامل اجرایی سیاستهای صدامانی رژیم دیکتاتوری در دانشگاه ها، "اتحادیهٔ ملی دانشجویان عراق" (NUIS) است، که اعضاء آن را مزدوران سرسپردهٔ رژیم دیکتاتوری صدام تشکیل می‌دهند.

در بولتن خبری "گوسیر" خاطر نشان شده است که:

"سال تحصیلی جدید درشرایطی آغازشد که نیمی از کلاسها خالی بودند. جنگ تجاوزگرانه علیه ایران همچنان ادامه دارد و دانشجویان و جوانان عراقی به جبهه‌ها اعزام می‌شوند. ازسال ۱۹۸۰ تاکنون بیش از پنج هزار دانشجو، همراه با خانواده‌هاشان، به بهانهٔ ایرانی الاصل بودن از کشور اخراج شده‌اند. علاوه براین، تعداد بسیاری از دانشجویان بخاطر فرار از پیگرد به ناچار تحصیلات خود را رها کرده‌اند".

قوانین و اقدامات خودسرانه علیه دانشجویان عراقی

اخیرا بنا به تصمیم مسئولان دولتی، دانشگاه سلیمانیه درمنطقهٔ کردستان عراق تعطیل شده‌است. این تصمیم گام جدیدی در راستای سیاست ارتجاعی وشووینیستی رژیم دیکتاتوری صدام حسین علیه مردم ودانشجویان کرد عراقی است.

دانشجویان گوشت دم توپ

حکام بغداد اخیرا تصمیم خود ـ سرانه‌ای اتخاذ کرده می‌خواهند تمام دانشجویان دانشگاه‌ها و مدارس عالی راکه امتحانات نهایی خود رامی گذرانند به‌خدمت سربازی احضارنمایند. قرار است دانشجویان مستقیما به‌جبهه های جنگ علیه ایران فرستاده شوند. این تصمیم بدون استثناء شامل تمام دانشجویان و فارغ التحصیلات جدید می‌شود. بعلاوه، بنابه‌تصمیم رژیم دیکتاتوری صدام، دانشجویان عراقی حق مسافرت به خارج از کشور را ندارند. این تصمیم درنتیجهٔ گسترش فرار از خدمت سربازی ازطریق خروج از کشور اتخاذ شده است.

ولی علیرغم همهٔ تضییقات، جوانان و دانشجویان مترقی عراق به پیکار دلاورانهٔ خود علیه داروستهٔ حاکم دربغداد ادامه می‌دهند. صدها دانشجو به واحدهای پارتیزانی پیوسته‌اند و درمبارزهٔ مسلحانه علیه رژیم دیکتاتوری صدام شرکت دارند. پیروزی نهایی از آن خلق عراق است.

یادداشتی برفیلم "آخرین نفس" (نام اصلی چارلی براوو)

شاهدی که کوراست

فیلمی از فرانسه، ساختهٔ **کلود برنارداوهر**، رابر پرده‌سینماهای تهران می‌بینیم. فیلم ماجرایی را که درآخرین روزهای تجاوز امپریالیسم فرانسه میان انقلابیون ویتنامی ومزدوران فرانسوی رخ‌داده، به‌تصویرکشیده‌است. بعد از دیدن فیلم (همچنان‌که هنگام دیدن) تماشاچی باکوماندوهای فرانسوی احساس‌نزدیکی وهمدردی می‌کند!

ماجرا حدیث‌جنگ‌بین "قهرمانان" مزدور با ویتنامی‌های "مودی" است! ویتنامی‌هایی که‌در رویارویی باکوماندو‌های‌فرانسوی‌بی دست‌وپا می‌نمایندو با این‌حال برای آزادی‌وطنشان تلاش‌می‌کنند. تمامی کوشش‌فیلمساز مصروف‌این شده‌است‌که‌چهره‌ای مسخ شده از انقلابیون ویتنام نمایش دهد.

نظایر اینگونه فیلم‌هاکم ساخته نشده وکم هم بر پرده‌سینماهای‌تهران به‌نمایش‌درنیامده‌اند! یکی ازعرصه‌ های‌تبلیغاتی "امپریالیسم خبری" ساختن فیلم‌هایی چون **"آخرین‌نفس"** است، که‌به‌اصطلاح‌ماجرایی حقیقی را نشان‌میدهد، که‌گویا شاهدی عین‌واقعه رادیده ودر بطن آن‌بوده‌است و اکنون ماجرا راتعریف می‌کند، شاهدی که‌اگر کورنبوده‌باشد، حتما مغرض‌است.

اولین‌تناقضی که‌بعد از دیدن **"آخرین‌نفس"** به‌ذهن‌میرسد، "قتل‌عام" همهٔ‌فرانسویان درگیر درعملیات‌است، که‌درآغاز فیلم‌برای تماشاچی، از زبان یکی‌ازشاهدان‌واقعه، بازگومی شود. کوماندوها در آغاز آدم‌هایی بدون عاطفه‌معرفی می‌شوند و سپس‌درمواجههٔ باکشته‌شده‌همراهان‌خود، "رقیق ترین احساسات" را نشان‌می‌دهند! خانم پرستار "رئوف‌ومهربان" در آخرین تصاویر فیلم، مسلسل بدست، باحرارت وکینه‌ای‌عمیق به‌سوی "دشمن" حمله‌می‌برد.

خصیصه‌چنین‌فیلم‌هایی نیزهمین است. خورشید حقیقت را که‌نمی‌شوددر بندابرهای دروغ‌گرفتار ساخت. مسلم است که‌انوارحقیقت وپلیدی دروغ خود را نشان‌خواهند داد. دراینجانیزحربه لیبرالیسم به‌کمک دستگاه‌های تبلیغی امپریالیسم می‌آید. **"آخرین‌نفس"** با ادعای کاذب افشای سیاست‌های امپریالیسم، در ذهن‌تماشاچی عادی جایی برای‌خود می‌یابد. کوماندوهای فرانسوی‌در طول فیلم مرتب تکرارمی‌کنند که‌آن‌ها قربانی سیاستمداران و سلطه‌گران‌شده‌اند، وسئوال‌می‌کنندکه: چراکیلومترها دور از وطنشان میجنگند؟ آنهامیگویندکه‌بازندهٔ‌جنگ سربازانندو احترام‌عمیقی برای‌انقلابیون ویتنامی قائلند. آنهامیپرسندکه: چرا عده‌ای بیگناه‌رامی‌کشندو... اماهر کدامشان "قهرمانانه" تا "آخرین‌نفس" میجنگند!

هنگام تصویرکردن‌چهره‌پارتیزان‌هاومردم‌ویتنام، کارگردان‌این خلق قهرمان‌وارتش‌مردمی‌آن را به صورت افرادی‌که‌ساکت‌وآرام پا به‌قتلگاه‌می‌گذارند، افرادی‌که‌مانند خرگوش‌اسیر میشوندودرهمانحال‌راهنمای‌دشمن‌اند، افرادی‌سفاک‌وبیرحم ودرعین‌حال دست‌وپاچلفتی، معرفی‌می‌کند. او در این‌راه‌تمام توش‌وتوان‌تکنیکی‌اش را به کارمی‌گیرد وبانمایش‌صحنه‌هایی درشت ازمردن‌کوماندوها ـ درحالی‌که بسادگی ازکنارمرگ‌ویتنامی‌ها با نماهای‌معمولی می‌گذرد ـ وروبروساختن‌کوماندوها با مصائب ومشکلات‌فراوان، می‌کوشد تماشاگر را تحت‌تاثیرقراردهد. موزیک رعب‌انگیز وصداهای‌زمینه (افکت) برای‌پرداخت صحنه‌های‌آنچنانی به کارگردان بیشترین یاری رامی‌رساند.

تلاشی‌که‌می‌خواست توجه مردم دنیا را از پیروزی خلق قهرمان‌ویتنام منحرف‌کند، شکست‌خورده‌است، ولی می‌بینیم که‌حکایت "رشادت" های فرانسویان‌درویتنام و... این‌هدف‌راهم چنان‌دنبال‌میکندوبرپردهٔ سینماهای یکی‌ازکشورهای‌انقلابی دنیابه نمایش درمی‌آید.

آیابه‌نمایش‌درآوردن‌فیلم‌هایی‌مانند: **"مبارزان‌فلسطین"**، **"مدرسه ضدجاسوسی"**، **"حکومت‌نظامی"** و... که‌سعی‌در مخفی‌کردن‌چهرهٔ دشمن، سعی‌درمسخ‌چهرهٔ انقلابیون و تلاش درتطهیر دشمن‌دارند، بس‌نیست‌که‌حالا **"آخرین‌نفس"** راهم باید به‌آن اضافه کنیم؟

تعدادبیکاران را معین کنید!

آقای‌مهاجری، نمایندهٔ وزارت‌آموزش و پرورش در نهضت سواد آموزی درمصاحبه‌ای بانمایندهٔ رادیوتلویزیون، که‌درساعت ۷/۴۵ دقیقه صبح پنجشنبه ۱۰ دیماه ۶۰ از رادیو پخش‌شد، درباره راه‌حل ریشه‌کن‌کردن بی‌سوادی‌درجمهوری‌اسلامی‌ایران پیشنهاد کرد:

"دوپیشنهادمی‌کنم: **۱ـ که به کارگران کارخانجات فرصت‌داده‌شودکه اگر ظرف یکسال سواد یادنگرفتند، ازکارخانه‌اخراج‌خواهند شد.**

۲ـ به‌دهقانان دهات‌فرصت‌داده‌شود که‌اگرظرف یکسال سواد یاد نگرفتند، وام وکود و کمک‌های‌دیگر به‌آنها داده‌نخواهد شد"!

آقای‌مهاجری سپس‌اظهارامیدواری‌کردندکه‌وزارت‌کاروزارت‌کشاورزی، همهٔ‌امکانات‌خودرابرای‌عملی‌شدن‌این‌پیشنهادها بکار بیندازند.

باتوجه به‌این واقعیت که‌بیش‌از **۷۰درصدمردم** کشور ما بیسوادند (به گفته‌آقای‌معادیخواه‌وزیرارشاداسلامی ۱۶ میلیون‌نفر) وبا توجه به‌این‌واقعیت که‌نهضت‌سوادآموزی‌تاحال‌توانسته‌است تنها "۴۰۰هزار نفر را زیر پوشش (دقت‌کنیدتنها "زیر پوشش") داشته" باشد (مصاحبه‌آقای‌معادیخواه با اطلاعات، ۷دی ۶۰) وباتوجه‌به‌این‌واقعیت‌که‌باامکانات‌موجود، بتصدیق وزیر ارشاد اسلامی، ۳۰ الی۳۵ درصد کودکان واجب‌التعلیم ۱۱ـ۶ ساله از امکان تحصیل (دقت کنید از "امکان‌تحصیل") محرومند، معین‌کنید، در صورتیکه پیشنهادهای‌آقای‌**مهاجری** به‌عمل‌درآیند، پس از گذشت یکسال، تعداد **بیکاران** درکشور ما چه‌میزان خواهدبود ؟!

شهیدمطهری...

بقیه‌ازصفحه۱

سخنان از کتاب **"پیرامون انقلاب اسلامی"** از انتشارات "دفتر انتشارات اسلامی ـ وابسته به جامعهٔ‌مدرسین حوزهٔ علمیه قم" استخراج شده‌است.

این کتاب مجموعهٔ سخنرانی‌های استاد شهید است. ما درزیر هرنقل قول، محل و تاریخ سخنرانی را ذکرکرده‌ایم. شمارهٔ صفحات ذکرشده مربوط به کتاب فوق‌الذکراست.

* * *

*"واضح است که کسانی که دربارهٔ آزادی بحث می‌کنند، منظورشان آزادی حیوانی نیست، بلکه‌آن واقعیت مقدسی است که‌آزادی انسانی نام دارد." (سخنرانی دردانشکدهٔ الهیات ـ ۱۳۵۷/۱۱/۲ ـ ص ۶).

*"هرمکتبی به ایدئولوژی خود ایمان واعتقاد و اعتماد داشته باشد، ناچار باید طرفدار آزادی اندیشه و آزادی تفکرباشد. و به عکس هرمکتبی که ایمان و اعتمادی به خود ندارد، جلو آزادی اندیشه و آزادی تفکر را می‌گیرد." (همان‌سخنرانی ـ ص ۹).

* "من به همهٔ این دوستان غیرمسلمان اعلام‌می‌کنم، از نظر اسلام تفکر آزاد است، شما هرجور که می‌خواهید بیندیشید، بیندیشید هرجور که‌می‌خواهید، عقیدهٔ خودتان را ابراز کنید، به شرطی که فکر واقعی خودتان باشد، ابراز کنید. هرطور که می‌خواهید بنویسید. بنویسید، هیچ کس ممانعتی نخواهد کرد. من درهمین دانشکده چند سال پیش نامه‌ای نوشتم به شورای دانشکده و درآن تذکر دادم، یگانه دانشکده‌ای که صلاحیت دارد یک کرسی را اختصاص بدهد به‌مارکسیسم، همین‌دانشکده الهیات است. ولی‌نه‌اینکه مارکسیسم رایک استاد مسلمان تدریس کند، بلکه استادی که واقعا مارکسیسم راشناخته باشد و به آن مومن باشد. مخصوصا به خدا اعتقاد نداشته باشد. می‌بایست به هرقیمتی‌شده ازچنان فردی دعوت کرد، تا دراین دانشکده مسائل مارکسیسم را تدریس کند. بعدهم ما می‌آئیم حرف‌هایمان رامی‌زنیم. منطق خودمان رامی‌گوئیم. هیچ‌کس مجبورنیست منطق ما را بپذیرد. نباید اینگونه فکرکرد که چون اینجا دانشکدهٔ الهیات است، نباید درآن مارکسیسم تدریس شود. خیر، مارکسیسم باید تدریس شود، آن‌هم توسط استادی که معتقد به مارکسیسم است. فقط باید جلو دروغ و حقه‌بازی را گرفت. یعنی دیگر یک مارکسیست نباید تمسک به آیهٔ قرآن بکند وبگوید فلان آیهٔ‌قران اشاره است به فلان اصل مارکسیسم‌است. ما بااین شیوه مخالفیم. این خیانت‌به قرآن است." (همان سخنرانی ـ ص ۱۱).

*"همانطوری که رهبر و امام‌ما مکرر گفته‌اند، درحکومت اسلامی احزاب آزادند. هرحزبی اگر عقیدهٔ غیراسلامی هم‌دارد، آزاد است. اما ما اجازهٔ توطئه‌گری و فریبکاری نمی‌دهیم. احزاب و افراد درحدی که عقیدهٔ خودشان را صریحا می‌گویند و بامنطق خود، به جنگ منطق ما می‌آیند، آنها را می‌پذیریم. اما اگر بخواهند درزیر لوای اسلام، افکار وعقاید خودشان را بگویند، ماحق‌داریم که از اسلام خودمان دفاع کنیم و بگوئیم اسلام چنین چیزی نمی‌گوید. حق داریم بگوئیم به نام اسلام این‌کار را نکنید. چنین آزادی بحث وگفت‌وگوئی را گمان نمی‌کنیم در جائی دیگر نظیری بتوان برایش پیدا کرد. شما کی درتاریخ عالم دیده‌اید که درمملکتی که همهٔ مردمش احساسات مذهبی دارند، به غیرمذهبی‌ها آن اندازه آزادی بدهند که بیایند درمسجد پیامبر یا درمکه بنشینند و حرف خودشان را، آن‌طور که دلشان می‌خواهد، بزنند، خدا را انکار کنند، منکرپیامبر شوند، نماز وحج و... را ردکنند و بگویند ما اینها را قبول نداریم، اما معتقدان مذهب با نهایت احترام به آنها برخورد کنند. درتاریخ اسلام از این نمونه‌های درخشان فراوان می‌بینیم. وبه دلیل همین آزادی‌ها بود که اسلام توانست باقی بماند. اگر درصدراسلام درجواب کسی که می‌آمد و می‌گفت من خدا را قبول ندارم، می‌گفتندبزنید و بکشید، امروز دیگر اسلامی وجود نداشت. اسلام به همین دلیل باقی مانده که با شجاعت و باصراحت با افکار مختلف مواجه شده است...

ومن به جوانان و طرفداران اسلام هشدارمی‌دهم که خیال نکنند راه حفظ معتقدات اسلامی‌جلوگیری از ابراز عقیده دیگران است. از اسلام‌فقط با یک نیرو میشود پاسداری کرد و آن علم است و آزادی دادن به افکار مخالف و مواجهه صریح و روشن با آنها". (همان‌سخنرانی ـ صفحات ۱۴ و ۱۵).

*" از آنجا که ماهیت این انقلاب، ماهیتی عدالتخواهانه بوده است، وظیفهٔ همگی ما این است که به آزادیها به معنای واقعی کلمه احترام بگذاریم، زیرا اگر بنا بشود حکومت جمهوری اسلامی، زمینهٔ اختناق را بوجود بیاورد، قطعا شکست خواهد خورد. البته آزادی غیر از هرج و مرج است و منظور ما آزادی به معنای معقول آنست.

هرکس می‌باید فکر و بیان وقلمش آزاد باشد و تنها درچنین صورتی است که انقلاب اسلامی ما راه صحیح پیروزی را ادامه خواهد داد. اتفاقا تجربه‌های گذشته نشان داده است که هروقت جامعه ازیک نوع آزادی‌فکری ـ ولو از روی سوء نیت ـ برخوردار بوده است، این امر به ضرر اسلام‌تمام نشده، بلکه‌درنهایت بسود اسلام بوده‌است. اگر درجامعهٔ ما، محیط آزاد برخورد عقاید به‌وجود بیاید، بطوری که صاحبان افکار مختلف بتوانند حرفهایشان را مطرح کنند و ماهم درمقابل آراء و نظریات خودمان را مطرح کنیم، تنها درچنین زمینهٔ‌سالمی خواهد بود که اسلام هرچه بیشتر رشد می‌کند." (سخنرانی درمسجدالجواد ـ فروردین ۱۳۵۸ ـ ص۴۹)

تروریستهای...

بقیه‌ازصفحه۳

محرومین و فقرا را اجراء دقیق‌احکام اسلام‌میدانند و مسئولین مملکتی باید درپیاده‌کردن "شیوه‌های‌اسلامی همین رهنمودهای مدبرانهٔ **امام، خمینی** را، که بیانگر اسلام راستین است، آویزهٔ گوش قراردهند.

نیل به استقلال وشکوفائی اقتصادی از گذرگاه انهدام مواضع غارتگرانهٔ طبقات استثمارگر ـ تروریست‌های اقتصادی ـ که کارگزاران امپریالیسم‌اند میگذرد. تا این طبقات امکان بهره‌کشی وچپاول دارند، ریشه‌کن ساختن نفوذ امپریالیسم و تامین رفاه زحمتکشان ومحرومان جامعهٔ ما میسرنیست.

توضیح

بعلت‌تراکم‌مطالب "مقاله لایحه‌قانونی‌تشکیل شوراهای اسلامی..." در این شماره چاپ نشد بدینوسیله از خوانندگان‌گرامی‌پوزش‌میطلبیم

درهفته‌ای که گذشت:

بیش ازشعار به‌عمل احتیاج داریم

فقیه‌عالیقدرآیت‌الـه منتظری هفته‌ٔگذشته درپیامی‌که به‌مناسبت آغاز هفته‌ٔوحدت‌فرستاد ، تاکید کر د که‌کشور در این مرحله‌بجای‌شعاربه‌عمل احتیاج‌دارد .

درپیام آیت‌الله‌منتظری‌از جمله آمده‌است :

"به‌برادران‌مسئول‌دراداره‌کشو ر وانقلاب‌اسلامی‌تذکرمی‌دهد ، اکنون که‌مادر حال سازندگی کشور.خودمی‌ـ باشیم ، بیش ازشعار به‌عمـــل و کار مخلصانه‌نیازداریم‌و نباید بیشترازاین نیروی‌خودرا درمصاحبه‌هاو وعده و وعیدها صرف‌کنیم .مردم‌ما ازمصاحبه های‌مکرر خاطرهٔ خوشی ندارند . چه لزومی داردکارهائی که‌هنوز به انجا م نرسیده وفقط مقدماتی از آنها ترتیب داده‌شده ، در شعارها ومصاحبه‌هامطرح کنیم ؟بجاست بیش از هرچیزعمل‌نشان دهیم‌وملت را باعمل‌دلگرم‌ترکنیم . " (جمهوری‌اسلامی‌ـ ۱۹دی۱۳۶۰)

آیت‌الله‌منتظری‌در این پیام هم چنین درباره خالی‌شدن‌صحنه کار و فعالیت ازافراد مومن به‌انقلاب بر اثر القائات‌مرموز و جایگزین شدن افـراد متملق و فرصت طلب‌بجای آنهاهشدار داده‌و اعلام‌کرده‌است‌که‌در اثر ایـــن وضع "درنهایت‌انقلاب‌ازدرون به‌پوچی انفجارکشیده‌خواهدشد . "

درهمین‌پیام آیت‌الله‌منتظـــری تاکیدکرده‌است :

"امروز جامعهٔ ما فوق‌العاده‌نیاز به‌احساس‌امنیت جانی‌و مالی دارد " ، وخواستارشده‌است :

"اگر کسی گناهکار و مستحـــق مجازات تشخیص‌داده‌شد ، مسئـــولین مربوطه‌به‌هیچ‌وجه‌نبایدمتعرض‌بستگان‌و منصوبین وی‌بشوندویاتحت‌تاثیرروحیه انتقام‌جوئی‌وعصبانیت خارج از حد و مرز شرعی‌عملی انجام‌دهند . "

نبردبادشمن اصلی آمریکا ادامه‌دارد

حجت‌الاسلام سیدعلی‌خامنه‌ا ی رئیس‌جمهوری هفته‌ٔگذشتـــه در یک مصاحبه‌مطبوعاتی‌شرکت‌کرد . رئیس جمهوردراین‌مصاحبه‌باردیگر تاکیدکرد "دراینجاصریحا اعلام‌می‌کنم‌که باوضع‌کنونی امریکا بعنوان‌یک دولـت سلطه‌گر ومستکبر ، وبه تعبیـــر رایـج امپریالیسم‌هیچ‌شرایطی رابرای نزدیک شدن‌به‌آمریکانمی‌پذیریم وبه هیچوجه با امریکا قصدنزدیک‌شدن‌وهمکاری را نداریم . "

رئیس جمهور در بخش‌دیگری از همین‌مصاحبه تاکید کرد :

"ماهرگز تصورنمی‌کنیم که‌امریکا به‌این‌سهولت‌ازادامه تهاجمات‌خودش چشم بپوشد . همه‌چیزرا‌مافرض‌می‌کنیم‌و منتظرهمه‌چیز هستیم .

رئیس‌جمهوراضافه‌کرد :ما مصمم هستیم که‌قوی‌ترین ، موثرترین‌وکوبنده‌ـ ترین‌ضربات‌خودمان‌رابرآمریکـا وارد بیاوریم‌وخواهیم‌آورد . اعتقاد مابراین است‌که‌چون‌این‌مشت حق‌و بازوی حق هست ، هیچگونه تدبیـــری نخواهد توانست‌درمقابل آن ، دشمن‌متجـاوز ، یعنی‌امپریالیسم‌امریکارا از خطر تجاوز نجات‌دهد . " (جمهوری‌اسلامی‌ـ ۱۹ دی۱۳۶۰)

عمل کی آغازمی شود ؟

درهمان‌حال‌که‌بدنبـال رئیس جمهور ، آیت‌الله‌منتظری نیزخواستـا ر انجام‌شعارهای‌انقلاب‌شد وبر ضرور ت عمل و دلگرم‌ترکردن مردم‌توسط‌عمل تاکیدکرد ، در ارگان‌هاوجراید مختلف بحث‌سه‌ساله پیرامون‌مهمترین‌مسائلی که‌در دستور روز کشور قرار دارنـــد ، ادامه‌داشت . محور این‌بحث‌هـامانند هفته‌های‌گذشته‌ـ مالکیت بود .

آقای‌احمدتوکلی‌سخنگوی دولت درمصاحبه‌هفته‌ٔگذشته خود خبرداد :

"بایدبگوئیم حدوددقیق‌مالکیت خصوصی توسط مجلس تعیین خواهـد شد . " (کیهان‌ـ۱۴ دی ۱۳۶۰)

درهمین حال‌روزنامـه اطلاعات نوشت :

"بدون‌حل‌مسئلهٔ زمیـن قادر نخواهیم‌بود اقتصاد کشاورزی را سر و سامان‌داده‌و تولیدات را بالاببریم . " (۱۶دی ۱۳۶۰)

آقای مرتضی‌الویری ، نایب‌رئیس کمیسیون نفت وصنایع و معادن در مجلس‌شورای‌اسلامی ، در گفت‌وگوئی با روزنامهٔ‌کیهان‌گفت :

"متاسفانه با اینکه‌حدوددوسال ازتصویب قانون‌اساسی‌میگذرد ، هنوز ماموفق نشده‌ایم که اصل ۴۴ قـانـون اساسی را درموردمالکیت‌هاپیاده‌کنیم همانطور که‌می‌دانیم دراین اصل به‌سه نوع‌مالکیت‌اشاره‌شده‌است : مالکیـــت دولتی ، تعاونی وخصوصی و در زمینهٔ صنایع‌متاسفانه خیلی از واحـدها ی صنعتی‌هستند که‌هنوز تکلیفشان‌روشن نشده . " (۱۷دی ۱۳۶۰)

وبالاخره رئیس جمهـــوری در مصاحبه‌خود ابراز امیدواری کـرد که مسئلهٔ‌مالکیت هرچه‌زودتر حل‌شود :

"ما ازجمله‌کارهای اساسی این‌را ذکرکردیم واعلام‌کردیم‌که‌باید تکلیف مالکیت‌دولتی ومالکیت‌خصوصـــی و مالکیت‌بخش‌های‌تعاونی‌مشخص وروشن شود . این‌کار ، کار مجلس‌شورای‌اسلا می است‌وانشاءالله‌این‌کار را انجام خواهد داد . " (جمهوری‌اسلامی ـ ۱۹ دی ۱۳۶۰)

لایحه اصلاحات ارضی و ...

معطل ماندن‌مسئلهٔ‌مالکیت‌سبب شده‌است‌که‌لوایح محوزی نیـزهمچنان مسکوت‌بماند . ازآنجاکه‌تصویب قوانین برای‌اجرای‌اصلاحات‌انقلابی اولین‌گام است ، رئیس‌جمهور درمصاحبه هفتـهٔ گذشته‌خودگفت :

"من‌بعنوان‌رئیس قوهٔ مجـریـه مایل‌هستم که‌هرچه‌زودتر سرانجام این لوایح (اصلاحات‌ارضی ـ بـازرگانی خارجی) روشن‌شود وتکلیف مسئلـهٔ "اراضی به‌وسیله‌مجلس‌تعیین‌شود . " (جمهوری‌اسلامی‌ـ ۱۹دی ۱۳۶۰)

آیت‌الله‌مشکینی نیز درنمازجمعه یازدهم‌دی در قم‌خواستار اجرای‌اصل ۴۴قانون‌اساسی شد . در این مراسم

آیت‌الله‌مشکینی به‌نمایندگان مجلس و مسئولین رسیدگی ودراولویت‌قراردادن اصل‌حیاتی‌ومهم‌جهل ونهـم قانو ن اساسی را تاکید کرد و گفت دولـــت موظف‌است ثروتی راکه برخی افراد با بندوبست‌هاوطرق نامشروع گردآورده‌ـ اند ، به‌صاحبان‌اصلی‌اشردکنند و از ادامهٔآن‌جلوگیری نمایند و این قدم اساسی اسلامی انسانی وقانونی‌راهرچه زودتر بردارد . " (جمهوری‌اسلامی ـ ۱۳ دی ۱۳۶۰)

آقای سلامتی وزیر کشـــاورزی و عمران‌روستائی نیز در هفته‌ٔگذشته‌بار دیگردر گردهم‌آئی "مدیـران کـل و مسئولان ستادهای همـاهنگی و کار‌ـ شناسان‌وزارت‌کشاورزی‌وعمران‌روستائی

درشهرستان‌های‌اصفهان "بر ضـرورت انجام‌اصلاحات‌ارضی‌تاکیدکرد وگفت .

"این‌اصل ، یعنی قانون‌اسـلامی اصلاحات‌ارضی ، اصلی‌است مبتنی بر اعتقادات‌اسلامی وحل‌مسائل‌ومشکلات کشاورزی ما . بنابراین باید چه‌از لحاظ اقتصادی و چه‌از لحاظ‌سیاسی وچه‌از لحاظ شرعی موردتوجــه باشـد . " (اطلاعات ـ۱۵ دی۱۳۶۰)

وضع اقتصادکشور

درحالیکه به‌نظر میرسد ازانجا م خواست‌های برحق بالا ، که‌مسئـولا ن درجهٔ‌اول‌کشوربرانجا م‌آنهابارهاوبارها تاکیدکرده‌اند ، هنوز خبری‌نیست ، وضع اقتصادکشور متاسفانه همچنان‌نابسامان است . هفته‌ٔگذشته‌بهزادنبوی وزیــر مشاوردر امور اجرائی وسرپرست ستا د بسیج‌اقتصادی ، در مصاحبه‌ای‌گفت :

"این راباید توضیح‌بدهم که‌وضع اقتصادی‌کشور خیلی درخشان‌نیست ، چون به‌هرحال ازجنگ‌صدمه‌دیده‌ایم و ذخائر ارزی‌ما لطمه‌خورده ، هزینه‌هازیاد شده ، خسارات فراوانی وارد آمـده و بسیاری مشکلات‌دیگر . ولی با این حال محکم بر روی پای خودمان ایستاده‌ایم . مردم‌ما باید بدانندکه‌جنگ‌هنوز تما م نشده‌است . عوارض‌جنگ‌شایدبعدازخاتمه جنگ‌باشدت‌بیشتری‌گریبان‌مارابگیرد . ماميلیاردهادلاردر اثـر جنگ لطمه اقتصادی خورده‌ایم . شاید از ده‌بیست میلیارددلار متجاوزباشد . سعی‌کرده‌ایم ذخائر ارزیمان را برای مصـارف‌اساسی حفظ‌کنیم . ماباید واردات‌راکنترل‌کنیم تابتوانیم در مصرف ارزصرفه‌جوئی‌کنیم (کیهان‌به‌نقل ازصف‌ـ ۱۵ دی ۱۳۶۰)

وترور اقتصادی ادامه دارد

ودرست در همین وضعی که وزیر مشاورترسیم‌کرده‌است ، کلان‌سرمایـــه‌ـ داران وبزرگ‌زمین‌داران پیوسته‌بردامنه غارت‌خود می‌افزایندوآخرین‌دینارهای زحمتکشان رابه‌یغمامی‌برند .

آقای‌بهزادنبوی‌در مصاحبه یا د شده درمورد سرمایه‌دارها ، چنین‌اظهار نظرمی‌کند :

"می‌گوید (سرمایه‌دار) صبـرکنیم ببینیم بختیاربرگردد یا رضاپهلوی‌بر‌ـ گردد . حتی‌تضمین دولت‌هم دردی را دوانخواهدکرد وباورنخواهندکرد وشک وتردید درآنها باقی‌خواهد ماند . آنها منتظراین‌هستند که‌ببینند وضع‌چه‌می‌ـ شـود" . وهمین‌سرمایه‌دارها ، که‌درانتظار بازگشت‌بختیارورضا پهلوی‌هستنـد و سرمایهٔ‌خودرا درتولید به‌کار نمی ـ اندازند ، در "بازارآزاد" آن‌راچندوچند برابرمی‌کنند . به‌سیاههٔ‌چندترورعمدهٔ اقتصادی ، که‌هفته‌ٔگذشتـه در جراید منتشرشده ، توجه‌کنید :

ـ"باتلاش وکوشش‌برادران ستا د منطقه ۵ مبارزه‌باگرانفروشی بیش از ۵۰ تن‌آهن‌احتکارشده ازیک شرکت پیمان‌ـ کاری‌خصوصی‌کشف‌شد . " (جمهـــور ی اسلامی‌ـ ۱۳ دی ۱۳۶۰)

ـ ۱۵ تن پیاز و ۱۱تن پرتقـال احتکار شده درشمیران کشـــف شد . " (کیهان‌ـ۱۴ دی ۱۳۶۰)

ـ "طی‌دو روزگذشته ۵تن‌و نیم انواع‌ماهی قاچاق کشف و ضبط شد . " (اطلاعات ـ۱۴ دی۱۳۶۰)

کیلویی ۱۲ ریال سودهم کافی نیست !

وبرای اینکه‌نحوهٔ‌غارت‌سرمایه‌ـ داران‌بزرگ‌روشن‌شود ، این‌سخنان وزیر کشاورزی‌در مصاحبه‌باروزنامه‌اطـلاعات خواندنی‌است :

این‌که کمبودی در عرضهٔ پیا ز درسطح شهر بوجود آمده ، به‌این‌علت است‌که‌قیمت‌پیاز رادولت تعیین‌وخرید وفروش آن‌رامشخص‌کرده‌است . یک عده ازواسطه‌ها پیاز را ازکشاورزان‌به قیمت کیلوئی ۱۳ الی ۱۴ ریال‌خریـــدند و دولت‌که‌اعلام‌کردپیاز باید حداکثر با قیمت ۲۵ ریال در سطح‌شهرتوزیع شود اینهاگفتند این‌مبلغ برای ماکم‌است ، یعنی ۱۱ الی ۱۲ ریال سود درهرکیلو پیاز برایشان کم‌است ودرایـن رابطـه آمدندپیازها رااحتکار کردند . " (۱۲ دی‌ـ۱۳۶۰)

ونتیجه‌این‌شدکه‌ـ بـــر اسـاس سخنان‌وزیرکشاورزی در سمینار مدیران کل‌ومسئولان‌کشاورزی‌ـپیاز اضافی ، که برای‌بدست‌آوردن ارزقرار بود به‌خارج کشورصادرشود ، مجددا به‌بازار آورد ه شد ، تاکمبود رفع شود .

توطئه‌بزرگ زمینداران

بزرگ‌زمینداران‌هم ، چنانکه‌روشن است ، بیکارنیستند و همـراه کلا‌ن ـ سرمایه‌داران به‌ترورمشغولندنمونه‌ای از این‌تروراوزیرکشاورزی‌هنگـام پاسخ‌ـ گوئی به‌سئوالات‌نمایندگان‌مجلـس از وزارت‌کشاورزی‌درجلسه‌علنی پانزدهم دیماه ۶۰ ، مجلس شورای‌اسلامی مطرح کرد . وزیرکشاورزی‌گفت :

"زمین‌داران‌بزرگ زمیـــن های بزرگ راتکه‌تکه‌می‌کنند و کـوه تاسیس می‌کنند و زمین قابل کشت را تحلیل می‌برند . " (اطلاعات‌ـ ۱۶دی۱۳۶۰)

وهمهٔ‌این‌اخبارنشان می‌دهدکه ، چگونه‌کلان‌سرمایه‌داران وبزرگ زمین‌ـ داران‌به‌هر شکل ممکن در کار توطئـه هستند ، تاانقلاب راباشکست‌روبروکنند

استفاده ازهمه نیروها

مقابله با این توطئه‌هــا ممکن نیست مگر اتحاد همه‌نیروهای وفادا ر به‌انقلاب‌و استفاده ازهمه‌انرژی‌جوشان خلق . خوشبختانه هفته‌گذشته‌اظهارات برخی‌ازمقامات‌مسئول‌کشورنشان‌داد ، که‌این‌توجه‌نیزاینجاوآنجاوجود دارد .

حجت‌الاسلام سیدمصطفی محقق داماد ، معاون‌دادگستری ورئیس‌سازمان بازرسی‌کل‌کشور در مصاحبه‌ای‌گفت :

"جامعه‌انقلابی‌ایران به‌پیروی‌از سیاست‌های نجات‌بخش شرع‌مقدس به کلیهٔ متخصصین همراه وموافـــق با اهداف‌انقلاب به‌دیدهٔ احترام مینگرد " . (۱۵ دی۱۳۶۰)

دکتر محمدتقی بانکی‌وزیرمشاور ورئیس‌سازمان برنامه درمصاحبه‌ای ، در پاسخ‌سئوالی درباره‌ٔچگونگـــی تامین نیروی‌انسانی موردنیازکشورگفت :

"اصولا جامعهٔ ما درحال‌تحو ل . ازجامعهٔ زیر فشار امپریالیسم‌امریکا به جامعه‌ای بامعیارهای‌اسلامی‌است و در چنین‌جامعه‌ای تصمیم‌گیرندگان و به اصطلاح‌ناخدایان‌این‌کشتی ، جنگزده‌باید ازافرادمتعهدبه‌اسلام وانقلاب‌وایثارگر کمک‌بگیرند ودراین راه افـرادی که بخواهند ناخدایان را کمـک کنند و صداقت وتوانائی خودرا ، بتجربه‌نشان دهند ، مسلماموردا ستفاده‌قرار خواهند گرفت . " (کیهان‌ـ ۱۵دی۱۳۶۰)

نقش رژیم کره‌جنوبی درحمله نظامی طبس

هفته‌ٔگذشته‌آقای جابیونـگ او سفیر جمهوری دمکراتیک خلق‌کره در ایران ، درمصاحبه‌ای‌باروزنامه اطلاعات ازنقش رژیم کره‌جنوبی درحمله نظامی طبس پرده‌برداشت‌وازهمکاری کنونی این‌رژیم باآمریکاعلیه‌انقـلاب ایرا ن سخن‌گفت . سفیر جمهوری دمکـراتیک خلق‌کره‌گفت :

"دارودسته‌کرهٔ جنوبـــی در حادثه‌طبس درایران شرکت‌کرده‌بودند ، دراین‌اواخردرخلیج فارس هم به نفع امریکا فعالیت‌میکنند .

ما اطلاع داریم قبل‌ازرخ داد ن ماجرای طبس‌بعضی‌ازاعضای‌سفارت‌کره جنوبی به‌منطقه طبس‌رفته بودند و اطلاعات‌لازم رابه‌مقامات امریکاارسال کردندوباآمریکاهمکاری‌کردند . وسفارت کره‌جنوبی‌درتهران‌برای‌نجات‌گروه‌های ضدانقلاب درایران‌کوشش‌کرده‌اندوهم‌ـ کاری‌داشته‌اندوبرای‌نجات‌اینهاازطریق تلفن‌سفارت‌کره‌جنوبی‌باسفـارت های کشورهای‌اطراف‌ایران‌تماس‌گرفته‌اند .

دراین‌اواخرداردسته کره‌جنوبی درخلیج‌فارس‌ودر دریای عمان علیه انقلاب‌اسلامی‌ایران‌همراه باآمریکا در ناوگان‌های‌آمریکایی‌فعالیـــت ها ی جاسوسی‌انجام‌میدادند چـون آمریکا افرادنظامی‌کره‌جنوبی‌رابعنوان کارگر ویامتخصص به‌کشورهای‌منطقه‌وبه‌کشور‌ـ های‌خاورمیانه‌میفرستد وآنها اطلاعات سری‌همین‌کشورهای‌منطقه رابرای‌آمریکا جمع‌آوری‌میکنند . "

این‌افشاگری‌نشان‌میدهدکه‌چگونه کشورهای دست‌نشانده امـریکا علیه انقلاب‌اسلامی‌ایران‌فعالیت‌می‌کنندوبه اصطلاح‌سفارتخانه‌های خود را به‌مراکز جاسوسی برای امریکا تبدیل‌می‌نمایند .

با "کمیته خلع سلاح ژنو" آشناشویم

"کمیته خلع سلاح ژنو" ، ۱۹ سال پیش(درسال ۱۹۶۲) آغاز بکار کـرد ، از ۴۰ عضـو اصلی ، از جمله ۵ قدرت اتمی ، و برخی‌دیگر از کشورهاوسازمان ـ های بین‌المللی ناظر تشکیل‌می‌شود. هدف "کمیته خلع سلاح ژنو" عبارتست ازبررسی‌مسائل عمومی تحدید و خلـع سلاح ، بویژه جنگ‌افزارهای هسته‌ای ، و تدوین قراردادهای بین‌المللی دراین زمینه . علت آن راکه این‌کمیته‌تاکنون موفقیت‌های چندانی درپیشبـــرداین هدف‌نداشته‌است ، نه‌درشکل سازمانی وعملکردآن ، بلکه در تـلاش ایالات متحده‌آمریکا برای کسب برتری‌استرا‌ـ تژیک‌بایدجستجوکرد .

"کمیته‌ژنو" در ۳۰ مرداد ۶۰ (۲۱ اوت ۸۱) به اجلاس امسال خود پایان داد . کشورهای‌سوسیالیستی‌امسال نیز فعالیت خود رادرکمیته‌نامبرده ، بویژه درگستره سلاح‌زدایی هسته‌ای متمرکـز ساختند . این‌کشورها دوســال پیش (۱۹۷۹) پیشنهادقطع تولیدهمه‌سلاح ـ های‌هسته‌ای‌ونابودسازی سلاح های اتمی‌موجود را به "کمیته‌ژنو" ارائـــه داشتند . امادولت‌های غربی ، بویـــژه ایالات‌متحده‌آمریکاوبریتانیا ، همه هم خودرابرای‌جلوگیری‌ازبررسی‌و پذیرش این‌پیشنهاد بکار بردند .

یکی‌دیگر از مسائل‌هم پیوند با سلاح‌زدایی هسته‌ای ، پایان دادن به آزمایش جنگ افزارهای اتمی اســت ، دراین زمینه در سـالهای ۱۹۸۰ ـ ۱۹۷۷ پیشرفت‌هائی درگفتگوهای‌میان اتحادجماهیرشوروی‌سوسیالیستـــی ، ایالات متحده‌آمریکاوبریتانیاحاصل‌شد اما سلاحهائی‌چون موشکهای "ام . اکس" "کروز" و "پرشینگ ـ ۲" و "ترایدنت" نخست به کندشدن این‌مذاکـــرات و سپس به قطع آنها انجامید .

کشورهای‌سوسیالیستی وغیـر‌ـ متعهد مدتهاست‌که‌خواستار ازسرگیری این‌گفتگوهای سه‌جانبه هستنـــد و پیشنهاد کرده‌اند که "گروه‌کاری‌برای منع‌آزمایش سلاح‌های‌هسته‌ای‌تشکیـل گردد .

"کمیته خلع سلاح‌ژنو" تاکنــون به منع سلاح‌های جدیدامحای توده ـ ای ، افزایـش ایمنـی کشورهای‌غیر هسته‌ای وبرنامه‌جامع خلع سلاح نیـز پرداخته‌است‌اماکشورهای امپریالیستی هربارسدی در برابر پیشرفت‌گفتگـوها پدید می‌آورند . گرچه‌اکثریت‌کشـور ها خواستار منع سلاح های‌شیمیایی‌هستند ، ولی‌ایالات‌متحده‌آمریکادراین‌باره به مقاومت لجوجانه دست زده‌اســت . علت : "واشنگتن" برنامه‌تولیدنسـل جدیدی ازجنگ‌افزارهای هسته ای را تدارک می‌بیند .

وقایع مهم جهان در یک هفته

چین مائوئیستی جانشین ایران "شاهنشاهی"!

روزنامه ژاپنی "یومیوری‌شیم بون" فاش کرد که پایگاه آمریکایی در غرب چین به جاسوسی رادیویی علیه‌اتحادشوروی می‌پردازد. این روزنامه، که محافل نظامی‌ژاپن را منبع این گزارش خوانده‌است، می‌افزاید:
"**تجهیزات نظامی‌این پایگاه راکارشناسان آمریکایی می‌گردانند**".
"**یومیوری‌شیم بون**" معتقداست که این‌پایگاه بجای‌ایستگاه‌های‌جاسوسی آمریکا علیه‌اتحادشوروی در ایران "شاهنشاهی" دایر شده‌است.

در "شورای امنیت"
آمریکا با مجازات اسرائیل مخالف می‌کند

کویت ومراکش الحاق بلندی‌های جولان را از سوی‌اسرائیل محکوم کردند. آنها این گام اسرائیل را "**نقض‌خشونت‌بار قوانین بین‌المللی**" خواندند. در اعلامیه‌مشترکی که در پایان دیدار **شیخ‌سعد عبدالله‌الصباح**، نخست وزیر کویت، ازمراکش منتشرگردید، گفته می‌شودکه:
"**کشورهای‌عربی بایددرپیکار با صهیونیسم دست‌اتحادبیکدیگربدهند**".
ازسوی‌دیگر**شاذلی قلیبی**، دبیر کل "**جامعه‌عرب**" دور سفر خود را به کشورهای‌عربی باعربستان‌سعودی‌شروع کرد. هدف‌اوبرگزاری‌کنفرانس حدیدی ازسران‌کشورهای‌عرب برای بررسی الحاق بلندیهای‌جولان به اسرائیل و اتخاذ تدابیرمقابله‌آمیز با آن است.
درآغازسال ۱۹۸۲ سوریه ایالات متحده‌آمریکارافراخواندتادر "شورای امنیت" از تحریم اسرائیل بخاطر "الحاق "بلندیهای‌جولان به‌خاک‌خود پشتیبانی‌کند. بگفته‌رادیودمشق:
"**وگرنه "واشنگتن" بار دیگر همدستی‌خود را با اسرائیل به ثبوت خواهد رسانید**".
تاکنون ایالات‌متحده آمریکا با هرگونه مجازات "تل‌آویو" در سازمان ملل‌مخالفت کرده‌است. برپایه گزارش "فرانس پرس"، الکساندرهیگ در ملاقات‌خود باسفیراسرائیل در آمریکا در روز ۱۴ دی ۶۰ (۵ ژانویه‌ٔ ۸۲) به وی گفت که‌ایالات‌متحده هر گونه قطعنامه‌ای را، که در آن مجازات اسرائیل مطرح شود، وتو خواهدکرد.
چند هفته‌پیش "**شورای‌امنیت**" اقدام‌اسرائیل را "**غیرقانونی**" خواند و از "تل‌آویو" خواست تاحداکثر ۱۵ دی ۶۰ (۵ ژانویه ۸۲) این تصمیم را ملغی‌سازد. لیکن‌اسرائیل‌به‌این‌فراخوان وقعی‌ننهاد.
کشورهای غیرمتعهد تصمیم دولت اسرائیل رادرباره "الحاق بلندیهای‌جولان به خاک اسرائیل" محکوم‌کردند و از "**شورای‌امنیت**" خواستند تابه‌مجازات‌بیدرنگ "تل‌آویو" بپردازد. این‌کشورها دربیانیه‌ای که در پایان کنفرانس‌خود در نیویورک انتشار دادند، اقدام اسرائیل را "**تجاوزکارانه**" خواندند.
آندره‌گرومیکو، وزیر خارجه‌ٔ اتحادشوروی، سفیرالجزایر را درآن کشور به حضور خود پذیرفت. در بیانیه‌ای که در پایان این دیدار منتشر شد، ازجمله آمده‌است:
"**اسرائیل، برخوردار از پشتیبانی‌نیروهای امپریالیستی، به ویژه‌ایالات‌متحده آمریکا، با تلاش برای "قانونی "کردن‌الحاق بلندی‌های جولان ـ که از سوریه غصب کرد ـ به پایمال قوانین‌بین‌المللی و نقض آشکار قطعنامه‌های سازمان ملل متحد دست زده‌است. اقدام‌اسرائیل اوضاع خاورمیانه را وخیم‌تر ساخته است**".
ازسوی‌دیگر، "**شورای امنیت**" باردیگر برای بررسی مسئله "الحاق" بلندیهای‌جولان‌تشکیل جلسه داد. نماینده‌رسمی سوریه‌پیش‌نویس قطعنامه‌ای رامیان‌اعضای "**شورای امنیت**" پخش کرد، که درآن از قطع هر گونه کمک نظامی به "تل‌آویو" و قطع مناسبات دیپلماتیک واقتصادی باآن سخن‌می‌رود.
نماینده‌سوریه‌دراجلاس "شورای **امنیت** "الحاق بخشی ازخاک سوریه را به‌اسرائیل "**تجاوزی‌آشکار**" خواند. وی گفت:
"**کافی‌نیست که تجاوز اسرائیل را تنهامحکوم کنیم**".
نماینده‌سوریه "**ضرورت تحریم واگذاری اسلحه به اسرائیل و قطع مناسبات بازرگانی، دیپلماتیک و کنسولی** "را با آن کشور خاطرنشان ساخت. اوافزود:
"**چنانچه "شورا" (ی‌امنیت) از اتخاذ تدابیرکافی‌سرباززندسوریه این حق رابرای خود قائل‌است، که‌برپایه‌ٔ "منشور "سازمان‌ملل‌متحدبه دفاع از خود دست یازد**".
نماینده سوریه آمریکارا بخاطر تشویق اسرائیل به تجاوز علیه‌اعراب سخت به باد انتقاد گرفت.

درهفته‌ای که گذشت:

بقیه‌ازصفحه ۱۵

رعایت آزادی ها

حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی رئیس‌مجلس شورای‌اسلامی وامام‌جمعه موقت تهران در خطبه‌های نماز جمعه گذشته، درسخنرانی "وحدت"، بار دیگر به‌مسئله حیاتی آزادی فعالیت دگر ـ اندیشان هوادارانقلاب اشاره‌کردوگفت:
"**می‌توانیم درصورتی که‌آنها محیط جنگ بوجود نیاورندوآشوب به‌پانکنند، با آنها زندگی مسالمت‌آمیزداشته باشیم**".
حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی افزود که‌آنها "**می‌توانند حزب‌داشته باشند و روزنامه داشته باشند**".
رئیس مجلس شورای اسلامی و امام‌جمعه موقت‌تهران تاکنون بارها با شهامت و صراحت، بررعایت آزادی فعالیت دگراندیشان هوادار انقلاب تاکیدکرده است. مسئله فقط آنست که ـ آنطورکه آیت‌الله‌منتظری درپیام‌اخیر خود تاکید کرده است ـ مسئولان این وعده‌ها را عملی خواهند کرد؟ ما هم‌چنان امیدواریم

لهستان سوسیالیستی بیاری دوستان خود روند عادی سازی را ادامه می‌دهد

هنریک‌یابلونسکی، رئیس شورای حکومت "لهستان‌اعلام داشت که، تنها باسخت‌کوشی‌میتوان‌مسائلی‌راکه کشور باآنهاروبروست، حل‌کرد. **یابلونسکی** در سخنرانی رادیو ـ تلویزیونی به‌مناسبت سال‌نومیلادی‌افزودکه، ارتش لهستان "**پاسدارنظم وآرامش**" در کشور خواهد بود. وی‌گفت:
"**مابویژه‌ازکمک‌های برادرانه‌ٔ کشورهای‌سوسیالیستی‌دوست سپاس ـ گزاریم**".
به‌گزارش خبرگزاری لهستانی "پاپ"، اوضاع‌این‌کشور در نخستین‌روز سال ۱۹۸۲ (۱۱ دی ۶۰) آرام بود. بندرهای‌ساحل دریای بالتیک‌وکارخانه ها به‌کار عادی خود ادامه‌دادند.
به‌نوشته‌ٔ "تریبونالودو":
حکومت‌نظامی رفته‌رفته شرائط چیرگی بر بحران، مقابله‌با هرج ومرج وجلوگیری از اقدامات غیر قانونی را فراهم‌می‌آورد."

کمک کشورهای سوسیالیستی به لهستان

روزنامه "ژول‌نیرژول‌نوستی" نوشت
"**اکنون که‌مرتجعین غرب گام‌های تبعیض‌آمیز علیه‌لهستان برمی‌دارند، کمک‌اتحادشوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به‌ویژه ارزشمند است**."
به‌نوشته‌ٔ "**ساویتسکایاراسیا**" (اتحادشوروی):
"**در لهستان‌اوضاع رفته رفته به حالت عادی بازمی‌گردد وزحمتکشان برای غلبه‌بربحران‌وظائف‌دشواری را پیش‌گرفته‌اندا ما چنین روندی به مذاق امپریالیست‌ها سازگار نیست. آنهاقصد دارند، به‌هر قیمتی‌شده، سوسیالیسم را در لهستان دفن‌کنند. از اینرو، ایالات متحده‌امریکاوبرخی دیگر از کشورهای "ناتو "کارزار تبلیغاتی را علیه دولت لهستان‌آغازکرده‌اند. فشار سیاسی، ایدئولوژیک واقتصادی‌آنهارا باید در پیوند نزدیک با روش‌های تخریبی‌شان دید. گروهی به‌رهبری‌بوش، معاون‌رئیس جمهورآمریکا، ومرکب ازکارشناسان "سیا" این‌کارزار راهماهنگی‌می‌دهد**."
ساویتسکایاراسیا "می‌افزاید:
"**اقدامات تبعیض‌آمیز ریگان علیه اتحادشوروی و لهستان نه در اروپای باختری شوری‌برانگیخته‌است و نه‌درمیان محافل بازرگانی آمریکابه عقیده کارشناسان، زیان سالانه شرکت های ایالات‌متحده‌آمریکا ازبابت منع فروش کالابه اتحادشوروی برابربا ۳۰۰ میلیون دلارخواهدبود**".
روزنامه‌شوروی یادآورمی‌شود:
"**دراین شرایط دشوار، میهن ـ دوستان لهستانی از همبستگی و پشتیبانی‌اتحادشوروی ودیگرکشورهای سوسیالیستی برخوردارخواهندگشت**".
وویتسخ‌یاروزلسکی، رئیس "**شورای نظامی‌رستگاری‌ملی‌لهستان**" سفیران کشورهای "**پیمان‌ورشو**" را به حضور خود پذیرفت و با آنها درباره‌ٔ کمک‌های همه‌جانبه این‌کشورها به لهستان به‌گفتگونشست.
یاروزلسکی در دیداری‌دیگر با سفیران‌کشورهای "**بازارمشترک**"، اعلام داشت که لهستان به تعهدات بین ـ المللی خود عمل خواهد کرد و به‌سهم سازنده به امرتنش زدائی وصلح کمک خواهدرساند.
بگزارش‌خبرگزاری "**پاپ**"، دولت لهستان‌یک‌کمیته‌ٔاقتصادی ـ اجتماعی تشکیل‌داد، که‌در راه‌حل‌مسائل سیاسی اقتصادی واجتماعی‌کشور گام برخواهد داشت. برپایه همین‌گزارش، دربندر ـ های لهستان کار ازسرگرفته شد. کمیته ـ های ایالتی "**حزب‌متحد کارگری لهستان**" درجلسات خودبه‌مسئولیت کمونیست‌ها در روندعادی‌سازی‌اوضاع درلهستان پرداختند.

ارتباط باصطلاح "انجمن مستقل دانشجویان" باسازمانهای جاسوسی امپریالیستی

"**تریبونالودو**" نوشت:
"**وقت‌آن‌فرارسیده‌است که‌نیرو ـ های ضدسوسیالیستی‌رادرهم‌کوبیم**".
بگزارش "**پاپ**"، برخی‌از کسانی که به نقض قوانین حکومت‌نظامی دست زدند، به حبس محکوم شدند. فزون بر این، باصطلاح "انجمن مستقل دانشجویان" منحل‌گردید. این‌انجمن علیه‌نظام سیاسی‌لهستان‌فعالیت و دانشجویان رابه اعتصاب تحریک می‌کرد. اسنادی که در مقراین انجمن پیداشده‌از ارتباطات آن با ضد ـ انقلابیونی‌چون **موچولسکی** و **کورون** و سازمانهای جاسوسی‌امپریالیستی سخن می‌گویند.

انزوای ریگان درمیان متحدان غربی خود

اوتولمبزدورف، وزیر اقتصاد جمهوری‌فدرال آلمان، گفت که‌کشور ـ های اروپای باختری ازاقدامات‌تبعیض ـ آمیز آمریکاعلیه اتحادشوروی در پیوندبا رویدادهای لهستان پیروی نخواهندکرد. وزیر اقتصادآلمان غربی این‌سخنان‌رادرمصاحبه‌ای باروزنامه‌ٔ "**کولنراشتادت‌آنتسایگر**" ابرازداشت.
"**واشنگتن‌پست**" نیز از "**عدم تمایل متحدان‌آمریکا** "برای پیروی از ایالات‌متحده آمریکا سخن‌گفت.
هلموت‌اشمیت، صدراعظم آلمان‌غربی، در مصاحبه ای با "**نیویورک‌تایمز**"، دراستانه دیدار خود ازآمریکا اظهار داشت، که "محازات "اقتصادی اتحادشوروی بی‌تاثیر خواهدبود. وی افزود که دولت‌لهستان آنچه را که بصلاح‌کشور میدانست، انجام داد.
اشمیدت، و **موروا** (فرانسه) اعلام‌کردند که از "مجازات های" اقتصادی ریگان علیه اتحادشوروی پیروی نخواهندکرد. **اشمیدت**، پیش ازملاقات با **ریگان** درگفتگوبی‌باکمیته‌ٔ مناسبات خارجی سنا از اینکه رئیس جمهور آمریکادرباره‌اقدامات‌تحریم ـ آمیز دولت خود بامتحدان اروپای غربی‌ایالات‌متحده‌مشورت‌نکرده‌بود، گله نمود.
ساندی‌تایمز" معتقداست که محازات های **ریگان** هم احتمالا **مانند‌اقدامات همانندکارتر**، رئیس **جمهورپیشین، باشکست روبروخواهد شد**".
کشورهای "**بازار مشترک**" در برابرفشار "واشنگتن" برای اتخاذ تدابیرتبعیض آمیز علیه‌اتحاد شوروی ولهستان مقاومت کردند.
وزیران خارجه "**جامعه‌اقتصادی اروپا**" پس از نشستی در بروکسل‌در اعلامیه‌ای‌خاطرنشان ساختند، که کشورهای آنهاقصد پیروی از "کاخ‌سفید" رادراین زمینه ندارند. ژاپن‌نیزاعلام کردکه‌درتدابیرتبعیض‌آمیز علیه‌اتحاد شوروی‌شرکت نخواهدکرد.

مدرسه‌های لهستان بازشد

پس از تعطیلات سال جدید میلادی، همه‌کارخانه‌هاوموسسات لهستان کارعادی خود را ازسرگرفتند مدارس این‌کشور نیز پس از سه هفته تعطیل باردیگر بازشدند.
بگزارش خبرگزاری "پاپ"، سال گذشته درآمدملی‌لهستان ۱۵٪ کاهش یافت. این خبرگزاری می‌افزاید، چنانچه‌کمک دیگر کشورهای سوسیا ـ لیستی نمی‌بود، این‌کاهش حتماابعاد وسیع‌تری بخودمی‌گرفت.
"کمیسیون قیمت‌ها" پیشنهاد تغییر بهای برخی‌موادغذائی، سوخت و برق را به بحث همگانی گذاشت. **افزایش‌احتمالی این‌قیمت‌ها با کمک هزینه‌های نقدی‌همراه‌خواهدبود**.
بگزارش "**کومسومولسکایاپراودا**" (اتحادشوروی)، "**جوانان لهستان‌به اندیشه‌سوسیالیسم وفاداربافی مانده‌و از برقراری حکومت‌نظامی در لهستان پشتیبانی‌کرده‌اند. اعضای "اتحادیه‌ٔ جوانان سوسیالیست**" دراستقرارنظم وتثبیت تولیددرکارخانه‌ها شرکت می‌جویند و به روشنگری درمیان مردم می‌پردازند".

اتحاد شوروی ۲/۷ میلیارد روبل به‌لهستان اعتبار داد

اتحادشوروی‌و لهستان پروتکلی درباره بازرگانی‌واعتبار برای‌سال ۱۹۸۲ امضاءکردند. اتحادشوروی کماکان بخش اعظم نیازمندی های لهستان را در زمینه سوخت‌وموادخام تامین خواهدساخت. این‌کشورباتوجه به‌دشواریهای کنونی‌لهستان ۲/۷ میلیارد روبل اعتباردراختیارآن قرار خواهد داد. شرایط این اعتباربسیار سخاوتمندانه است.
تادیوش‌نستوروویچ، وزیر بازرگانی خارجی لهستان، پروتکل نامبرده را "**بسیارمهم**" خواند و گفت که کمکهای اتحادشوروی‌بازگشت به زندگی‌عادی‌رادرلهستان‌آسانترخواهد ساخت.
دراین‌میان‌تولید روزانه ذغال سنگ‌درلهستان به بیش از ۶۰۰ هزار تن رسید، که برای، ماه‌های‌دسامبر و ژانویه رکود بشمارمی‌رود. روز شنبه ۱۹ دی ۶۰ (۹ ژانویه ۸۲) پروازهای داخلی درلهستان از سرگرفته‌شد.

شرکت فعال در نبرد عادلانه برضد تجاوز رژیم صدام یك وظیفه انقلابی است!

اتحاد مردم
ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
محمود اعتمادزاده (م. ا. به‌آذین)
آدرس: تهران، منطقه‌ٔ ۱۳ پستی
صندوق پستی ۳۱۴/۱۱۱۷